مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# تشخیص مصلحت در آینه فقه و حقوق

## ویژه سالگرد تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

سید احمد حبیب نژاد



بسم الله الرحمن الرحیم

# تشخیص مصلحت در آیینه فقه و حقوق : ویژه سالگرد تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

نویسنده:

احمد حبیب نژاد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## تشخیص مصلحت در آیینه فقه و حقوق : ویژه سالگرد تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

### مشخصات کتاب

سرشناسه:حبیب نژاد، احمد

عنوان و نام پدیدآور:تشخیص مصلحت در آیینه فقه و حقوق : ویژه سالگرد تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام / احمد حبیب نژاد.

مشخصات نشر:قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری:۱۳۶ ص.

فروست:مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۸۴۳.

شابک:۸۵۰۰ ریال : ۹۶۴-۶۰۶-۸۶۰۶-۶۲-۵

وضعیت فهرست نویسی:برون سپاری.

یادداشت:عنوان روی جلد: تشخیص مصلحت در آینه فقه و حقوق...

یادداشت:کتابنامه: ص. [۱۳۲] - ۱۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد:تشخیص مصلحت در آینه فقه و حقوق...

موضوع:مجمع تشخیص مصلحت نظام

شناسه افزوده:صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره:BP۱۶۱/۷/ح۲ت۵ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی:۲۱۵۶۲۲۹

ص:۱

### اشاره

↔

تشخیص مصلحت در آیینه فقه و حقوق

کد: ۸۴۳

نویسنده: سید احمد حبیب نژاد

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بهاء: ۸۵۰ تومان



نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۵-۶۲-۷۸۰۸-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴-۷۸۰۸-۶۲-۵

ص:۲

## دیباچه

دین مبین اسلام با تنظیم و تدوین قوانین جامع و همه جانبه، تمامی نیازهای دنیوی و اخروی انسان را پاسخ گفته و از این راه، سعادت و صلاح انسان را در دو جهان تأمین کرده است. این قوانین در قالب احکام و قوانین اولی، ثانوی و حکومتی از سوی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان شده است. استنباط و تشخیص احکام اولی و ثانوی در طول زمان، همواره به وسیله مجتهدان و فقیهان اسلام شناس صورت گرفته است. احکام حکومتی اسلام نیز گرچه کم و بیش در آثار و کتاب های آنان مورد بحث و بررسی قرار گرفته، ولی به دلیل نبود حکومت اسلامی تا پیش از شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، گستردگی و جامعیت کمتری داشته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضرورت تبیین این بخش از احکام اسلامی به طور جدی احساس شد؛ احکامی که نه تنها از قوانین دین اسلام شمرده می شود، بلکه بر احکام اولی و ثانوی نیز مقدّم است و بر اساس مصالح جامعه و به تناسب شرایط گوناگون، از سوی حاکم جامعه اسلامی صادر می گردد. این احکام همان گونه که در سیره و گفتار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام و خاندان وحی و نبوت وجود داشته است، با هدف

حفظ مصلحت مهم تر و تقدم مصلحتی بر دیگر مصالح انجام می گیرد؛ امری که هر عقل سلیمی به آن معترف است و در همه جامعه های بشری جریان دارد.

آن چه مهم است، چگونگی شناسایی مصلحت های مهم تر و تصمیم گیری بر اساس آن ها با حفظ مبانی اسلامی است. امروزه حاکم اسلامی با وجود پیچیدگی و گستردگی شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ها، به تنهایی توان شناسایی این مصالح را ندارد و از مشورت کارشناسان آشنا به مبانی دینی و مصالح جامعه اسلامی سود می جوید. از این رو، معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) با ژرف نگری و دوراندیشی، افرادی را برای این منظور معرفی فرمود تا در مواقع مورد نیاز، مصلحت جامعه اسلامی را با بررسی همه جانبه تشخیص دهند و گره از مشکلات کور جامعه بگشایند. این افراد افزون بر شناخت احکام و مبانی دین اسلام، باید با واقعیت ها و مصالح جامعه اسلامی آشنا باشند تا بتوانند در شرایط ویژه، نقش خود را به عنوان مشاوران حاکم اسلامی به خوبی ایفا کنند. این گروه که «مجمع تشخیص مصلحت» نام گرفته است، تا کنون در گره گشایی و برطرف کردن معضلات نظام جمهوری اسلامی تاثیر به سزایی داشته و همچنان با درایت و جامعیت بیشتری در حال انجام وظیفه است.

نوشتار حاضر جستاری است در معرفی مجمع تشخیص مصلحت نظام و بررسی فقهی ـ حقوقی آن که در اختیار مدیران محترم و برنامه سازان ارجمند صدا و سیما قرار می گیرد تا در تهیه برنامه های مناسب و پاسخ گویی به شبهه های مربوط از این پژوهش استفاده شود.

با سپاس فراوان از پژوهشگر ارجمند جناب آقای سیداحمد حبیب نژاد که با نگارش این اثر، ما را یاری بخشیدند، آن را توشه راه دست اندرکاران

برنامه های رسانه ملی می سازیم. امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۳

## پیش گفتار

واژه مصلحت در آن دسته از واژگانی قرار دارد که در عین ظاهری ساده و زودفهم، دارای پیچیدگی هایی است که گاهی بین اندیشمندان در مفهوم و مصادیق آن اختلاف نظر پدید می آید.

مصلحت، اختصاص به فقه اسلامی ندارد، در مکتب های غربی نیز عنصری مهم، کارآمد و حتی گاهی زیربنایی به شمار می رود. در تفکر اسلامی، از مصلحت در دو حوزه مستقل سخن به میان می آید؛ حوزه کلامی (مثل اینکه آیا صدور احکام مبتنی بر مصلحت اولی است؟) و حوزه فقه (مانند آنکه آیا می توان از مصلحت در استنباط قوانین شرعی بهره برد؟). در این پژوهش کوشیده ایم، هر دو حوزه مصلحت را ــ البته با تأکید بر حوزه فقهی ــ بررسی کنیم.

در فقه، از این واژه به عنوان محور و مبنای احکام حکومتی نام برده می شود. هم چنان که پیوند میان مصلحت و بحث ولایت ــ چه ولایت بر محجورین و صغار و چه ولایت فقیه ــ انکارناشدنی است. در فقه اهل سنت نیز مصالح مرسله، جایگاه ویژه ای دارد و مباحث گسترده ای از فقه و کتاب های اصولی آنان را در برگرفته است.

فقهای شیعه نیز هر چند به صورت پراکنده در ابواب گوناگون فقهی از مصلحت و مصلحت اندیشی نام برده اند، ولی به دلایلی هم چون در اختیار

نداشتن حکومت و اداره جامعه، مباحث و مسائل مربوط به آن مانند: ماهیت، مرجع تشخیص و ضوابط مصلحت را با عنوان مستقل و جداگانه ای ذکر نکرده اند. پس از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی در ایران، امام خمینی (ره) که دین و فقه را برای حکومت و سیاست و تدبیر امور کشور، کارآمد می دانست، با مطرح کردن اندیشمندانه عنوان هایی مانند: مصلحت نظام، احکام حکومتی، ولایت مطلقه فقیه و نقش مقتضیات زمان و مکان در اجتهاد و غیره، به آنها حیاتی دوباره و پرقدرت بخشید. بدین ترتیب، ایشان، ابزارهایی برای تعالی اسلام و انقلاب و حل مشکلات مردم و مقابله با خطرهای داخلی و خارجی ابزارهایی در اختیار دولتمردان قرار داد که برکت های آن همچنان در فضای کشورمان جاری است.

امام خمینی (ره) با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از مهم ترین بن بست های قانون گذاری را در کشور ما رفع کرد؛ بن بستی که به سبب تقابل و تعارض حق حاکمیت ملی در امر قانون گذاری ــ که مجلس طلایه دار آن است ــ و حق حاکمیت شرعی و قانون اساسی ــ که شورای نگهبان، پاسدار آن است ــ پدید می آید. دیدگاه اصولی امام خمینی (ره) در تشکیل این نهاد، ناشی از نظریه ایشان مبنی بر ضرورت حفظ نظام اسلامی و تقدّم آن حتی بر احکام فرعی الهی است. بنابراین، مجمع تشخیص مصلحت نظام را می توان تبلور و تجلی این اندیشه آن بزرگوار دانست.

در بخش اول پژوهش حاضر، به موضوع مصلحت در اسلام و غرب می پردازیم. در فصل اول درباره تعاریف لغوی، اصطلاحی و ماهیت مصلحت، مرجع تشخیص مصلحت، منابع و دیدگاه غرب درباره مصلحت و... سخن می گوییم. در فصل دوم، مصالح مرسله در فقه اهل سنت، ادله

حجیت و  بی اعتباری مصالح مرسله و مصالح مرسله از منظر فقه شیعه را بررسی می کنیم. مصلحت از دیدگاه فقه شیعه، پیشینه بحث، نمونه هایی از نقش مصلحت در قرآن و سنت و فروع فقهی و احکام حکومتی _ که نقش مهمی در فهم مباحث ولایت مطلقه فقیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد _ در فصل سوم آمده است.

در بخش دوم، از چگونگی شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، ساختار و اعضا ضرورت وجودی، وظایف و اختیارهای این نهاد بحث می کنیم. در فصل های پایانی نیز به مباحثی هم چون قان ونگذاری ابتدایی مجمع، گستره مصوبه های مجمع نسبت به اصول قانون اساسی و احکام شرعی، چگونگی نظارت بر این نهاد و ویژگی های مصوبه های مجمع پرداخته ایم. در بخش سوم با عنوان با برنامه سازان، پیشنهادهای کلی و برنامه ای جهت استفاده برنامه های صدا و سیما ارائه شده است.

امید است با تبیین این موارد، گامی به سوی روشن شدن برخی زوایای مصلحت از دیدگاه فقهی _ حقوقی و آشنایی با نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام و رفع شبهه های مربوط به این نهاد برداشته باشیم.

## بخش اول: مصلحت در اسلام و غرب

### فصل اول: کلیات

#### ۱. تعریف لغوی مصلحت

صاحب نظران و نویسندگان کتاب های لغت، تعریف هایی از مصلحت ارائه کرده اند:

۱. جوهری،[۱] ابن منظور[۲] و مقری فیومی[۳] با اندکی تفاوت، مصلحت را به خیر تعریف کرده و گفته اند که صلاح، ضد فساد و استصلاح (طلب صلاح کردن)، نقیض استفساد (طلب فساد کردن) است.

۲. دهخدا نوشته است:

مصلحت، مقابل مفسده، صواب، شایستگی، صلاح.[۴] مصالح جمع مصلحه؛ نیکی ها. مصلحت به معنای صلاح و خیر کار، آنچه موجب آسایش و سود باشد؛ مصالح معاش و معاد: چیزهایی که خیر و مصلحت دنیا و آخرت با



---

۱- ۱. جوهری، صحاح اللغه، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه . ق، چ ۴، ج ۱، صص ۳۸۳ و ۳۸۴.

۲- ۲. ابن منظور مصری، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه . ق، چ اول، ج ۲، ص ۵۱۶.

۳- ۳. احمد بن محمّد مقرّی فیّومی، المصباح المنیر، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ ه . ق، چ دوم، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴- ۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۳، صص ۲۰ و ۲۱.

آن همراه است. مصالح، ضد فساد، جمع مصلحت: کارهایی که به خیر و صلاح مردم است، آنچه خیر و مصلحت کار به آن مربوط است.(۱)

آنچه از مجموع این تعریف ها به دست می آید منفعت، سود و نیکی است.

### ۲. تعریف اصطلاحی مصلحت

فقهای شیعه ــ برخلاف علمای اهل سنت ــ تعریف ویژه ای برای مصلحت ندارند. شاید این امر افزون بر زیرساختارهای فقه شیعی که مصلحت را به عنوان ابزار استنباط در فقه اهل سنت ارزیابی کرده اند، با روشن بودن این واژه ارتباط داشته باشد. برخی دانشمندان علوم اسلامی مصلحت را این گونه تعریف می کنند:

مصلحت عبارت است از: جلب منفعت و دفع ضرر و مقصود ما از مصلحت، حفاظت از مقصود شرع است که این مقصود شرع از پنج چیز است: حفظ دین، نفس(جان)، عقل، نسل و مال مردم. پس هرچه که در بردارنده این اصول پنج گانه باشد، مصلحت و هر چه که این اصول را از بین ببرد، مفسده ای می باشد که دفع آن، مصلحت است.(۲)

البوطی نیز در تعریفی کوتاه و مناسب می گوید:

منافعی که شارع حکیم برای بندگانش لحاظ نموده، به ترتیب اهمیت، عبارتند از: حفظ دین، جان، عقل، نسل و اموال آنان.(۳)

ص:۸

---

۱- ۱. همان، ج ۱۲، صص ۱۸۵۴۱ و ۱۸۵۴۲.

۲- ۲. محمّد غزالی، المستصفی من علم الاصول، بغداد، مکتب مثّنی، ۱۳۲۲ ه . ق، چ اول، ج اول، ص ۲۷۸.

۳- ۳. محمدسعید رمضان بوطی، ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه، دارالاسلامیه و الرساله، ۱۴۱۰ ه . ق، چ پنجم، ص ۲۷.

بنابراین، عنصر جلب منفعت و دفع ضرر در تعریف اصطلاحی مصلحت نقش مؤثری دارد که البته باید این منافع را در منافع مشروع محدود کرد. این تحدید از آن روست که هر منفعتی نمی تواند از دیدگاه شارع، معتبر باشد، هم چنان که هر ضرری با این نگاه، مفسده نیست. گاه ضررهایی ــ حتی به همراه درد و رنج فراوان ــ وجود دارد که در عین حال، منافع بسیاری دارد (مانند: جهاد در راه خدا) و از سوی دیگر، برخی منافع زودگذر هست که به دلیل داشتن زیان های فراوان، شارع از آن ها نهی کرده است. (مانند سود ناشی از گرفتن ربا)

به هرحال، مقصود از مصلحت هم منافع دنیوی و هم اخروی است. هم چنان که صاحب جواهر می نگارد:

از اخبار و کلمات فقها و از ظاهر قرآن این گونه فهمیده می شود که تمام معاملات و غیر آن برای مصالح مردم و منافع و فواید دنیوی و اخروی ــ که عرفاً مصلحت نامیده می شود ــ تشریع شده است.(۱)

### ۳. مرجع تشخیص مصلحت

عنصر مصلحت، نقش مهمی در احکام حکومتی دارد، به گونه ای که وجود مصلحت را ضابطه و ملاک در احکام حکومتی اعلام کرده اند. ازاین رو، تشخیص مصداق های مصلحت باید با دقت تمام صورت گیرد. با توجه به نظریه ولایت مطلقه فقیه و تصدی حکومت از سوی ولی فقیه، تشخیص مصالح، در درجه اول با وی خواهد بود.

ص:۹

---

۱- ۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷، چ سوم، ج ۲۲، ص ۳۴۴.

امروزه در دنیای کنونی که هر روز، بر پیچیدگی پدیده ها و روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ــ در سطح داخلی و بین المللی ــ افزوده می شود، یک فرد به تنهایی نمی تواند بر همه این پدیده ها و مقوله ها اشراف داشته باشد، بلکه هر یک از این جنبه های پیچیده و گوناگون، به تخصص های ویژه ای نیاز دارد که باید در آن امور، از نظریه ها و تجربه های کارشناسان بهره برد.

با این مقدمه مشخص می شود که ولی فقیه به تنهایی نمی تواند وظیفه تشخیص مصادیق مصلحت را در همه زمینه ها بر دوش گیرد، بلکه باید از کارشناسانی مدیر و مدبّر یاری جوید. گاهی این همکاری اهل خبره به صورت تشکیل شورایی مانند مجمع تشخیص مصلحت است و گاهی به شکل مشورت با فردی صاحب نظر در موضوع ویژه صورت می گیرد. این روش در منابع اسلام نیز پذیرفته شده است. در قرآن، آیه هایی مانند: «و شَاوِرْهُم فِی الْأمرِ» (آل عمران: ۱۵۱) و «و اَمْرُهُم شُوری بَیْنَهم» (شوری: ۳۸) بر این موضوع دلالت دارد.

در روایت ها نیز می توانیم نمونه های فراوانی از سفارش معصومین به مشورت را بیابیم. برای نمونه، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هیچ گروهی در امور خود مشورت نکرده، مگر اینکه به رشد و کمال هدایت شده است(۱) و... اگر فرمانروایان شما بهترینِ شما و ثروتمندانتان، بخشنده باشند و امور میان شما با مشورت باشد، پس روی زمین برای شما بهتر است از زیر آن (کنایه از اینکه زنده ماندن شما بهتر از مردن است).(۲)



---

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاه، ۱۴۰۴ ه . ق، ج پنجم، ص ۱۰۵.

۲- ۲. همان، ج ۷۷، ص ۱۴۱.

در سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم السلام نیز نمونه هایی از مشورت دیده می شود، مانند مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب در جنگ خندق و پذیرفتن پیشنهاد سلمان فارسی برای حفر خندق و گودال هایی در اطراف مدینه.

ازاین رو، می توان گفت استفاده از کارشناسان در پیشبرد امور و از آن جمله تشخیص مصلحت ها، امری پسندیده و عقلانی است. امام راحل در کتاب البیع می نویسد:

اینکه ما گفتیم حکومت از آن فقهای عادل است، گاهی در ذهن ها اشکال پدید می آورد که این فقها از اداره امور سیاسی و لشکری و غیر آن عاجز هستند، ولی این اشکال صحیح نیست؛ زیرا تدبیر و اداره امور در هر دولتی با کمک و همکاری بسیاری از متخصصان و صاحب نظران می باشد، بلکه امور در هر فنی به دست متخصصین آن می باشد.(۱)

### ۴. ماهیت مصلحت

در مباحث پیش دانستیم که علمای اسلامی، مصلحت را به جلب منفعت و دفع ضرر تعریف کردند، حال باید ببینیم که از نگاه جهان بینی اسلامی به چه چیزهایی منفعت و در نتیجه، مصلحت گفته می شود؟

از دیدگاه الهی،(۲) هر سودی را نمی توان مصلحت به شمار آورد، بلکه آن چیزهایی مصلحت هستند که شارع آنها را مورد توجه قرار دهد؛ برخی از این مصالح، اموری هستند که حفظ مقاصد پنج گانه (دین، نسل، عقل، جان و مال) را بر دوش دارند.



---

۱- ۱. سید روح اللّه موسوی خمینی، البیع، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه . ق، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲- ۲. بحث درباره مصلحت از دیدگاه غرب، در فصل های بعدی می آید.

از سویی، هر چند ماهیت مصلحت را سود بیان کنیم، ولی نمی توان توقع داشت که همگان در این باره فهمی یکسان داشته باشند. هم چنان که البوطی به نقل از بنتام می نویسد: «مردم اختلاف بسیاری در فهم منفعت دارند و به خاطر همین، مقدمات و نتایج آنها پراکنده و دور است».(۱)

به طور کلی، ماهیت مصلحت در اسلام را می توان این گونه بیان کرد:

۱. تحقق مصلحت در اسلام، منوط به ملاحظه آثار دنیوی و اخروی آن است، هر چند نمود مصالح دنیوی برخی امور مانند جهاد و وقف بیشتر است. بنابراین، مصلحت از دیدگاه اسلامی دو جنبه دارد.

۲. مصلحت از نگاه اسلامی تنها به جنبه مادی و جسمانی محدود نمی گردد، بلکه مصالح معتبر، هر دو جنبه جسمی و معنوی را شامل می شود.

از نکات مهم دیگر این است که مفهوم مصلحت با مفهوم ضرورت و اضطرار تفاوت دارد؛ زیرا «هر امر ضروری، مصلحت است، ولی هر امر دارای مصلحت، الزاماً ضروری نیست، مگر آنکه بالقوه ضروری باشد».(۲)

با توجه به سیره اهل بیت و فتوای فقها، این گونه برداشت می شود که لزومی ندارد مصلحت و مصلحت اندیشی به موارد ضروری و اضطرار اختصاص داشته باشد، بلکه در مواردی که امام یا حاکم، امری را به سود و صلاح مردم و جامعه اسلامی تشخیص دهد ــ حتی اگر آن امر به حد ضرورت و اضطرار نرسیده باشد ــ می تواند اجرای آن را بخواهد.

امام خمینی (ره) در این باره می نویسد:



---

۱- ۱. ضوابط المصلحه، ص ۲۹.

۲- ۲. عبداللّه جوادی آملی، ولایت فقیه، إسراء، ۱۳۷۹، چ دوم، ص ۴۶۵.

امام علیه السلام و حاکم مسلمین می تواند هر امری را که به صلاح مسلمانان است، انجام دهد، مانند: ثابت کردن قیمت یا صنعت یا محدود کردن تجارت و غیره از هر چیزی که در نظام و صلاح جامعه دخالت دارد.(۱)

از این گفتار امام (ره)، درمی یابیم که اختیارهای حاکم در این باره به وجود حالت ضرورت بستگی ندارد. به عبارت دیگر، وجود مصلحت و منفعت عمومی در استنباط و بیان حکم کافی است.

### ۵. منابع تشخیص مصلحت

#### اشاره

یکی از مسائل مهم درباره مصلحت آن است که ما از راه چه منابعی می توانیم مصالح را تشخیص دهیم. موارد زیر از جمله این منابع است:(۲)

#### الف) سیره معصومین علیهم السلام

در روایت ها، شاهد برخی مصلحت اندیشی از سوی معصومین هستیم. چنانکه در ادامه بحث به مواردی از آن اشاره می شود.

صاحب جواهر می نویسد: «همانا امام کاری را انجام نمی دهد، مگر آنکه موافق مصلحت بوده و مشروع باشد».(۳) البته چون این مصلحت اندیشی ها بر اساس مصالح متغیر و خواسته های زمانی و مکانی آن دوره است، نمی توانند برای دوران ما پایه ای برای احکام ثابت باشند، بلکه می توان ازاین روایت ها،



---

۱- ۱. روح اللّه موسوی خمینی، تحریر الوسیله، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۶۲۶ .
۲- ۲. نک: سیف اللّه صرامی، مقاله احکام حکومتی و مصلحت، مجله راهبرد، ش ۴ پاییز ۱۳۷۳،صص ۷۴ _ ۷۸؛ سیدعلی جبّار گلباغی، درآمدی بر عرف، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، چ اول.
۳- ۳. جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۶۲ .

به عنوان خطوط و اصول کلی مدیریت _ که مصلحت اندیشی در آن نقش مهمی دارد _ استفاده کرد.

### ب) ولی فقیه

بر اساس دیدگاه ولایت فقیه، اختیارات حکومت و از جمله تشخیص مصلحت در زمان غیبت، به فقیه جامع الشرایط واگذار شده است. بنابراین، در احکام متغیر و مسائل مستحدثه، ولی فقیه می تواند با مصلحت اندیشی، حکم مناسب را اعلام کند. البته او در احکام ثابت، نمی تواند به استناد مصلحت، حکم ثابت الهی را تغییر دهد، ولی اگر مورد، از موارد تزاحم باشد، بر اساس قاعده اهم و مهم و به طور موقت می تواند از اجرای حکم ثابت الهی جلوگیری کند.

### ج) عرف

گاهی از عرف، به عادت، سیره عقلاء، بنای عقلا و آداب و رسوم یاد می شود، هم چنان که عرف را به عرف عام و خاص، مسلّم و قراردادی، لفظی و عملی، عقلاییه و متشرعه، فاسد و صحیح و... تقسیم کرده اند.(۱)

باید گفت مراد از عرف در این بحث، عرف خاص؛ یعنی عرف کارشناسان و خبرگان است. به دیگر سخن، دیدگاه کارشناسان و خبرگان می تواند به عنوان منبعی برای تشخیص مصالح موضوع ها و احکام به شمار آید. البته این شناسایی باید در محدوده مصالح دنیوی باشد؛ زیرا «تشخیص مصالح دنیوی گاهی آسان و زمانی دشوار است که با مشورت کارشناسان



---

۱- ۱. نک: درآمدی بر عرف، ص ۱۵۷ به بعد؛ ترمینولوژی حقوق، صص ۴۴۷ _ ۶۵۰ .

روشن می گردد، ولی تشخیص مصالح اخروی غالباً دشوار است و هرگز بدون استعانت از وحی الهی میسور نیست».(۱)

همین شیوه در نظام جمهوری اسلامی در نهادی به نام «مجمع تشخیص مصلحت نظام» ظهور پیدا کرده است و حاکم اسلامی برای تشخیص مصالح نظام، با کارشناسان خبره و متعهّد مشورت می کند.

نکته مهم آن است که در این جا، تصمیم گیری نهایی با خود حاکم اسلامی است؛ زیرا با توجه به شرایط بیان شده در اسلام، برای تصدی رهبری جامعه (اجتهاد، تقوا، عدالت و...) و هم با وجود شرایط مطرح در اصل صد و نهم(۲) قانون اساسی، به این نتیجه خواهیم رسید که خود رهبری نیز بر مصالح و مفاسد اشراف کامل دارد. «در سمت ولایت و حکومت نیز فقیه جامع الشرایط بی شک نیازمند موضوع شناسی و کارشناسی و مشورت با متخصصین است... کار علمی فقیه و وظیفه اجرایی او آن است که کارهای کارشناسان امور مختلف را با قانون دین مقایسه و ارزیابی کند تا صحت و بطلان، حرام و حلال، زشت و زیبا بودن آنها را اعلام دارد... و در نهایت، تصمیم گیرنده، خود رهبری است».(۳)

### ۶ . ضوابط تشخیص مصلحت

ص:۱۵

---

۱- ۱. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، اسراء، چ سوم، ۱۳۷۸، ص ۴۶۶.

۲- ۲. اصل ۱۰۹ قانون اساسی: «شرایط و صفات رهبر، یک ـ صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه. دو ـ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امّت اسلام. سه ـ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدّد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدّم است».

۳- ۳. عبداللّه جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۳۸۶.

یکی از مباحث مهم در مسئله مصلحت آن است که ضوابط مصلحت تا کجا است؟ در اینجا به طور کلی و عمومی، مرزهای تشخیص مصلحت را بیان می کنیم.(۱)

الف) مخالفت نکردن با قواعد و سیاست های کلی شریعت

مهم ترین حد و مرزی که برای مصلحت وجود دارد، آن است که مصلحت، با قواعد کلی اسلام مخالف نباشد. البته این به معنای آن نیست که مصلحت تشخیص داده شده باید با همه احکام شرعی هم خوانی داشته باشد؛ زیرا در فصل های بعد می بینیم که گاهی برخی مصالح هم چون مصالح نظام و کشور اسلامی، بر همه احکام فرعیه الهی مقدّم است و می توان به سبب مصلحت نظام، برخی احکام اولیه را کنار گذاشت. همچنان که امام خمینی (ره) پس از برخورد وحشیانه دولت سعودی با حجاج ایرانی، حج را تعطیل کرد. مراد ما آن است که مصلحت نباید به گونه ای باشد که در هیچ حکمی از احکام شرعی، اعم از احکام اولیه، ثانویه و حکومتی نگنجد.

ب) قطعی و حتمی بودن مصلحت

مصلحت مورد اهمیت، باید قطعی و حتمی باشد؛ زیرا پسندیده نیست که به سبب مصلحتی احتمالی، احکام ثابت شرعی کنار گذاشته شود.

ج) رعایت اهم و مهم، در مقام تعارض و تزاحم دو مصلحت

باید مصلحت مهم تر و ارزشمندتر را بر مصلحت کم اهمیت مقدّم داشت. در این باره باید گفت شناخت مصلحت مهم تر آسان نیست. بنابراین، به بررسی و استفاده از نظر کارشناسان و صاحب نظران احتیاج دارد.

ص:۱۶

---

۱- ۱. نک: سیدعلی حسینی، ضوابط احکام حکومتی، امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸؛ ضوابط المصلحه، صص ۱۱۸ _ ۲۷۷.

در تعارض میان مصالح، باید اهمیت، شمول و نتیجه هر یک از مصلحت ها را در نظر گرفت. سپس مصلحتی را که مهم تر، عام تر و دارای نتیجه بهتری است، انتخاب کنند. برای مثال، حفظ دین بر مصلحت حفظ جان مقدّم است؛ چون، هم اهمیت، هم شمول و هم نتیجه حفظ آن، ارزش بیشتری دارد.

د) عمومی و کلی بودن

مصلحت باید همه مردم یا بیشتر آنها را شامل شود، نه آنکه به فرد یا گروه ویژه ای تعلق بگیرد و هیچ سودی برای نوع مردم نداشته باشد. ازاین رو، فقهای شیعه تعبیرهایی از قبیل مصالح مسلمانان، مصلحت اسلام و مصالح عمومی را می آورند و جالب آنکه فقها نه تنها مصالح نسل حاضر را در نظر می گیرند، بلکه بر این باورند که باید در حد توان و امکان، مصالح همه نسل های بعد نیز مورد توجه قرار گیرد.(۱)

ه ) رعایت عدالت

رعایت عدالت یکی از مرزهای مصلحت اندیشی است. پس نباید به بهانه مصلحت، عدالت را زیر پا گذاشت. به همین دلیل، حتی برخی از معاصران،(۲) ضابطه اصلی حکم حکومتی را عدالت می دانند، نه مصلحت. بنابراین، مصلحت باید منافع و نیازهای مردم را به گونه ای عادلانه تأمین کند یا مقدمه ای برای اجرای عدالت باشد.

ص:۱۷

---

۱- ۱. روح اللّه موسوی خمینی، البیع، تهران، مؤسسه نشر اسلامی، چ پنجم، ج سوم، ۱۴۱۵ ه . ق، ص ۴۳.

۲- ۲. سیدعلی حسینی، ضابطه اصلی احکام حکومتی، فصل نامه طلوع، سال اول، شماره سوم و چهارم و پاییز و زمستان ۸۱، صص ۴۰ و ۴۱.

### ۷. الگوهای مصلحت

(۱)

باید دانست که مصلحت انعطاف زیادی دارد و چه بسا سود شخصی و غیرعادلانه، به عنوان مصالح واقعی جلوه کنند. بنابراین، شناسایی الگوهای مصلحت، به همه به ویژه مسئولان جامعه اسلامی این توانایی را می دهد که با دقت و بررسی، مصالح واقعی را از مصالح غیرواقعی و دروغین جدا و امور جامعه را در چارچوب این الگوهای پذیرفته شده اداره کنند.

این الگوها به عنوان قواعد و کلیات مصالح، می تواند ابزاری باشد تا نهادهای تضمینی، قضایی، اجرائی به ویژه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصمیم ها و عملکرد خود را با این قواعد و کلیات، تطبیق و آنان را برای در پیش گرفتن شیوه های مناسب اداره جامعه، یاری دهند. مثلاً ـ اگر در بحث الگوهای سیاسی ثابت شود که امنیت از لوازم جدایی ناپذیر قدرت سیاسی کشور است، در صورت تزاحم حفظ امنیت ملی با مراعات آزادی اقتصادی در برخی از کالاها، مثل تجارت مواد مخدر، بی شک، امنیت ملی بر آزادی اقتصادی، مقدّم است.

به طور خلاصه و فهرست وار به برخی از این الگوهای مهم اشاره می کنیم:

الف) الگوهای سیاسی

رفتار سیاسی و تدوین برنامه ها و قوانین مربوط به سیاست جامعه، باید از الگوهای مصالح زیر پیروی کند:

ص:۱۸

---

۱- ۱. برای مطالعه بیشتر نک به: بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۸۴ _ ۲۲۶.

یک _ حفظ نظام؛

دو _ امنیت ملی؛

سه _ استقلال و نفی سلطه؛

چهار _ محو استبداد و خودکامگی.

ب) الگوهای حقوقی

برای رعایت حقوق جامعه باید الگوهای مناسبی تنظیم و اجرا گردد تا مصالح حقوقی به بهترین شکل تأمین شود. این الگوها عبارتند از:

یک _ تفکیک حق و تکلیف؛

دو _ حاکمیت و برابری قانون؛

سه _ مسئولیت پذیری دولت مردان؛

چهار _ احترام به آزادی ملت؛

پنج _ امر به معروف و نهی از منکر.

ج) الگوهای اجتماعی

الگوهایی که در تعامل میان مردم با یکدیگر و حکومت با مردم، مصالح همگان را تأمین می کند، بدین قرار است:

یک _ وحدت و هم بستگی؛

دو _ مصالح اصناف: جوانان، زنان، کارگران؛ ...

سه _ تعلیم و تربیت و تقویت روح نوآوری.

د) الگوهای اقتصادی

اقتصاد کشور باید بر اساس الگوهای زیر باشد تا عدالت اقتصادی به شکل مناسب برقرار گردد:

یک _ خودکفایی؛

دو ـ محرومیت زدایی و رسیدگی به اقشار آسیب پذیر جامعه؛

سه ـ توسعه عدالت اجتماعی.

ه) الگوهای اخلاقی ـ فرهنگی

الگوهایی که در اخلاق و فرهنگ مردم و جامعه اهمیت زیادی دارد:

یک ـ مبارزه با فساد اجتماعی و هرگونه مظاهر تباهی؛

دو ـ ترویج تقوا و اخلاق حسنه؛

سه ـ نفی نفاق و دورویی جامعه.

## فصل دوم: مصلحت در فقه اهل سنّت

### اشاره

یکی از منابع اجتهادی اهل سنت، مصالح مرسله است که ارتباط تنگاتنگی با بحث مصلحت دارد. در این فصل می خواهیم بدانیم که مصالح مرسله چیست؟ شرایط و ضوابط آن کدام است و ادله حجیت و عدم حجیت آن کدامند؟ در ادامه بحث، به تفاوت مصالح مرسله در فقه اهل سنت با نقش مصلحت در فقه امامیه می پردازیم:

### ۱. مصالح مرسله چیست؟

مرسله در لغت به معنی رها بودن و آزاد بودن است. علمای اهل سنت در معنای اصطلاحی آن اختلاف دارند و با توجه به تعریف هایی که از مرسله و ارسال بودن مصالح کرده اند، مفهوم مصالح مرسله هم دگرگون می شود:

الف) گروهی مانند ابن برهان بر این باورند که مرسله بودن یا ارسال به این معنی است که مصلحت بر هیچ نص و متن شرعی متکی نیست و به طور کلی از قید و بند نص شرعی رهاست. به نظر این گروه، مصلحت

مرسله، مصلحتی است که هیچ نص شرعی در مورد آن وجود ندارد و تنها عقل است که حق کشف آن را دارد و به تعبیر خود ابن برهان، «مصلحت مرسله آن چیزی است که به هیچ اصل کلی یا جزئی مستند نیست.»(۱) صبحی صالح، از دیگر طرفداران این نظریه  می گوید: «مصلحت مرسله مصلحتی است که از هر قیدی رها است مگر قید نفع عام».(۲)

ب) گروهی دیگر مانند شاطبی، دوالیبی و امام محمد غزالی بر این باورند که مصلحت مرسله آن است که دلیل خاص شرعی در موردش نداریم، ولی به طور عام در شمار نصوص عام شرعی قرار دارند. به عبارت دیگر، ارسال به معنای بی اعتمادی به هیچ نص شرعی نیست، بلکه این ارسال، خود، در چارچوب کلی شرعی قرار می گیرد.

دوالیبی می گوید:

استصلاح، بنا کردن حکم بر اساس مصالحی است که تحت قواعد عام (شرعی) هستند و این قواعد عام مانند این مواردند: إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ اْلإِحْسانِ و حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار».(۳)

شاطبی در الاعتصام می نویسد:



---

۱- ۱. سید محمدتقی حکیم، اصول العامه للفقه المقارن، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۹۰، چ ۲، ص ۳۸۲.
۲- ۲. نورالدین خادمی، المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها، دار ابن حزم، ۱۴۲۱ ه . ق، چ اول، ص ۲۲، ص ۳۴.
۳- ۳. اصول العامه، ص ۳۸۲.

مصالـح مرسـله به اعتبـار منـاسبی برمی گردد که اصل (شـرعی) معیّن بر اعتبارش نیست؛ یعنی شاهـد شـرعی خاصـی برای آن نیست و قیاس هم نمی باشد، به گونه ای که اگر به عقول عرضه شود، آن را قبول نمایند.(۱)

بوطی نیز مصـالحی را که داخـل در مقاصـد کلی شارع نباشـد، خارج از تعریف مصالـح مرسـله می دانـد. و از آن ها به عنوان مرسـله غریب نام برده و اظهار داشـته است که علما بر عدم حجیت این مراسل غریب اتفاق دارند. پس مصالح مرسـله را چنین تعریف کرده است: «هر منفعـتی که داخـل در مقاصـد شـرع باشـد، بـدون آنکه شاهـدی بر اعتبـار یـا الغـای (بی اعتبـاری) آن باشد».(۲)

به نظر می رسد نظر گروه دوم صـحیح تر باشد؛ زیرا چنانچه بوطی گفته است، مصالحی که به هیچ نص شرعی ولو عام، متکی نباشد، حجیت ندارد.

### ۲. مصالح شرعی معتبر

برای درک بهتر مصالح مرسله، باید بدانیم که مصالح شرعی از نظر علمای اهل سنت، سه دسته هستند:(۳)

الـف) دسـته ای که شـارع بر اعتبـار آن شـهادت داده و آن را حجت می دانـد، ماننـد: حرام بودن هر نوع مسـکر؛ چون شـارع، مصلحت حفظ عقل را معتبر



---

۱- ۱. ضوابط المصلحه، ص ۲۸۸.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. المستصفی، ج ۱، صص ۲۸۴ _ ۲۸۶؛ الاعتصام، ج ۲، ص ۱۱۳؛ المصلحه المرسله حقیقتها، ص ۳۰.

دانسته است یا معتبر دانستن مصلحت حفظ جان و نفوس مردم که شارع این مصلحت را به واسطه تشریع حکم قصاص لحاظ کرده است.

ب) دسته ای که شرع بر بطلان و بی اعتباری آن ها گواهی داده و این مصلحت را باطل دانسته است. برای نمونه، گروهی به خاطر مصلحت برطرف شدن رنج و عذاب از مریضی که از شفای او قطع امید شده، به اباحه قتل این مریض حکم کرده اند، در حالی که این مصلحت بر اساس آیه: «وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتی حَرَّمَ اللّهُ إِلاّ بِالْحَقِّ؛ نفسی را که خدا حرام کرده، جز به حق، نکشید» (انعام: ۱۵۰) باطل است.

ج) دسته ای که از شرع نصی بر بطلان یا اعتبار و حجیت آن نیامده که این، همان مصلحت مرسله است.

از مثال های مهم در این مورد، مثال تترس (سپر) است که غزالی آن را در المستصفی بیان کرده است:

گاهی در حمله به مسلمانان، یک یا چند مسلمان را به عنوان سپر انسانی و دفاعی قرار می دهند، به گونه ای که اگر سپاه مسلمانان بخواهند به کفار تیراندازی کنند، این سپرهای دفاعی مسلمانان کشته می شوند. از طرفی، حمله نکردن به کفار باعث غلبه کفار بر مسلمانان و کشتار جمعیت بیشتری از مسلمانان می شود. در اینجا حفظ همه مسلمانان و کشور اسلامی به قصد و غرض شارع نزدیک تر است. پس مصلحت ایجاب می کند که سپاه مسلمانان بتوانند به کفار حمله کنند، حتی اگر به کشته شدن آن سپرهای دفاعی مسلمانان منجر شود. در این مورد، نص و اصل معینی که بر اعتبار این مصلحت یا عدم اعتبار آن دلالت کند، وجود ندارد. پس این هم نوعی مصلحت مرسله است.

برای روشن شدن بهتر مصالح مرسله، نمونه هایی از اعمال صحابه را می آوریم که به اعتقاد علمای اهل سنت، این کارها بر اساس مصالح مرسله است؛ زیرا هیچ نص و سنتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اعتبار یا بی اعتباری آنها دلالت نداشته است و صحابه فقط به استناد مصلحت این امور را انجام می دادند:(۱)

یک ــ به نظر اهل سنت، ابوبکر قرآن را جمع آوری کرد، در حالی که خود پیامبر صلی الله علیه و آله چنین اقدامی نکرد. استدلال ابوبکر در این کار این بود که برای خیر و صلاح مسلمانان دستور جمع آوری قرآن را داده است.

دو ــ ابوبکر با کسانی که از دادن زکات خودداری می کردند، جنگید.(۲)

سه ــ عمر، سهم «مؤلفه قلوبهم» را از مصارف زکات حذف کرد، با اینکه نص صریح قرآن است؛ زیرا معتقد بود که دیگر این نوع از مصرف زکات به مصلحت نیست.(۳)

چهار ــ عمر سه طلاق زن را به یک جلسه و یک لفظ جایز دانست.(۴)

پنج ــ عمر زندان ساخت و خراج و مالیات وضع کرد.(۵)

شش ــ به خلافت رساندن عمر از سوی ابوبکر که نه از قبل درباره آن امری رسیده بود و نه نظیری داشت.(۶)



---

۱- ۱. ابواسحاق شاطبی، الاعتصام، مصر، مکتبه تجاری کبری، ج ۲، ص ۱۱۵؛ ضوابط المصلحه، ص ۳۰۸.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. ضوابط المصلحه، ص ۱۲۹.

۴- ۴. همان، ص ۳۶.

۵- ۵. المصلحه المرسله حقیقتها، ص ۴۱.

۶- ۶. عقل و استنباط فقهی، ص ۲۱۹ به نقل از قرافی از علمای اهل سنت.

هفت ــ واگذار کردن تعیین خلیفه به شورا از سوی عمر.

هشت ــ ضرب سکه برای مسلمانان.(۱)

نکته: استصلاح و تفاوت آن با مصالح مرسله

گروهی مانند محمد غزالی و علامه محمد خضری، مفاهیم مصالح مرسله، استصلاح و استدلال را مترادف یکدیگر می دانند،(۲) در حالی که اینها مفاهیمی جداگانه هستند؛ زیرا هم چنان که بوطی می نویسد:

استصلاح یا استدلال بر عمل مجتهد که حکم شرعی را بر طبق مصلحت مرسله استنباط می کند، اطلاق می شود، در حالی که مصلحت مرسله بر حقیقتی اطلاق می شود که بدون لحاظ اجتهاد و مجتهد، در خارج وجود دارد و یا امید حصول آن است.(۳)

بنابراین، استصلاح یا استدلال، مبتنی کردن حکم شرعی بر مصالح مرسله است و نباید آن را خود مصالح مرسله دانست.

### ۳. معیارها و ضوابط مصالح مرسله

برخلاف برخی که گفته اند علمای اهل سنت بدون هیچ شرط و قیدی از مصالح مرسله در استنباط احکام شرعی استفاده می کنند، خود آنان ضوابطی را در این باره عنوان کرده اند. برای نمونه، غزالی در المستصفی می نویسد:

مصلحت باید به حفظ مقاصد شرع برگردد و مقاصد شرع هم با کتاب و سنت و اجماع شناخته می شود. پس هر مصلحتی که به حفظ مقاصد



---

۱- ۱. همان.

۲- ۲. محمد ابراهیم جناتی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰، چ اول، ص ۳۵۴.

۳- ۳. ضوابط المصلحه، ص ۲۷۸.

پنج گانه برنگردد، جزو مصالح غریب است که باطل است.(۱)

از آن جا که این بحث ـ یعنی شرایط و ضوابط مصالح مرسله ـ در شناخت جایگاه استصلاح و مصالح مرسله مؤثر است، در این جا دیدگاه های برخی از دانشمندان بزرگ اهل سنت را می آوریم:

الف) امام محمد غزالی معتقد است(۲) وقتی می توان از مصالح مرسله استفاده کرد که:

یک ـ ضروری باشد؛ یعنی مصلحت باید در حفظ و پاسداشت مقاصد پنج گانه مهم شرعی (دین، عقل، جان، نسل و مال)، مؤثر باشد.

دو ـ قطعی و حتمی باشد. به عبارت دیگر، مصلحت موهوم نباشد.

سه ـ کلی باشد؛ یعنی به گونه ای باشد که سود آن به همه یا بسیاری از مسلمانان برسد و مصلحتی جزئی و شخصی نباشد.

ب) بوطی نیز شرایط زیر را برای مصلحت شرعی بیان کرده است:(۳)

یک ـ آن مصالح در مقاصد شرع (حفظ دین، عقل، نفس، نسل و مال) بگنجد. بنابراین، هر چه متضمن حفظ این اصول پنج گانه باشد دارای مصلحت است و به جز این، مفسده به شمار می آید.

دو ـ آن مصلحت نباید با کتاب مغایر باشد. بنابراین، مصلحتی که برخلاف قرآن مجید است، باطل می شود.

سه ـ مصلحت نباید با سنت در تضاد باشد.



---

۱- ۱. المستصفی، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲- ۲. همان، ص ۲۹۶.

۳- ۳. ضوابط المصلحه، صص ۱۱۰ ـ ۲۱۸، با تلخیص و تصرف.

چهار _ مصلحت باید با قیاس هم خوانی داشته باشد.

پنج _ مصلحت نباید سبب تفویت مصلحت مهم تر یا مساوی با خود باشد.

شش _ رعایت مصلحت سبب حفظ موارد ضروری یا رفع سختی و مشقت (حرج) باشد.

هفت _ باید قطع یا ظن به تحقق مصلحت داشته باشیم. بنابراین، بر اساس مصالح مشکوک یا موهوم نمی توان حکم کرد.

هشت _ مصالح ضروری، حاجی و تحسینی به ترتیب بر یکدیگر مقدّم می شوند و اگر هر دو از ضروریات باشند، هر کدام که متعلقش از کلیات پنج گانه در اولویت باشد، مقدّم می شود و اگر از جهت متعلق هم مساوی بودند، هر کدام که افراد بیشتری را شامل شوند، مقدّم خواهند بود.

### ۴. نظریه هایی درباره حجّیت مصالح مرسله

پیش از ورود به بحث، بهتر است با چندگونه از مصالح که در مباحث بعدی کاربرد دارند، به طور مختصر آشنا شویم:

مصالح را به اعتبار مراتب اولویت به گونه های زیر تقسیم بندی می کنند:(۱)

الف) مصالح ضروری

مصالحی است که گریزی از آنها نیست و بدون آنها در مقاصد پنج گانه شارع (حفظ جان، مال، دین، نسل و ناموس) اختلال پدید می آید، مانند: حرمت کفر، قتل، زنا، سرقت و شرب خمر.

ب) مصالح حاجی



---

۱- ۱. المستصفی، ج ۱، ص ۲۸۷.

مصالحی است که برای رفع نیازها و حاجت ها لازمند، ولی به گونه ای نیستند که با رعایت نکردن آنها در مقاصد پنج گانه شارع اختلال ایجاد شود. مباح بودن شکار، شکسته خواندن نماز به وسیله مسافر، احکام بیع، اجاره و... از این دست به شمار می روند.

ج) مصالح تحسینی

مصالحی است که رعایت آنها سبب بهتر شدن زندگی انسان می شود. برطرف کردن نجاست، ستر عورت، آداب خوردن و آشامیدن و... را می توان از این دسته مصالح نام برد.

از جمله تقسیم بندی های دیگر مصالح، تقسیم آن به مصالح دنیوی (مثل تکلیف به معاملات) و مصالح اخروی(۱) (مثل تکلیف به باورها و عبادت ها) و نیز به مصالح عام (که شامل همه مردم یا افراد بسیاری می شود) و مصالح خاص (که شامل افراد کمی می گردد) است.(۲)

با توجه به این تقسیم بندی ها اکنون به بحث خود باز می گردیم. مهم ترین اقوال اهل سنت درباره مصالح مرسله چنین است:

الف) به طور مطلق، حجت است. از مالک چنین نقل شده(۳) و نظر طوفی نیز همین است.(۴)



---

۱- ۱. الموافقات، ج ۲، ص ۲۶.
۲- ۲. المصلحه المرسله؛ حقیقتها و ضوابطها، ص ۲۲.
۳- ۳. الاعتصام، ج ۲، ص ۱۱۱.
۴- ۴. ضوابط المصلحه، ص ۱۸۱.

ب) به طور مطلق، حجت نیست. قاضی باقلانی از بزرگان اهل سنت[(۱)] و شافعی[(۲)] و حنفی ها[(۳)] بر این عقیده هستند.

ج) دلیلی مستقل در برابر ادله دیگر شرعی نیست. بوطی و غزالی و حنابله بر این عقیده اند.

د) همراه با شرایطی معتبر است. این نظر را بیشتر علمای اهل سنت از جمله بوطی،[(۴)] غزالی،[(۵)] شافعی بنا بر نظریه دیگرش،[(۶)] حنفی،[(۷)] جوینی[(۸)] و مالک بنابر یک دیدگاه[(۹)] پذیرفته اند.[(۱۰)]

### ۵. ادله حجیت یا عدم حجیت مصالح مرسله

#### اشاره

هریک از طرفداران حجیّت داشتن یا حجیت نداشتن مصالح مرسله برای خود دلایلی بیان کرده اند که به برخی از مهم ترین این ادله اشاره می کنیم:

#### الف) ادّله موافقان

##### یک _ ادله عقلی

###### اشاره

[(۱۱)]



---

۱- ۱. همان، ص ۳۲۴.

۲- ۲. اعتصام، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳- ۳. اصول العامه، ص ۳۸۵.

۴- ۴. همان، ص ۱۰۷.

۵- ۵. المستصفی، ج ۱، ص ۲۹۶.

۶- ۶. اصول العامه، ص ۳۸۵.

۷- ۷. همان.

۸- ۸. همان.

۹- ۹. المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها، ص ۱۰۰.

۱۰- ۱۰. اصول العامه، ص ۱۰۷.

۱۱- ۱۱. مصادر التشریع، صص ۹۰ _ ۹۹؛ اصول العامه، صص ۳۷۸ و ۳۸۸؛ ضوابط المصلحه، صص ۳۰۸ _ ۳۱۵؛ مناهج

الاجتهاد، ص ٣٠١.

### اول _ مبتنی بودن احکام بر مصالح و مفاسد

مصلحتی که غالب بر مفسده باشد، از دیدگاه شارع معتبر است و عقل نیز این مطلب را درک می کند. بنابراین، وقتی حادثه ای رخ داد و نصّ ویژه ای درباره آن نداشتیم، می توان حکمی را برای آن حادثه قرار داد تا به وسیله این حکم، مصلحت را جلب و مفسده را دفع کنیم؛ چون می دانیم که تشریع احکام از سوی شارع، برای مصلحت بندگان است.

### دوم _ کامل و خاتم بودن دین اسلام

اسلام، آخرین، جامع ترین و کامل ترین دین الهی است و از سوی دیگر انسان، نیازها و خواسته های او همواره در حال تبدیل است. بنابراین، اگر بخواهیم تنها به نصوص و منابع شرعی صدر اسلام تکیه کنیم، نخواهیم توانست به نیازهای جدید بشری پاسخ مناسبی بدهیم و این امر با خاتمیت و جامعیت دین اسلام تعارض دارد. پس برای حل این مشکل و تعارض باید به مصالح جدید اعتنا کنیم و بر اساس آنها حکم مناسب را در نظر بگیریم.

## دو _ ادله نقلی

### اول _ قرآن

۱. آیه هایی مانند: «فاعتبروا یا اولی الابصار؛ ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید». (حشر: ۲)

انسان را به تفکر و عبرت گرفتن و گذشتن از چارچوب های ظاهری (از جمله نص) فرا می خواند. استناد به مصلحت فیزیکی از همین موارد است.

۲. برخی آیه ها نیز نشان می دهد احکام مبتنی بر مصالح و مفاسد است، مانند این آیه ۹ سوره مائده:

إِنَّما یُریدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَهَ وَ الْبَغْضاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ وَ عَنِ الصَّلاهِ.

شیطان قصد دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عدوات و کینه برانگیزاند و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد.

از این آیه می توان فهمید که فلسفه حرمت شرب خمر و قمار، جلوگیری از ایجاد دشمنی و کینه و فراموشی ذکر خداوند است.

۳. آیه هایی که از تبدیل حکمی به سبب دگرگونی شرایط و اوضاع خبر می دهد، مانند آیه ۳ سوره مائده «فَمَنِ اضْطُرَّ فی مَخْمَصَهٍ غَیْرَ مُتَجانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ؛ هر کس از روی ناچاری و نه به قصد گناه، چیزی از حرام را مرتکب شود، حق بر او سخت نگیرد؛ زیرا خدا بسیار بخشنده و مهربان است». که این آیه مبتنی بر رعایت مصلحت رفع عسر و حرج است.

### دوم _ روایات

در این جا به برخی از احادیثی که موافقان مصالح مرسله به آن تمسک می جویند، اشاره می کنیم:

۱. حدیث شریف «لا ضَرَرَ وَ لا ضِرارَ فی الْإِسْلام» که نشانگر رعایت مصالح در اسلام است. طوفی به این حدیث برای حجیّت مصالح مرسله استناد می کند،(۱) به این بیان که گفته پیامبر در حدیث «لا ضرار» اقتضا دارد که مصالح رعایت و مفاسد نفی شود؛ زیرا ضرر همان مفسده است. پس



---

۱- ۱. اصول العامه، صص ۳۹۰ _ ۳۹۲ به نقل از رساله طوفی، صص ۹۰ و ۹۱.

هنگامی که شارع، مفسده ضرر را نفی می کند، لازم است نفع را که همان مصلحت است، پذیرفته باشد؛ زیرا مصلحت و مفسده (نفع و ضرر) نقیض یک دیگر هستند و واسطه ای میان آن دو نیست.

۲. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از معاذ پرسید: به چه چیز در میان مردم حکم می کنی؟ معاذ گفت: به کتاب خداوند و پس از آن، اگر نیافتم، به سنت رسول خدا و آن گاه اگر نیافتم، بر اساس رأی خود اجتهاد می کنم.(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان او را تأیید کرد و این تأیید، مصالح مرسله را هم در برمی گیرد؛ چون مصالح مرسله نیز نوعی اجتهاد به رأی به شمار می رود.

۳. پیامبر در احادیث گوناگون بر رعایت مصلحت تأکید می کند. برای مثال می توان از حدیثی نام برد که در آن، پیامبر از نکاح با دختر خواهر و دختر برادر و خاله و عمه منع کرد و فرمود: «اگر این کار را بکنید، ارحام خود را قطع می کنید».(۲)

۴. در زمینه اختلاف نصوص شرعی هم باید گفت وقتی به متون شرعی می نگریم، می بینیم برخی از آن ها با یک دیگر تعارض دارند و این سبب اختلاف در احکام می شود، ولی رعایت مصالح، امری حقیقی است و اختلافی در آن نیست. بنابراین، توجه به مصالح، سبب اتفاق نظر در احکام می شود که شرعاً مطلوب است.

### سوم _ سیره صحابه و تابعین

ص:۳۲

---

۱- ۱. عبدالقادر عوده، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۳، چ اول، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲- ۲. مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص ۲۳۲.

صحابه و تابعین در موارد بسیاری به استصلاح و مصالح مرسله، استناد و احکامی را صادر می کردند که برخی موارد حتی با نصوص مخالفت داشت. نکته مهم آن است که صحابه و تابعین در برابر پرسش از علت تصمیم های خود به «خیر» تعبیر می کردند و می گفتند مثلاً جمع آوری قرآن، خیر است که مراد از این خیر، در صدر اسلام همان مصلحت است.

جمع آوری قرآن و جنگ با کسانی که زکات نمی دادند، نمونه های این مصلحت اندیشی است که دلیلی شرعی بر اعتبارش موجود نبود. تجویز سه طلاق در یک مجلس، سهم «مؤلفه قلوبهم» از مصارف زکات، وضع خراج، تشکیل دیوان و ساختن زندان و جلوگیری از اجرای حدّ سارق در سال قحطی به وسیله خلیفه دوم نیز از این موارد است. عثمان نیز نسخه های قرآن، به جز یکی را از میان برد و علت آن را اصلاح و خیر مسلمانان عنوان کرد.

## چهارم _ سیره فقها

وقتی به سیره فقهای اهل سنت رجوع شود، موارد بسیای را می بینیم که ظاهراً نصّی درباره آنها وجود ندارد و آنان فقط از راه استصلاح و مصالح مرسله آن احکام را استنباط می کردند.

مالک بن انس، زدن و شکنجه متهم را به هدف اقرار به سرقت یا قتل جایز می دانست، در حالی که این حکم با اصول اولیه ای هم چون: «البیّنه علی المدعی و الیمین علی المنکر؛ مدعی باید شاهد بیاورد و منکر باید قسم بخورد»، تعارض دارد. خود مالک می گفت: «اگر زندان و زدن در مواردی از اتهام وجود

نداشت، بیرون کشیدن دارایی مردم از چنگال دزدان و غاصبان، دشوار، بلکه ناممکن می شد».(۱)

### پنجم _ اجماع

طوفی بر رعایت مصالح و استصلاح، ادعای اجماع کرده و گفته است امت اتفاق دارند که در احکام شرعی باید مصالح رعایت شود.

### ششم _ حق امامت

بنابر باور بوطی، «از حق امامت این است که امام در اموری که شارع به او واگذار کرده، احکامی جعل کند که بر حسب مصالح متفاوت می شود».(۲) علت این امر نیز رفع نیازها و خواسته های مردم و تأمین خیر و مصلحت آنان است.

## ب) ادله مخالفان

### اشاره

مخالفان به کارگیری استصلاح و اعتبار مصالح مرسله نیز دلایلی برای ادعای خویش آورده اند که برخی از آن ها در حقیقت پاسخ به ادله موافقان است که به شماری از آنها اشاره می کنیم:(۳)

### یک _ استصلاح، اعتراف به نقص اسلام است

برخلاف استدلال موافقان مصالح مرسله، دین اسلام به عنوان دینی کامل، تمام مصالح مردم را رعایت کرده است. بنابراین، استصلاح، اعتراف به نقص و کمبود در احکام اسلام است. اگر مصالح انسان بیش ازآن چیزی است که خداوند بیان کرده، این مطلب با آیه قرآن که فرموده است: «أَیَحْسَبُ



---

۱- ۱. اعتصام، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲- ۲. همان، ص ۵۸.

۳- ۳. منابع اجتهاد، صص ۳۳۸ _ ۳۴۸؛ اصول العامه، صص ۳۸۶ _ ۳۹۹.

أَلْإِنْسانُ أَنْ يُتْرَکَ سُدًی؛ آیا انسان گمان کرده است که بدون تکلیف رها خواهد شد» (قیامت: ۳۶)، منافات دارد. بنابراین، مصالحی را که موافقان مصالح مرسله عنوان می کنند، مصالحی وهمی هستند نه مصالحی حقیقی.

### دو _ استقلال نداشتن مصالح مرسله در برابر عقل

اینکه عقل، مصالح مرسله را معتبر می داند، در صورتی است که عقل توان درک مصلحت حکم را داشته باشد، در حالی که عقل بشری این توانایی را ندارد. افزون بر آن اگر به گفته موافقان، عقل به طور کامل بتواند احکامی را بر اساس مصالح مرسله به دست آورد، این دیگر دلیل مستقلی نیست، بلکه به همان دلیل عقلی که از منابع استنباط احکام است، برمی گردد. بنابراین، نمی توان مصالح مرسله را منبعی برای استنباط احکام شرعی قرار داد.

### سه _ استفاده ابزاری از مصالح

معتبر دانستن مصالح مرسله سبب می شود زمامداران، حکومت را به عنوان حربه و وسیله ای پرقدرت در دست داشته باشند و بتوانند با نام مصلحت، هر حلالی را حرام و هر حرامی را حلال کنند.

### چهار _ ترجیح بلامرجّح

نه دلیلی بر اعتبار مصالح مرسله داریم و نه بر بی اعتباری آن. پس اگر بخواهیم بدون هیچ دلیل قطعی و یقینی این مصالح را معتبر بدانیم و بر اساس آن حکمی صادر کنیم، این امر، ترجیح بلا مرجّح و باطل است.

### پنج _ تغییر و تبدیل احکام

اگر برخی احکام شرعی مبتنی بر مصالح مرسله باشد، مستلزم آن است که احکام در هر دوره زمانی و مکانی و بر اساس سلیقه ای شخصی دگرگون

شود که این در نهایت به نسخ می انجامد که برخلاف جاودانگی دین اسلام است.

### شش ـ نبودن جواز عمل به ظن

اصل جایز نبودن عمل به ظن، از جمله مصالح مرسله در احکام شرعی است؛ زیرا در قرآن مجید آمده است: «إنَّ الظنَّ لایُغنی من الحق شیئاً؛ گمان و خیالات، کسی را از حق بی نیاز نمی کند». (یونس: ۳۶)

### هفت ـ اشکال بر دلیل سیره صحابه و تابعین و فقها

استدلال به امور بالا برای حجیت مصالح مرسله درست نیست؛ زیرا:

اول ـ آنها معصوم نیستند. پس عملکردشان حجت نیست و اگر اجتهاد کرده اند، فقط برای خود و مقلّدان آنها معتبر است، نه برای دیگران.

دوم ـ دلیل عمل آنان بیان نشده است. بنابراین، نمی توان عملکردشان را با استصلاح توجیه کرد.

سوم ـ با کثرت و پراکندگی صحابه چگونه می توان اتفاق آنها را در این قضیه احراز کرد؟

چهارم ـ چون سیره، دلیل لُبّی است، پس باید به قدر متیقن که همان موارد خاص است، اکتفا کرد و نمی توان آن را به موارد دیگر سرایت داد.

پنجم ـ از سویی همان موارد ذکر شده در نمونه های عملکرد اصحاب را گاهی بر استحسان، گاهی بر قیاس و گاهی بر مصالح مرسله حمل می کنند. بنابراین، نمی توان به سیره صحابه و فقها در این گونه موارد استناد کرد.

### هشت ـ اختلال و فساد در فقه اسلامی

معتبر دانستن مصالح مرسله سبب ایجاد اختلال و فساد در فقه اسلامی می شود؛ زیرا به فقها این امکان را می دهد که بنا به تشخیص خود از

مصلحت، احکامی را به عنوان حکم اللّه معرفی کنند. همین مسئله سبب می شود نظریه های فقهی با یکدیگر اختلاف بسیار پیدا کنند و این امر به اختلال در فقه خواهد انجامید؛ زیرا هیچ یک از فقیهان نمی توانند برای اثبات صحت رأی خود، به منبعی اصیل و مطمئن استناد جویند.

### نه _ خالی نماندن وقایع از احکام

برخلاف نظر موافقان که معتقدند بی اعتباری مصالح مرسله سبب می شود رویدادهای تازه از حکم خالی بمانند، مخالفان می گویند در مواردی که نص شرعی درباره آن وارد نشده، با تمسّک به ادلّه شرعیه از قبیل اصل برائت و... حکم وقایع را بدون نیاز به مصالح مرسله می توان یافت. باید دانست که شارع مقدس، اصول و قواعد کلی را ارائه داده و فروع آن را به عهده بندگان خود گذارده است. بنابراین، با به دست آوردن و استنباط فروع از این اصول و قواعد کلی که کار مجتهدان است، می توان حکم هر واقعه جدید را به دست آورد، بدون اینکه نیازی به مصالح مرسله باشد.

## ۶ . مصالح مرسله و فقه امامیه

در مباحث پیشین به این نتیجه رسیدیم که بیشتر علمای اهل سنت، مصالح مرسله را معتبر می دانند و به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی از آن استفاده می کنند.

باید گفت سبب رجوع فقه اهل سنت به استحسان، استصلاح و قیاس، جدایی آنان از چشمه زلال ائمه اطهار علیهم السلام است. آنان احادیث و سنت را در پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منحصر و محدود کرده اند. بنابراین، چاره ای ندارند جز آنکه در مواردی که از کتاب و سنت نبوی و اجماع حکمی بیان نشده است،

به استصلاح و مانند آن روی آورند. این در حالی است که فقهای امامیه با دسترسی به اقیانوس ژرف احادیث و روایت های معصومین علیهم السلام ، هرگز به چنین مشکلی دچار نمی شوند. آنان با بهره گیری از عمومات و اصول کلی آیه ها و روایت ها، احکام مسائل جدید را بیان می کنند. منابع احکام شرعی در فقه امامیه، کتاب، سنت، اجماع و عقل است و مصالح مرسله در این میان جایی ندارد.

میرزای قمی، اصولی برجسته شیعی، در نقد مصالح مرسله می نویسد: «اگر مصالح مرسله به طور قطع به عقل برگردد، به آن عمل می شود و اگر چنین نباشد، حجت نیست.»(۱) در اینجا نیز آنچه منبع حکم شرعی قرار می گیرد، قطع و یقین است که حجیت ذاتی دارد، نه اینکه مصالح مرسله نقشی در استنباط حکم داشته باشد. بنابراین، وی می افزاید: «مصالح مرسله معتبر نیست؛ زیرا دلیلی بر حجیت آن نیست».(۲)

به نظر اصولیین شیعه،(۳) اگر مصالح مرسله بخواهند حجیّت داشته باشند، باید این سه حالت وجود داشته باشد: باید به باب ظواهر ـ مثل قیاس اولویت و یا منصوص العله ـ برگردند. باید از ملازمات قطعی عقلی باشند؛ یعنی هرگاه عقل به وجود مصلحتی، یقین و قطع پیدا کند و این قطع با هیچ یک از ادلّه شرعی مخالفتی نداشته باشد، بر اساس ملازمه بیان حکم



---

۱- ۱. قوانین الاصول، ج ۲، ص ۹۲.

۲- ۲. همان، ص ۹۳.

۳- ۳. محمد ابراهیم جنّاتی، مصالح مرسله، کیهان اندیشه، شماره ۳۱ مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صص ۶۱ و ۶۲ ؛ قوانین الاصول، ج ۲، صص ۹۲ و ۹۳؛ اصول فقه، شیخ محمدرضا مظفر، ج ۲، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

شرع و حکم عقـل، می تـوان به وجود یـک حکم شـرعی پی برد. یـا اینکه مصالـح مرسـله را به دلیـل سنّت برگردانیم، به این صورت که آن را به معنای تشـخیص مصداق های احکام شـرعی بدانیم. اگر به هیچ کدام از این ها برنگردد، ارزشـی نخواهند داشت، بلکه وارد عمومات نهی از پیروی از ظن می گردند و همین مقدار که در حجیت این مصالح شک داشته باشیم در قطع به نداشـتن حجیت آن کفـایت می کنـد؛ زیرا حجیت به قطع و علم، پایـدار است و شـک و تردیـد در حجیت، دلیلی کـافی در حجیت نداشتن آن به شمار می رود.

آیت الله حکیم در کتاب اصول العامه للفقه المقارن، تقسیم بندی زیبایی از مصالح مرسله و حجیت آن نزد فقهای شیعه دارد. ایشان معتقد است:

اگر مراد از ارسال در مصالـح مرسـله، داخل بودن آن در نصوص و قواعـد عامه باشـد (نه اینکه به هیـچ اصل و نصوص متکی نباشـد) هم چنان که طوفی و دوالیبی بر این معتقدنـد، هنگامی این مصـلحت، حجت خواهد بود که به سـنت برگردد. بنابراین، نمی توان مصالح مرسله را دلیلی مستقل در برابر کتاب و سنت قرار داد (بلکه چنانکه در بالا بیان کردیم، از باب سنت، حجت است)، ولی اگر مراد از ارسال، تکیه نکردن بر هیچ نص و قواعد شـرعی باشد، تنها عقل می تواند آن را درک کند. پس اگر این ادراک عقـل، کامـل و بـا تـوجه به همه متعلقـات آن باشـد، این ادراک عقـل، حجت است؛ زیرا این ادراک، قطع است و حجیت قطع، ذاتی آن است و این سـبب نمی شود مصالح مرسـله را دلیلی مستقل در برابر عقل بدانیم، بلکه این قطع عقل است که حجت به شمار می رود. ولی اگر ادراک عقل از مصلحت،

ادراک کاملی نباشد(۱) و احتمال حضور مزاحم برای آن وجود دارد، به گونه ای که از جعل حکم بر اساس مصلحت جلوگیری کند یا احتمال بدهد که این مصلحت بعضی از شرایط جعل حکم را ندارد، حجیت این نوع مصالح مرسله محتاج دلیل است که نزد ما ادله ای که حجیت آن را ثابت کند، وجود ندارد؛ زیرا ادراک ناقص عقل از مصلحت، حجیت ذاتی ندارد. افزون بر آن همین که در حجیت این مصالح شک کنیم، برای حجیت نداشتن آن کافی است؛ زیرا حجیت متقوم و وابسته به علم است. بنابراین، روشن شد که شیعه مصالح مرسله را نمی پذیرد مگر آنکه آن هم از روی جزم و یقین به عقل برنگردد و غیر آن حجت نیست.(۲)

در ادامه این بحث به برخی دیگر از تفاوت های دیدگاه فقه امامیه با فقه اهل سنت در مورد مصالح مرسله می پردازیم:

۱. یکی از شرایط استفاده و استناد به مصالح مرسله نزد اهل سنت، زمانی است که قیاس ممکن نباشد، در حالی که علمای شیعه هیچ اعتباری برای قیاس درنظر نمی گیرند.

۲. بیشتر علمای اهل سنت همه انواع مصالح از ضروریات، تحسینات و حاجیان را مشمول حکم استصلاح می دانند، در حالی که فقه شیعه مصلحت ضروری را آن هم در شرایط ویژه ای، سبب جعل حکم شرعی می داند.

ص:۴۰

---

۱- ۱. در مورد این تعریف ها از ارسال، در فصل تعریف مصالح مرسله بحث شده است.

۲- ۲. اصول العامه، صص ۴۰۲ _ ۴۰۵ با تلخیص و تصرف.

۳. قلمرو مصالح مرسله نزد متقدمان اهل سنت، همه احکام سه گانه کلی اولی، ثانوی و حکومتی است، ولی نزد شیعه، تشخیص مصلحتی که می تواند منبع حکم باشد، تنها در حوزه حکم حکومتی است.

۴. در فقه اهل سنت هرآنچه عقل ادراک می کند ــ چه گمانی باشد و چه یقینی ــ می تواند منبعی برای استنباط احکام شرعی باشد، در حالی که بیشتر علمای شیعه ــ مگر اخباری ها ــ بر این باورند که مدرکات عقلی قطعی، یکی از منابع اجتهاد و استنباط است، نه مدرکات غیر قطعی و استحسان و قیاس و مصالح مرسله جزو مدرکات عقلی غیر قطعی هستند.

۵. فقهای اهل سنت، حکمی را که بر اساس مصالح مرسله صادر می کنند، حکم اولی و همیشگی می دانند، ولی در فقه شیعه، حکم بر اساس مصلحت، حکمی غیردایمی است.

۶ . یکی از شرایط مصالح مرسله نزد اهل سنت آن است که نصی شرعی در مورد آن نداشته باشیم، در حالی که مورد مصلحت در فقه امامیه زمانی معتبر است که نص شرعی وجود دارد، ولی در تزاحم میان مصلحت اهم و مهمّ یا مصلحت نظام و اسلام و احکام شرعی، ولی فقیه و حاکم، مصلحت اهم و مصلحت نظام را برمی گزیند.

### نتیجه

اگر بخواهیم به طور کلی درباره مصالح مرسله و نقش آن در فقه امامیه بحث کنیم باید چند نکته مهم را در نظر داشته باشیم:

نکته اول: هم چنان که در بخش تعریف های مصالح مرسله آمده است، دانشمندان اهل سنت دو تعریف از آن بیان کرده اند که بنا به هر تعریفی، موضع و دیدگاه فقه امامیه در برابر آن فرق می کند. اگر تعریف افرادی مانند

ابن برهان در نظر گرفته شود که معتقد بود مصلحت مرسله آن چیزی است که به هیچ اصل کلی یا جزئی مستند نیست، در این صورت، مخالفت فقهای امامیه با مصالح مرسله و اشکال های وارده، موجّه جلوه می کند. ولی اگر به تعریف علمای بزرگ آنها به ویژه متأخرین هم چون شاطبی دقت شود؛ آنها بر این باورند که ارسال و اطلاق این مصالح به سبب آن است که دلیل خاص شرعی درباره آن نداریم، ولی به طور کلی در شمار اصول کلی اسلام قرار می گیرند.

در این صورت، وضعیت دگرگون می شود؛ چون در این باره هیچ اختلافی میان مذاهب وجود ندارد، بلکه همگی معتقدند مصالحی که موافق و هماهنگ با اصول کلی اسلام هستند، معتبر و در غیر این صورت، نامعتبرند.

نکته دوم: اگر این اشکال مطرح شود که عمل به مصلحت، عمل به ظن است و از آن نهی شده، در پاسخ باید گفت عمل به ظن وقتی نادرست است که دلیل ویژه ای بر جواز عمل آن نداشته باشیم، ولی عمل به مصلحت از ظنونی است که سیره مستمر میان مسلمانان و حتی عقلای عالم بر اعتبار آن گواهی می دهند. بنابراین، ظن در اینجا از عموم نهی از عمل به ظن خارج است.

نکته سوم: برخی از بزرگان اهل سنت هم می گویند: «مصلحت، پیروی از هوا و هوس و رسیدن به اغراض شخصی نیست، بلکه محافظت بر مقصود شرع است».(۱)



---

۱- ۱. محمد سلام مدکور، منابع الاجتهاد فی الاسلام، کویت، جامعه الکویت، ۱۹۷۳ م، چ اول، ص ۲۸۱.

گفته شده است اهل سنت، مصالح مرسله را جزو ادله شرعی و در کنار قرآن و سنت قرار می دهند، در صورتی که برخی از آنان می گویند: «اصطلاح تشریع در کلمات ایشان به معنای حقیقی آن که مخصوص خداوند است، نیست، بلکه به معنای مجازی است.»(۱) اندیشمندان معاصر اهل سنت نیز بر این باورند. «حنفیان و شافعیان، استصلاح را به منزله دلیل مستقل نمی پذیرند... این ادعا که مصلحت مرسله یکی از ادلّه است، مترادف با گفتن این سخن است که نصوص قرآن و سنت ناقص است».(۲)

نکته چهارم: اینکه گفته شد اگر مصلحت مرسله به سنت یا عقل یا باب ظواهر برگردد تا در فقه امامیه حجت باشد، به این معنا است که ادلّه فقهای اهل سنت برای اثبات حجیت آن کافی نیست.(۳)

با توجه به نکته های بیان شده، معلوم می شود اگر مصالح مرسله به سنت، عقل یا باب ظواهر برگردد، اعتبار دارند. بنابراین، هم چنان که برخی از فقها معتقدند «نزاع شیعه و سنی در مسئله مصالح مرسله یک نزاع لفظی بوده است و منشأ این نزاع بر اساس آن بوده که دقت کافی در کلمه ارسال به عمل نیامده و اصحاب (فقهای امامیه) خیال می کردند، مقصود اهل سنت از مصالح مرسله، مصالحی هستند که مندرج تحت هیچ گونه دلیل خاصی یا عامی قرار نگرفته باشد و فکر می کردند که عمل به مصالح مرسله عمل به



---

۱- ۱. محمد جواد ارسطا، تشخیص مصلحت نظام، تهران، کانون اندیشه جوان، بهار ۱۳۸۱، چ اول، ص ۱۱۰.

۲- ۲. آزادی بیان در اسلام، ص ۱۴۵.

۳- ۳. همان.

ظن است... و امّا با دقت در کلمات برادران اهل سنت معلوم می گردد که مراد از ارسال، عدم وجود نص خاص در یکایک موضوع ها است».(۱)

البته باید حق داد که برخی از سخنان علمای اهل سنت مثل تعریف ابن برهان، افراطی گری افرادی مثل طوفی، ارجاع ندادن مصالح مرسله به دلیل سنت یا عقل، مستقل دانستن آن از سوی فقهای عامه و مستند ساختن بسیاری از فتاوای بی دلیل به مصالح مرسله، از عوامل مؤثر در باطل دانستن مصالح مزبور از سوی برخی از فقهای شیعه بوده است.(۲)



---

۱- ۱. محمدحسن مرعشی، مصلحت و پایه های فقهی آن، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال دوم،ش ۶ ، زمستان ۷۱، صص ۳۶ و ۳۷.

۲- ۲. تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۲۰.

## فصل سوم: مصلحت از دیدگاه امامیه

### ۱. پیشینه بحث

در این بحث می خواهیم بدانیم مصلحت اندیشی چه مقدار بر حکم تکلیفی مکلّفین ــ در ابعاد رفتار فردی و اجتماعی ــ مؤثر بوده است و البته پیداست که این مصلحت اندیشی به معنای مصالح مرسله نیست.

ظاهراً نخستین فقیه شیعه که بحث مصلحت را در قالب مسائل فقهی بنیان گذاری کرد، شیخ مفید (م ۱۴۱۳ ه . ق) در کتاب المقنعه است. علت این امر نیز وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی زمان شیخ مفید بود؛ زیرا حکومت وقت ــ آل بویه ــ که شیخ مفید با آن ارتباط داشت، با موضوع هایی هم چون مالیات، جزیه و... روبه رو بود. بنابراین، آنان در تصمیم های خود مصلحت را در نظر می گرفتند.(۱)

شیخ مفید در مسائلی هم چون زمین های مفتوحه عنوه، وقف و احتکار، حدود و... به این مسئله اشاره کرده است. مثلاً درباره حدّ زانی می نویسد:

«اگر زنا کننده بعد از آنکه شهود، شهادت دادند، توبه کند، امام می تواند او را عفو کند یا حد را بر او اجرا کند بر حسب مصلحتی که در این امر و برای اهل اسلام می بینند».(۲) یا در مورد وقف می نگارد: «هرگاه مسلمانی،



---

۱- ۱. سیدعلی حسینی، «سیر تطور مصلحت در فقه شیعه»، فصلنامه طلوع، سال اول، ش اول، بهار ۱۳۸۱، صص ۸۸ و ۸۹ .

۲- ۲. شیخ مفید، المقنعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰، ص ۷۷۷.

چیزی را بر مصلحتی وقف کند، ولی آن مصلحت از بین برود، آن چیز در راه خیر وقف می شود».(۱)

شیخ طوسی نیز در بحث های گوناگونی مانند: قصاص، وقف، اجاره و... ، از مصلحت و مصلحت اندیشی سخن به میان آورده و بر این باور است که مصلحت باید در چارچوب احکام شرعی باشد و مسئله اهم و مهم مراعات شود. از منظر شیخ طوسی، حفظ اصل اسلام، مهم ترین مصلحتی است که بر همه مصالح دیگر باید مقدّم گردد.(۲)

در این میان، علامه حلّی (م ۷۲۶ ه . ق) توانست مصلحت را به مصداق های جدید دیگری تعمیم دهد و دیدگاه شیخ را نقد و اصلاح کند، ولی «از قلمرو و روش شیخ و نظریه او چندان فاصله نگرفت».(۳)

در نهایت، نخستین فقیهی که با بی مستقل را به مصلحت اختصاص داد و مصحلت و انواع آن را تبیین کرد، شهید اول (م ۷۸۶ ه . ق) است که در القواعد و الفواید، قاعده ۶۴ را به مصلحت اختصاص داد و تصریح کرد که «الشرع معلّل بالمصالح».(۴) فقهای بعدی نیز هرکدام در باب های گوناگون فقه از مصلحت نام برده و برخی احکام را منوط به وجود مصلحتی کرده اند که در بخش های بعدی نمونه هایی از آن بیان می شود.



---

۱- ۱. علی اصغر مروارید، سلسله ینابیع الفقهیه، بیروت، الدار الاسلامیه، مؤسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ ه . ق، چ اول، ج ۱۲، ص ۵۱.

۲- ۲. سیر تطور مصلحت در فقه شیعه، ص ۹۶.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. شهید اول، القواعد و الفواید، قم، مکتبه المفید، ۱۳۹۹ ه . ق، ج ۱، ص ۲۱۸.

### ۲. مصلحت در قرآن، سنت و فقه

#### اشاره

پیش از بیان مواردی از قرآن، روایت ها و احکام فقهی که علمای شیعه با توجه به عنصر مصلحت به آنها پرداخته اند، یادآوری چند نکته ضروری است:

نکته اول: به طور کلی همه مذاهب اسلامی معتقدند که احکام صادره از سوی شارع، بر اساس مصالح و مفاسد است(۱) و روایت های بسیاری رسیده است که در آن معصومین علیهم السلام اوامر و نواهی الهی را دائرمدار مصالح و مفاسد معرفی کرده اند.

نکته سوم: تفاوت میان دیدگاه اهل سنت و امامیه در این زمینه، در آن است که اهل سنت معتقد است با استقرای احکام شرعی به این نتیجه رسیده اند که این احکام برای مصالح بندگان وضع شده است،(۲) ولی شیعه با تکیه بر ادلّه نقلی و عقلی به این نتیجه رسیده اند.

نکته دوم: مشهور علما معتقد که احکام تابع مصالح و مفاسد در متعلقشان هستند؛ یعنی با قطع نظر از تعلق حکم، اشیا و افعال، به خودی خود، مصالح و مفاسد ذاتی یا عرضی دارند و این امر سبب جعل حکم مناسب شده و احکام پنج گانه تکلیفی و وضعی در این جهت شکل می گیرد.(۳)



---

۱- ۱. حسین صابری، عقل و استنباط فقهی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۱، چ اول، ص ۱۹۶.

۲- ۲. الموافقات، ج دوم، ص ۶ .

۳- ۳. نک: محمد صادق شریعتی، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، چ اول، صص ۳۳ _ ۳۷.

حال با توجه به موارد بیان شده، به دیدگاه شیعه درباره عنصر مصلحت با استفاده از قرآن مجید، سنت معصومین و فقه می پردازیم:

### الف) مصلحت در قرآن از منظر امامیه

برای بحث درباره عنصر مصلحت در آیه های قرآن مجید، باید به دو نکته توجه داشت:

یک _ همان گونه که در مباحث گذشته گفته شد، احکام شریعت به منظور تأمین مصالح و رفع مفاسد دنیا و آخرت وضع شده اند و آیه هایی از قرآن مجید بر این حقیقت اشاره دارند. برای نمونه، در آیه قصاص (بقره ۱۷۹)(۱) خداوند تشریع قصاص را سبب حفظ و حمایت از حیات انسانی معرفی می کند، یا تغییر قبله که با نزول آیه ۱۴۴ سوره بقره(۲) روی داد و مصالح فراوانی برای مسلمانان داشته است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

حکمی نیست مگر آنکه بر حسب مصالح و کمال فردی و نوعی آنان، برای هدایت مردم می باشد... با داشتن قبله واحد، مردم در عین اختلاف زمانی و مکانی بر نقطه واحدی جمع می شوند و این موجب وحدت فکری و ارتباط و التیام قلوب آنان می گردد... خداوند بهترین وحدت را به عبادت مسلمانان



---

۱ - ۱. «وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاةٌ یا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» یعنی: «ای صاحبان خرد، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست؛ شاید که تقوا پیشه کنید».

۲ - ۲. «قَدْ نَری تَقلبَ وجهَک فی السماءِ فلنولینک قبلةً ترضها فَوِّلّ وجهک شَطْرَ المسجد الحرام» یعنی: «ما توجه تو را بر آسمان به انتظار وحی و تغییر قبله بنگریم و البته روی تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی بگردانیم پس روی به طرف مسجدالحرام کن».

عطا کرد و به این وسیله (تغییر قبله)، وحدت دینی آنها را حفظ نمود.(۱)

دو _ نکته بعدی آن است که علاوه بر مطلب بالا (وضع احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد)، آیاتی در قرآن کریم موجود است که نشان می دهد برخی مصالح به زمان،مکان یا شرایط معینی اختصاص دارند و امکان دارد با تغییر این متغیّرات، آن مصالح موقتی هم از میان برود و جای خود را به مصالح دیگر بدهد.

یکی از آیه هایی که در این باره وجود دارد، آیه نسخ (۱۰۶ سوره بقره) است. خداوند در این آیه می فرماید: «ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها؛ هر آیه ای را که نسخ کنیم یا آن را به دست فراموشی بسپاریم، بهتر از آن یا مانند آن را می آوریم.

«بر اساس این آیه، از سویی خداوند، عالم به همه مصالح و مفاسد است و از سوی دیگر، در هر زمان و مکانی، احکام و قوانین متناسب با سعادت بشری را می داند. بنابراین، وقتی آیه ای یا حکمی، نسخ(۲) شده باشد، درمی یابیم که مصلحت این حکم در آیه، از ابتدا موقت و مقطعی بوده و حکم و آیه جدید بر اساس مصالح جدید صادر می شود. به تعبیر دیگر، نسخ احکام بر اساس مصلحتی است که در نزول تدریجی احکام نهفته است... و به معنای سر آمدن مصلحت موقت آن به شمار می رود».(۳)



---

۱- ۱. تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۳۸. با اندکی تلخیص و تصرف

۲- ۲. نسخ: برداشته شدن حکمی از احکام ثابت دینی در اثر سپری شدن وقت و مدت آن حکم.

۳- ۳. سیف الله صرامی، جایگاه قرآن در استنباط احکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸، چ اول، ص ۲۵۷.

از مثال های نسخ در قرآن مجید می توان به آیه ۲۴۰ سوره بقره اشاره کرد که بر اساس آن، عده وفات برای زن یک سال مشخص شده، ولی بر اساس آیه ۲۳۴ بقره، این مدت ۴ ماه و ده روز اعلام گردید.(۱)

بنابراین، می بینیم که با تغییر مصالح موقت و مقطعی، احکامی نیز که بر اساس این نوع مصالح جعل شده بود، از بین می رفت و احکام جدیدی با توجه به مصالح جدید وضع می گردید. چنانکه گفتیم، نسخ نشانه نقص در علم خداوند نیست، بلکه این امر را باید لازمه تکامل و پیشرفت دانست.

به بیانی زیباتر، «نسخ پیاپی در یک شریعت نوبنیاد همانند طبیب است که با شرایط و احوال مریض دگرگون می شود. نسخه دیروز در جای خود مفید و نسخه امروز نیز در جای خود مفید است...».(۲)

**ب) مصلحت در احادیث و سیره معصومین علیهم السلام**

**یک _ روایت ها**

در بخش روایت ها به چند روایت از ائمه که به نقش مصلحت پرداخته اند، بسنده  می کنیم.(۳) امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

فالوالی لابدّ ان یکون سبباً لنظام الامه و عزّا لدینهم و حافظاً لمصالحهم؛ حاکم باید سبب نظام امت و عزّت دینی و حافظ مصالحشان باشد.(۴)

در این حدیث، امام وظیفه حاکم را رعایت مصالح مردم معرفی می کند.



---

۱- ۱. نک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ ۳، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۳۰۳ _ ۳۰۵.

۲- ۲. محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰، چ دوم، ص ۲۵۰.

۳- ۳. بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۷۲ _ ۷۴.

۴- ۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «لولا ان اشقّ علی امتی لأمرتهم بالسواک؛ اگر برای امتم مشقت و سختی نداشت، مسواک را برای آنها واجب می کردم.» در واقع، ایشان با در نظر گرفتن مصلحت امت، مسواک زدن را بر آنان تحمیل نکرد.

امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در میان اهل سنّت نماز بخوانید و به عیادت بیماران آنها بروید و در تشییع جنازه آنها شرکت کنید... قسم به خدا، خداوند با چیزی بهتر از خباء عبادت نمی شود». راوی می پرسد: خباء چیست؟ امام می فرماید: تقیه: ازاین روایت چنین برمی آید که حکمت مدارا با اهل سنت در نماز و غیر آن به ملاحظه مصلحت نوعیه و اتحاد کلمه مسلمانان بوده است، نه اینکه ترک آن سبب ضرر می شود.

## دو _ سیره معصومین علیهم السلام

### اشاره

در سیره و رفتار عملی معصومین نیز توجه به عنصر مصلحت و مقتضیات زمان و مکان دیده می شود که فهرست وار به آنها اشاره می کنیم.(1)

### اول _ سیره نبوی

پیامبر در موارد گوناگونی بر اساس مصالح، تصمیم هایی را می گرفتند. مثلاً در جنگی دستور می دادند درختان منطقه را قطع کنند و در جای دیگر برخلاف آن حکم می کردند که به برخی موارد آن اشاره می کنیم:

۱. حکم به قطع نکردن درختان وجّ طائف و منع صید در آن منطقه.

۲. حکم به قطع کردن درختان نخل اطراف قلعه یهودیان بنی نظیر.



---

۱- ۱. سیدعباس صالحی، مکتب و مصلحت، مجله حوزه، سال هفتم، ش ۴، مهر و آبان ۱۳۶۹، صص ۹۴ _ ۱۱۲، همان، سال پنجم، ش ۲۸ (مهر و آبان ۱۳۶۷) صص ۱۵۵ _ ۱۵۸؛ بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۷۴ _ ۸۳.

۳. حکم به تخریب مسجد ضرار.

۴. پذیرش محافظان شخصی در جنگ تبوک.

۵. عقوبت نکردن منافقانی که پس از جنگ تبوک، قصد ترور پیامبر را داشتند.

۶ . نهی از خوردن گوشت حیوانات اهلی پس از فتح خیبر.

۷. منع از شبیه ساختن خود به یهودیان.

۸ . اعمال شیوه های گوناگون در گرفتن جزیه. مثلاً برای اهل یمن برای هر فرد در سال یک دینار معین فرمود و از مردم عمان و بحرین ۲۰۱ از موجودی نقدی آن ها را می خواست.

۹. تفاوت در کیفیت تقسیم زمین های فتح شده. مثلاً پس از جنگ خیبر، زمین ها را به ۳۶ سهم تقسیم کرد: ۱۸ سهم را به عنوان منبع درآمد جامعه اسلامی قرار داد و ۱۸ سهم دیگر را میان مسلمانان تقسیم کرد، ولی پس از جنگ با بنی نظیر، همه زمین ها را میان مهاجرین و انصار تقسیم کرد.

۱۰. گاهی می فرمود برای جنگ، از مشرکان کمک نمی گیریم، ولی در جنگ هوازن، از صفوان بنی امیه که مشرک بود، سلاح به عاریه گرفت.

### دوم _ سیره علوی

#### ۱. سیره علوی پیش از خلافت:

امام علی علیه السلام پیش از خلافت خویش، رفتاری انجام دادند که دقیقاً مشخص است مصلحت حفظ جامعه اسلامی را بر هر چیزی حتی بر حق مسلّم خویش در خلافت و حکومت مقدّم می دانست. برخی از این رفتارها عبارتند از:

الف) کنار آمدن با خلفا.

ب) حضور در جنگ با مرتدان (مانعین زکات).

ج) ارشاد و راهنمایی خلفا در جنگ با ایران.

د) ارشاد و راهنمایی خلفا درباره تصمیم گیری اراضی مفتوحه.

ه ) حضور یاران امام در مناصب حکومتی.

### ۲. سیره علوی پس از خلافت:

امام در دوران کوتاه خلافت خویش با استفاده از شرایط و دگرگونی ها و نیازهای زمانی و مکانی و مصالح اجتماعی، اقداماتی انجام داد که در هر یک از آن کردارها، مصلحت هایی نهفته بود:

الف) تعیین مالیات بر اسب ها.

ب) قرار دادن حقوق دو هزار درهمی برای قاریان قرآن.

ج) مصادره اموال کارگزاران عثمان.

د) اجبار به دادن زکات.

ه ) ایجاد زندان هایی به نام های نافع و مخیلس.

و) مصادره اموال طلحه پس از جنگ جمل.

ز) وادار کردن زنان فاسد به ازدواج.

ح) قراردادن ضمان برای صنعتگران و پزشکان و دام پزشکان و رنگرزان.

ط) وادار کردن مردم رقّه به ساختن پل برای حرکت سپاه به شام.

ی) تفاوت قرار دادن زکات بر اسب های نجیب.

ک) ایجاد سازمان شرطه و شهربانی.

ل) تفاوتِ قایل شدن در گرفتن خراج.

م) نگرفتن اموالی که حق آن حضرت بود (به سبب برخی مصلحت ها).

### سوم ــ سیره دیگر امامان

باید گفت امامان دیگر هم در راستای رعایت مصالح کلی اسلام و مسلمانان و حفظ دین نبوی گام برمی داشتند. برای نمونه:

۱. امام حسن علیه السلام به سبب مصالحی با معاویه صلح کرد و فرمود: «مرا سرزنش نکنید؛ زیرا در این صلح، مصلحتی وجود دارد».

۲. حرکت امام حسین علیه السلام نیز ناشی از مصلحت حفظ شریعت نبوی و جلوگیری از انحراف کامل اسلام بود.

۳. ائمه علیهم السلام به راویانی مانند زراره و محمد بن مسلم سفارش می کردند به سبب مصالحی از جمله حفظ جان، احکامی مطابق با احکام اهل سنت بیان کنند.

ازاین روایت ها و سیره عملی معصومین علیهم السلام می توان نتیجه گرفت که باید بر اساس مصالح عالی اسلام و مسلمانان، امور جامعه را اداره کرد.

### ج) فروع فقهی

یک _ مصلحت در فقه شیعه

چنانچه گفته شد، بسیاری از فقهای گران قدر شیعه، عنوانی مستقل برای مصلحت در نظر گرفته اند، ولی این به آن معنا نیست که مصلحت در فقه امامیه نقشی نداشته باشد، بلکه در لا به لای کتاب های فقهی می توانیم توجه به عنصر مصلحت را بیابیم. البته احتمال دارد اختصاص نیافتن عنوان مستقل به مصلحت در فقه شیعه به این سبب باشد که فقهای شیعه معمولاً از واژه مصلحت، مصالح مرسله را استنباط می کردند که اهل سنت آن را حجّت می دانستند و فقهای امامیه مردود می شمردند.

بنابراین، این ادعا(۱) که امام خمینی (ره) اولین فقیه شیعی است که از مصلحت بحث کرده و اینکه توجه به عنصر مصلحت باعث عرفی شدن



---

۱- ۱. جهانگیر صالح پور، «فرآیند عرفی شدن فقه شیعی»، مجله کیان، سال پنجم، ش ۲۴ فروردین و اردیبهشت ۷۴، ص ۲۱. این نویسنده ادعا کرده است که: «پذیرش معنای مصلحت به عنوان مهم ترین ابزاری که می تواند دستگاه فقه قدسی را به سرعت عرفی کند عنصر مهم دیگری است که به ابتکار حضرت امام وارد اندیشه شیعه شد».

فقه شیعی می شود، نادرست است؛(۱) زیرا پیش از ایشان، فقهای شیعه در لابه لای فروع فقهی خود، مسئله مصلحت را طرح کرده اند و حتی شهید اول در القواعد و الفواید، عنوان مستقلی را به مصلحت اختصاص داده است. افزون بر آن، مصلحت، عنصری وارد شده از بیرون حوزه دینی نیست، بلکه چنانکه در بخش های پیشین بیان کردیم، مصلحت، عنصری دینی است که در قرآن و روایت ها و سیره عملی معصومین به آن توجه شده است. بنابراین، در صورتی که شرایط و ضوابط آن رعایت شده و تشخیص مصلحت از سوی فقیهان و کارشناسان دینی باشد، سبب عرفی شدن فقه شیعی نمی شود.

برای نمونه به چند فرع فقهی که فقهای بزرگوار در آنها به عنصر مصلحت توجه کرده اند، اشاره می کنیم:

اول _ شیخ مفید می نویسد:

حاکم می تواند محتکر را به بیرون آوردن غله مجبور کند و آن را در بازار مسلمانان بفروشد و نیز حاکم می تواند غلات را بر اساس آنچه مصلحت می بیند قیمت گذاری کند.(۲)

دوم _ علامه حلی در مورد حکم جهاد می نویسد:



---

۱- ۱. نک: حسن رحیم پور ازغدی، عرف و مصلحت در ترازوی حکومت اسلامی، کتاب نقد، ش اول، چ اول، ۱۳۷۵، صص ۸۵ _ ۱۶۶.

۲- ۲. نک: حسن رحیم پور ازغدی، عرف و مصلحت در ترازوی حکومت اسلامی، کتاب نقد، چ اول، ۱۳۷۵، صص ۱۶۶ _ ۱۸۵.

جهاد واجب نیست، مگر آنکه امام به اقتضای مصلحت، آن را بر فردی معیّن واجب کند.(۱)

سوم ـ صاحب جواهر می نگارد:

شکی نیست که بر امام مستحب است که تقسیم کننده ای نصب کند؛ زیرا نصب تقسیم کننده از جمله مصالح عام است.(۲)

چهارم ـ شیخ طوسی می نویسد:

اگر کسی چیزی را در راه نیکی وقف کند، ولی به طور دقیق، طریقه مصرف را مشخص نکند، آن چیز برای فقرا و مساکین و در راه مصالح مسلمانان است.(۳)

پنجم ـ شیخ انصاری نیز درباره مستثنیات از حرمت غیبت می نویسد:

هرگاه مصلحتی در غیبت کردن وجود داشته باشد که به غیبت کننده یا غیبت شنونده یا فرد دیگری برگردد، عقل یا شرع دلالت می کند بر آنکه این غیبت مهم تر از مصلحت احترام مؤمن است.(۴)

ششم ـ امام خمینی درباره فروش سلاح به دشمنان اسلام می فرمایند:

فروش سلاح به دشمنان اسلام از شئون حکومت است و امر شخصی نیست، بلکه تابع مصلحت روز و مقتضیات زمان است.(۵)

از مفاهیمی که با مصلحت رابطه بسیار نزدیکی دارد، ولایت است؛ به گونه ای که در باب های گوناگون فقهی هرگاه بحث ولایت و قیمومیت به



---

۱- ۱. سلسله ینابیع الفقیه، ج ۹، ص ۲۰۱.

۲- ۲. جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۳۲۶.

۳- ۳. سلسله ینابیع الفقیه، ج ۱۲، ص ۶۲ .

۴- ۴. مکاسب، ج ۱، ص ۱۲۹.

۵- ۵. سید روح الله موسوی خمینی، المکاسب المحرمه، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۸ ق، ج ۱، ص ۱۵۲.

میان می آید، بحث مصلحت هم پیش می آید. این دو مفهوم، آن قدر باهم ارتباط دارند که فقها شرط صحت تصرفات ولی (چه ولی صغیر و مجنون و چه ولی فقیه) را منوط به وجود مصلحت می دانند و صاحب جواهر، ولایت فقیه را ولایت بر مصالح می داند.(۱)

محقق کرکی در جامع المقاصد معتقد است ولیّ تنها با رعایت مصلحت مولی علیه (صغیر و مجنون) می تواند اقدام به فروش مال او کند و اگر مصلحت را رعایت نکند، آن بیع فضولی می شود.(۲)

در مبانی منهاج الصالحین می خوانیم که رهن اموال مولی علیه، به وسیله ولی با وجود مصلحت صحیح است.(۳) امام خمینی (ره) نیز تصرفات قیّم و ولی را وقتی صحیح می داند که منوط به وجود مصلحت باشد.(۴) همچنین وظیفه حاکم و والی را عمل بر اساس مصالح می داند و می نویسد: «والی باید در موضوعات بر طبق مصلحت مسلمانان یا اهل حوزه و منطقه خویش عمل کند».(۵)

با توجه به این مطالب می توان نتیجه گرفت که چه در ولایت بر افرادی هم چون کودکان و دیوانگان و چه در ولایت بر جامعه اسلامی، اعمال ولایت، محدود به مصلحت است. هم چنان که در بحث حکم حکومتی هم



---

۱- ۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۶۲.
۲- ۲. محقق کرکی، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ ه . ق، چ ۲، ج ۴، ص ۸۷ .
۳- ۳. سیدتقی طباطبایی قمی، مبانی منهاج الصالحین، بیروت، دار السرور، ۱۴۱۸ ه . ق، چ اول، ص ۲۱۰.
۴- ۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۱۴.
۵- ۵. البیع، ج ۲، ص ۴۶۱.

می بینیم ملاک و ضابطه این نوع از حکم، وجود مصلحت مسلمانان و حکومت اسلامی است و این دیدگاه می تواند ما را در فهم احکام حکومتی یاری کند.

### ۳. مصلحت و احکام حکومتی

#### اشاره

احکام را به دلایلی به دسته های گوناگون تقسیم می کنند: مانند تقسیم احکام به تکلیفی و وضعی، امضایی و تأسیسی، مولوی و ارشادی، الزامی و ترخیصی. از جمله این تقسیم بندی ها که در فهم بحث مصلحت و نقش آن در حکومت اسلامی و هم چنین در مباحث مجمع تشخیص مصلحت نظام و شبهه های وارد بر آن مؤثر است، تقسیم احکام به احکام اولیه و ثانویه و حکومتی است.

#### الف) احکام اولیه

هر واقعه و فعلی از افعال متکلفین حکمی دارد و این حکم تابع مصالح و مفاسد واقعی است و بدون در نظر گرفتن شرایط و حالت های مکلّف بار می شود. به عبارت دیگر، ذات شی ء بدون هیچ عارضه ای بر آن، لحاظ و حکم مناسب با آن تعیین می شود. مثلاً ـ خوردن مردار بر حسب ذات خود و بدون توجه به شرایط مکلف، حرام است و این حکمی اولی است. وجوب نماز، روزه، زکات و خمس و حرمت شرب خمر، سرقت و زنا از نمونه های احکام اولی به شمار می رود.

#### ب) احکام ثانویه

این نوع از احکام با توجه به شرایط برای مکلف معیّن می شود؛ یعنی این حکم مخصوص موقعیت ها و شرایطی است که مکلف نمی تواند حکم اولی را انجام دهد. در این حال حکم ثانوی جانشین حکم اولی می شود. در

همان مثال پیشین، حکم اولی برای مکلف، حرام بودن خوردن گوشت مردار است، ولی گاهی شرایطی ایجاد می شود که اگر مکلف آن مردار را نخورد، از گرسنگی می میرد؛ در این صورت حکم اولی (حرمت) جای خود را به حکم ثانوی (جواز) می دهد و مکلف می تواند مردار را بخورد تا زنده بماند. حکم ثانوی در عرض حکم اولی نیست، بلکه در طول آن است؛ یعنی هرگاه مکلف به علت وجود عنوان هایی هم چون اضطرار، اکراه و ضرر و... نتواند به حکم اولی عمل کند، حکم ثانوی را انجام می دهد.

مهم ترین عنوان های ثانویه چنین است: عسر و حرج، ضرر، اکراه و اضطرار. بنابراین، بحث درباره این گونه احکام از آنجا مهم است که باید مشخص شود حکم حکومتی از احکام ثانویه است (به خاطر وجود عنوان مصلحت نظام) یا از احکام اولیه.

بر مبنای اول، مصلحتی که مبنای صدور حکم حکومتی است، باید به گونه ای باشد که رعایت نکردن آن، سبب اختلال در نظام و پدید آمدن مشکلاتی شود، ولی بر مبنای دوم، مطلق مصلحت هرچند به حدّ ضرورت نرسد، مجوّز برای صدور حکم حکومتی است.

بنابراین، تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که هر دو حکم اولی و ثانوی، از احکام شرعی واقعی هستند، با این تفاوت که احکام ثانوی در طول احکام اولی قرار می گیرد و برخلاف حکم اولی که همیشگی است، زمانی فعلیت دارد که آن عنوان ثانوی هم باشد و با رفتن آن عنوان، حکم ثانوی هم می رود.

### ج) احکام حکومتی

#### اشاره

گفته شد که احکام اولی و ثانوی هر دو از ناحیه شارع و از احکام شرعی واقعی است. حکم دیگری هم به نام احکام حکومتی وجود دارد، با این تفاوت که این حکم از سوی حاکم جامعه اسلامی _ اعم از معصوم و غیرمعصوم _ صادر می شود. به عبارت دیگر، احکام حکومتی، «فرمان ها، قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی است که از سوی رهبری مشروع جامعه اسلامی در حوزه مسایل اجتماعی با توجه به حق رهبری مصلحت جامعه صادر می گردد.»(۱) علامه طباطبایی نیز حکم حکومتی را این گونه تعریف کرده است:

تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها به حسب مصلحت زمان اتخاذ می کند و طبق آنها مقرراتی را وضع نموده و به اجرا در می آورد.(۲)

در این قسمت، برای اینکه جایگاه احکام حکومتی، مبنای صدور و اهمیت آن بهتر بررسی شود، به چند نکته اشاره می شود:

#### یک _ ماهیت احکام حکومتی

در این که احکام حکومتی چه ماهیتی دارند و از چه نوع احکامی هستند، چند نظر مطرح است:



---

۱- ۱. احکام حکومتی و مصلحت، ص ۶۵ .

۲- ۲. حکومت و مصلحت، ص ۵۱.

اول _ احکام حکومتی، احکام اولیّه هستند. برخی مانند امام خمینی (ره) معتقدند که «ولایت فقیه و حکم حکومتی، از احکام اولیه است»(۱) و «احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد».(۲)

دوم _ احکام حکومتی، احکام ثانویه هستند. آیت الله صدر می گوید:

به موجب نص قرآن کریم، حدود قلمرو آزادی (منطقه الفراغ) که اختیارات دولت را مشخص می کند، هر عمل تشریعی است که بالطبیعه مباح باشد؛ یعنی ولی امر اجازه دارد هر فعالیت و اقدامی را که حرمت یا وجوبش صریحاً اعلام نشده _ به عنوان دستور ثانویه _ ممنوع و یا واجب الاجرا اعلام کند.(۳)

سوم _ نسبت میان احکام ثانوی و احکام حکومتی، عموم و خصوص من وجه هست. آیت الله عمید زنجانی می گویند که مواردی هست که هم مصداق احکام حکومتی و هم مصداق احکام ثانویه است و مواردی هم هست که احکام ثانویه جدا می شود و اصلاً مصلحت در آن نیست، بلکه به خاطر حرج، ضرر، نظم و نظایر آن است. مواردی هم هست که صرفاً مصلحت است.(۴)

چهارم _ احکام حکومتی نه از احکام ثانویه است و نه از احکام اولیه. این گروه معتقدند که گرچه اصل ولایت فقیه و حق حاکمیت اسلامی از



---

۱- ۱. سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ص ۱۷۰.
۲- ۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۲.
۳- ۳. حکم ثانوی در تشریع اسلامی، ص ۱۲۰ به نقل از اقتصاد، ج ۲، ص ۳۲۲.
۴- ۴. حکومت و مصلحت، ص ۵۰.

احکام اولی است، ولی احکام حکومتی از سنخ هیچ کدام از احکام اولی و ثانوی نیستند.(۱)

## دو _ مبنای صدور احکام حکومتی

یکی از مباحث مهم در مسئله احکام حکومتی، مبنای صدور این احکام است. چنان که گفتیم، مصلحت مسلمانان و نظام اسلامی مبنای صدور این نوع از احکام است و احتمالاً اولین فقیهی که این ضابطه را بیان کرده، شیخ مفید است.(۲)

در اینکه این مصلحت باید به چه کیفیتی باشد و آیا حاکم اسلامی می تواند بر اساس مطلق مصلحت، هر چند به حد ضرورت نرسد، حکم حکومتی صادر کند یا خیر، اختلافی است که با مراجعه به مباحث گذشته و درک اینکه حکومت اسلامی چه جایگاهی و اهمیتی در اسلام دارد، قابل حل است. به طور خلاصه، حفظ دین اسلام به واسطه حکومت، فدا شدن جان اولیای الهی در راه حفظ و بقای نظام مسلمانان و وابسته بودن اجرای بخش مهمی از احکام اسلامی (از قبیل، حدود، تعزیرات، قصاص و...) به وجود حکومت و حاکم اسلامی از جمله ادله ای است که می تواند نشان آن باشد که حکومت اسلامی دارای جایگاه والایی است و حفظ نظام و منابع و مصالح اسلام و مسلمانان اهمیت ویژه ای دارد. امام خمینی (ره) می فرماید:

حکومت به معنای ولایت مطلقه ای است که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله



---

۱- ۱. حکم ثانوی در تشریع اسلامی، ص ۱۲۴؛ حکومت و مصلحت، ص ۵۷.

۲- ۲. سیدعلی حسینی، ضابطه اصلی احکام حکومتی، فصل نامه طلوع، سال اول، ش ۳ و ۴ زمستان و پاییز ۸۱، ص ۲۹.

واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهی تقدم دارد.(۱)

با توجه به این اهمیت ویژه برای حکومت و نظام اسلامی، می توان گفت احکام حکومتی که حاکم اسلامی و ولی فقیه صادر می کند، محدود به چهارچوب احکام فرعیه نخواهد بود و لازم نیست مصلحت به گونه ای باشد که اگر به آن توجه نشود، هرج و مرج و مشکلاتی برای نظام به وجود آید، بلکه وجود مطلق مصلحت برای مسلمانان و حکومت اسلامی می تواند مبنای صدور حکم حکومتی شود، هم چنان که در مصادیقی که از این احکام صادر می شود، این گونه است. البته همان گونه که در بحث مجمع تشخیص مصلحت بیان شد، ولی فقیه می تواند تشخیص این مصالح را به جمعی هم چون مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کند.

البته برخی از محققان معاصر معتقدند که عدالت، مهم ترین ضابطه صدور حکم حکومتی است و به آیه هایی هم چون «إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ اْلإِحْسانِ» (حدید: ۲۵) و روایت هایی که نشان دهنده وجوب رعایت عدالت بر حاکمان اسلامی است، اشاره کرده اند.(۲) در جمع میان این دو نظریه می توان گفت که میان مصلحت اندیشی در حکومت اسلامی که یکی از ضوابط آن، عمومی بودن و شخصی نبودن مصلحت است، با عدالت، سازگاری وجود دارد؛ زیرا وقتی حاکم اسلامی مصلحتی را در نظر می گیرد و بر اساس آن حکم حکومتی صادر می کند، چون این مصلحت اندیشی،



---

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۲- ۲. ضابطه اصلی احکام حکومتی، صص ۴۰ و ۴۱.

شخصی و برای سود شخصی نیست، عین عدالت است. احادیثی مانند: «الرعیه لا یصلحها الا العدل»(۱) می تواند مؤید این وجه جمع باشد.

## سه _ مصداق های حکم حکومتی

(۲)

اول _ انعقاد پیمان نامه صلح حدیبیه.

دوم _ حکم پیامبر به کشتن گروهی از یهود بنی قریظه که پیمان شکنی کردند و افرادی مانند عبدالله بن سعد بن ابی سرح، حویرث بن نفیل، ابن حطل و مقبس بن صبابه هنگام فتح مکه.

چهارم _ حکم پیامبر به مهدورالدم بودن فردی از قبیله هذیل که به پیامبر دشنام داد.

پنجم _ نهی از خوردن گوشت الاغ در جنگ خیبر.

ششم _ امر کردن علی علیه السلام به مالک اشتر برای جلوگیری از احتکار و مجازات محتکران.

هفتم _ گرفتن دو خمس به جای یک خمس از شیعیان به وسیله امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ ه . ق.

هشتم _ حکم میرزای بزرگ شیرازی (ره) در قضیه تحریم تنباکو.

نهم _ جلوگیری امام خمینی از حج به مدت ۳ سال پس از کشتار حجاج ایرانی به وسیله حکومت آل سعود.

از مجموع مطالب بیان شده درباره احکام حکومتی نتیجه می گیریم:



---

۱ - ۱. «رعیت مردم را اصلاح نمی کند مگر عدل». عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشاراتدفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه . ش، ص ۳۳۹.

۲- ۲. نک: حکم ثانوی در تشریع اسلامی، صص ۱۰۹ _ ۱۱۱؛ تشخیص مصلحت نظام، صص ۶۴ و ۶۵ .

۱. مبنای صدور احکام حکومتی، وجود مطلق مصلحت است، نه مصلحت ملزمه.

۲. حکم حکومتی نوعی انشای حکم شرعی است، برخلاف فتوا که اعلان است.

۳. دایره حکم حکومتی محدود به رؤیت هلال و اقامه حدود نیست، بلکه این محدوده، مطلق است.

۴. حکم حکومتی صادر شده از سوی ولی فقیه را هم مقلدانش و هم دیگران حتی مجتهدان دیگر باید پیروی کنند.

۵. حکم حکومتی از احکام اولی اسلام است و نه از احکام ثانوی؛ زیرا حکومت بر همه احکام فرعی اسلامی مقدّم است.

۶ . احکام حکومتی چون بر مبنای مصالح اجتماعی تنظیم شده است، هم عدالت را تأمین می کند و هم در تزاحم با احکام فردی مقدّم می شود.

۷. حکم حکومتی برای حیثیت حقوقی ولی فقیه است، نه حیثیت حقیقی او؛ یعنی ولی فقیه از آن جهت که ولایت و شأنیت دارد، حکم حکومتی صادر می کند.

ص:۶۵

## فصل چهارم: مصلحت در غرب

### ۱. تعریف و مفهوم مصلحت

مهم ترین معادل کلمه مصلحت در زبان انگلیسی، کلمه Utility به معنای سود و بهره است. باید گفت مقصود آن، سود و بهره مادی و دنیوی است، چنان که جان لاک در این باره می نویسد:

من مصلحت متعارف انسان را در زندگی کردن و برخورداری از آزادی و بهداشت و فراغت و نیز امکانات ظاهری هم چون پول، ملک، خانه و اسباب و اثاثیه و نظایر آن می دانم.(۱)

برخی با ترجمه مصلحت به Utility ، مخالف و آن را نه ترجمه ای واقعی، بلکه ترجمه ای ایدئولوژیک و از سوی جریان های سکولار دانسته اند.(۲) به هر حال، مصلحت در غرب، عملاً ارزش اخلاقی و انسانی خود را از دست داده و «شرافت های انسانی و روحی تحت این عنوان که دوران و مفهوم عیسوی اخلاق گذشته و حال باید اخلاق و دین و ارزش ها را عقلایی کرد، به سردخانه تاریخ تحویل می شود».(۳)

### ۲. مکتب ها

#### اشاره

مفهوم مصلحت، در مکتب های مهمی به عنصر اصلی و اساسی تبدیل شده است که به دو مکتب مهم، اشاره می کنیم:

#### الف) مکتب پراگماتیسم (PRAGMATISME)

ص:۶۶

---

۱- ۱. محمد ناصر تقوی، حکومت و مصلحت، تهران، امیر کبیر، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷.

۲- ۲. حسن رحیم پور ازغدی، «عرف و مصلحت در ترازوی حکومت اسلامی» فصل نامه کتاب نقد، شماره ۱، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.

۳- ۳. همان، ص ۱۰۹.

پراگماتیسم به مصلحت گرایی، مصلحت اندیشی و عمل گرایی ترجمه شده و از مشهورترین مکتب های تفکر غربی و البته با محوریّت مصلحت است که در قرن ۱۹ میلادی شکل گرفت. سپس به سرعت از حوزه فلسفی و معرفت شناختی خارج و به زمینه هایی مانند سیاست وارد شد.(۱)

به عقیده طرفداران این مکتب و طراح اصلی آن؛ یعنی ویلیام جیمز سود و آثار عملی آن مهم است و باید «به جای گفت و گو درباره آرمان ها و تصورها، به نتایج و ثمره های نهایی کردارها توجه شود و معیار ارزش ها قرار گیرد».(۲)

### ب) مکتب یوتیلیتی (Utility)

مکتب یوتیلیتی یا مکتب اصالت سود، به وسیله جرمی بنتام و جان استوارت میل، پایه گذاری شده است که سودگرایی و سودمحوری را به عنوان یکی از مهم ترین مفاهیم اساسی در مطالعه نهادهای اجتماعی ــ حتی دین ــ مطرح ساختند. به نظر بنتام، حتی میزان خیر و شر، منفعت و مصلحت است. آنان معتقد بودند که تکلیف هر انسانی نیز در آن است که سود خود را بجوید.(۳)

## ۳. نقش مصلحت در عملکرد کنونی غرب

می دانیم که غرب، قانون و قانون گرایی را از اصول مسلّم مردم سالاری معرفی کرده است و تفکیک قوا و مداخله نکردن قوای سه گانه (قوه مقننه،



---

۱- ۱. عبدالرسول بیات و دیگران، فرهنگ واژه ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، کتاب های جیبی، چ دوم، ص ۵۶۷.
۲- ۲. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، تهران، سهامی انتشار، چ دوم، ۱۳۸۰، ج اول، ص ۱۵۷.
۳- ۳. حکومت و مصلحت، ص ۲۳۱.

قوه مجریه و قوه قضاییه) در امور یکدیگر را از لوازم دموکراسی به شمار می آورد، ولی با این حال، در مواردی می بینیم که بنا به مصلحت گاهی این اصول رعایت نمی شود. برای نمونه، هرگاه در فرانسه و ایالات متحده امریکا، مصالح و منافع ملی ایجاب کند، حالت های ویژه ای ایجاد می شود که در پی آن، اصل مهم تفکیک قوا به کنار می رود و رئیس جمهور حق انحلال پارلمان را دارد یا به جای قوای دیگر کارهایی انجام می دهد یا از اجرای قوانینی جلوگیری می کند.(۱)

در حال حاضر، به ویژه در ایالات متحده امریکا، مکتب پراگماتیسم، جای گزین مکتب اصالت منفعت (Utilitarianism) شده است. موضع گیری های سیاستمداران امریکا می تواند نمونه برجسته ای از ورود مکتب پراگماتیسم در حوزه های عملی سیاست باشد که در آن، به جای توجه به ارزش ها و آرمان های سیاسی ـ اخلاقی، مصلحت و منفعت، عنصر اساسی در رفتار سیاسی به شمار می آید. از همین جاست که کشورهای قدرتمند و استعماری هرگونه اقدام نظامی، کودتا و ترور را به عنوان عاملی برای حفظ منافع و مصالح کشور خود توجیه می کنند.

حکومت در غرب به جای آنکه مصالح عمومی را در نظر بگیرد، مصالح حکومت و حزب حاکم را مقدّم می دارد. جالب تر آنکه انتخابات به اصطلاح آزادانه آنها، به نوعی، نمایش انتخاباتی است؛ زیرا آن کسی می تواند رقیب خود را کنار بزند که تبلیغات بیشتری برای او شده است. این تبلیغات کلان



---

۱- ۱. نک: بحث مجمع تشخیص مصلحت در حقوق تطبیقی.

هم برای کسانی است که حامیانی ثروتمند و قدرتمند داشته باشد. بنابراین، منتخبان، انتخاب شدگان ثروتمندان و قدرتمندان و در نتیجه، فرمانبران آنها هستند، نه منتخبان مردم. این وضعیت به گونه ای است که برخی اندیشمندان غربی مانند گاستون بوتول، یکی از مهم ترین انتقادها بر دموکراسی را توجه نکردن بودن دموکراسی به مصالح و منافع عمومی می داند.(۱)

برای تشخیص مصلحت در غرب هیچ ضابطه ای وجود ندارد، مگر سود مادی و دنیوی و این مصالح را نیز با عقل های ناقص بشری می سنجند. بنابراین، هر گونه تجاوز، کودتا و تروری را با مصلحت، توجیه و آن را با منافع و مصالح ملی مرتبط می سازند و حتی کشتن کودکان و زنان بی گناه هم جزئی از طرح های مصلحت دار آنان است. به راستی، در حمله کشوری از آن سوی جهان، به کشوری در این سوی کره خاکی و در کشتار مردم مظلوم و بی دفاع عراق و افغانستان چه مصلحتی وجود دارد؟! چه مصلحت راستینی در دخالت امریکا در ایران، پاناما و نیکاراگوئه و ونزوئلا موجود است؟! تنها چیزی که می توان گفت آن است که کشورهای استعماری مانند امریکا این کارها را تنها برای به دست آوردن سود سرشار و مسلط شدن بر منابع غنی کشورهای ضعیف و به سلطه کشاندن مردمان آنجا انجام می دهند.(۲)



---

۱- ۱. حکومت و مصلحت، ص ۲۳۶.

۲- ۲. همان، ص ۲۳۷.

### ۴. نقد مصلحت در غرب از دیدگاه معارف اسلامی

مصلحت در غرب ویژگی هایی دارد. به عنوان نمونه، آن ها مصلحت را ماهیتی دنیوی و مادی و مترادف با منفعت و سود (آن هم دنیوی) دانسته و مصالح و منافع معنوی و اخروی را به کلی از حوزه های گوناگون از جمله سیاست کنار گذارده اند. برای همین، این مصالح با تغییر مقتضیات زمانی و مکانی دنیوی دگرگون می شوند و حتی دیدیم که برخی مانند جیمز، معیار در خوب و شر بودن دین را داشتن سود معرفی کرده اند.

این دیدگاه غرب را از چند منظر می توان بررسی کرد:

الف) محل بروز مصالح و مفاسد، تنها در این سرای نیست، بلکه عالم آخرت در این میان نقش اساسی زیادی دارد و به تعبیر دیگر، «مصلحت در جامعه اسلامی، مصلحتی است که هم مربوط به دنیای مردم باشد و هم مربوط به آخرتشان... بنابراین، چیزی مصلحت واقعی است که هم به سود دنیا و هم به نفع آخرت باشد»،(۱) هم چنان که در آیه هایی به این نکته اشاره شده است، مانند آیه ۷۷ سوره قصص: «وَ ابْتَغِ فیما آتاکَ اللّهُ الدّارَ الْآخِرَةَ وَ لا تَنْسَ نَصیبَکَ مِنَ الدُّنْیا؛ و هر چیزی که خدا از مال تو به تو عطا کرده، بکوش تا ثواب و سعادت دار آخرت را تحصیل کنی و بهره ات را هم از دنیا فراموش مکن».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانی زیبا می فرماید: «تعجب می کنم از کسی که دنیا را آباد می کند، ولی آخرت را ترک کرده است».(۲)



---

۱- ۱. عبداللّه جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۴۶۶.

۲- ۲. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، قم، دار الهجره، خطبه ۱۲۶، ص ۴۹۱.

ب) نکته مهم دیگر آن است که بر خلاف نظر افرادی مانند جیمز و بنتام، دین فرع بر مصلحت نیست، بلکه مصالح انسانی باید در خدمت دین باشد و این دین و معارف دینی است که میزان، حدود و معیار را برای مصالح مشخص می کند. بنابراین، دین و شریعت، اساس و پایه مصلحت هاست و حتی همه مصالح معتبر و مقاصد شرعی، ابزاری هستند برای معرفت و شناخت و عبادت خداوند یگانه هم چنان که در قرآن می خوانیم: «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را خلق نکردم مگر برای آن که مرا عبادت کنند». (ذاریات: ۵۶)

ج) نکته دیگر آن است که اسلام برخلاف مکتب پراگماتیسم که حقیقت را امری متغیر و پیرو سود می داند، حقیقت را امری ثابت و استوار می شمارد. در مفاهیم اسلامی، حقیقت، امری نیست که با شرایط زمانی و مکانی همراه شود و تغییر یابد، بلکه میزان خیر و شر در حد و مرز حقیقت آشکار شده است و این جامعه و مردم هستند که باید خود را به آن حقیقت و خیر نزدیک سازند و خود را با آن مطابقت دهند. به همین سبب، خداوند در قرآن مجید، مردم را به سوی حیات طیبه و کلمه اللّه دعوت می کند، مانند آیه ۲۴ سوره انفال: «اسْتَجِيبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْيِيكُمْ؛ دعوت خداوند و رسول را اجابت کنید، که شما را به چیزی که سبب حیات شماست، می خواند».

د) نظریه مکتب اصالت فایده می خواهد مبنای شخصی فرد در محاسبه لذت ها را مبنای اخلاق و مصلحت عمومی قرار دهد، در حالی که کسی که هدف از زندگی خود را تنها به دست آوردن سود و لذت بداند، به راحتی

می تواند اخلاق عمومی را درهم بشکند و از مرزهای اخلاقی عمومی بگذرد.

ه) این مکتب های غربی می خواهند اثبات کنند که اگر کسی در پی سود شخصی خود باشد، سود دسته جمعی و عمومی نیز خود به خود به دست می آید، در حالی که معمولاً ـ منافع مادی و فردی شخص با منافع عمومی جامعه مغایرت دارد. برخی اندیشمندان غربی مانند ادگار بودنهایمر این مطلب را یادآوری کرده اند. او در مقاله درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی می نویسد:

این دیدگاه را که مدعی بود مصلحت عمومی را می توان به سادگی با کنار هم نهادن خواسته های شخصی تعیین کرد، قبلًا رد کردیم؛ زیرا می دانیم که برخی اوقات، مردم برداشتی کوتاه بینانه از منافع خود دارند و می توانند مرتکب اعمالی گردند که به رفاه عمومی ضربه می زند.(۱)

و) نکته آخر آنکه نظریه های افرادی مانند ویلیام جیمز، با انتقاد سخت اندیشمندانی مانند برتراند راسل روبه رو شده است. به عقیده راسل،(۲) ابتدا باید بدانیم که چه چیز خوب است و چه چیز بد و آثار فلان نظریه چیست. سپس باید دانست بی علاقگی به مسائل و امور دینی و اعتقاد به پیروی از این امور، درست نیست. افزون بر آن، مبانی این نظریه از نظر اخلاقی و عملی، گمراه کننده است؛ چون شناخت مصلحت های هر اعتقاد، کار ساده ای نیست. بنابراین، می بینیم که این مکتب ها حتی در خود غرب نیز با اشکال و انتقاد روبه رو شده اند.



---

۱- ۱. ادگاربودنهایمر، «مقاله درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی» از کتاب حق و مصلحت، ترجمه:دکتر محمد رافع، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱، چ اول، ص ۱۱۶.

۲- ۲. تاریخ فلسفه غرب، ج سوم، صص ۵۶۹ _ ۵۷۱؛ فلسفه حقوق، ج اول، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

## بخش دوم: مجمع تشخیص مصلحت نظام

### فصل اول: سیر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

#### الف) زمینه های شکل گیری مجمع

##### اشاره

نگاهی به زمینه ها و بسترهای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، ما را در شناسایی جنبه های گوناگون این نهاد حکومتی یاری خواهد کرد. بنابراین، باید بررسی کنیم که این نهاد برای رسیدن به چه اهدافی ایجاد شد.

بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوای مقننه (مجلس شورای اسلامی)، مجریه (هیئت دولت) و قضاییه مستقل از یکدیگر هستند (اصل ۵۷)(۱) و هر کدام وظیفه ای دارند که لازم است از تداخل میان این سه قوه جلوگیری شود. اصل ۷۱ قانون اساسی،(۲) حق وضع قوانین را در تمام مسائل به مجلس شورای اسلامی داده است، با این محدودیت که مجلس نباید قوانین و مقرراتی برخلاف اصول و موازین

ص:۷۴

---

۱- ۱. اصل ۵۷ قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امّت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

۲- ۲. اصل ۷۱ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند».

اسلامی (فقه امامیه) یا اصول قانون وضع کند (اصل ۷۲).(۱) برای تشخیص مغایرت و هم خوانی یا ناهماهنگی مصوبه های مجلس با احکام اسلامی و قانون اساسی نیز شورای نگهبان ایجاد گردیده است (اصل ۹۱)(۲). بنابراین، در صورت تشخیص مغایرت مصوبه های مجلس با احکام اسلامی و اصول قانون اساسی، آن مصوبه به مجلس باز می گشت و مجلس هم چاره ای جز پیروی از نظریه های فقها و حقوق دان شورای نگهبان نداشت. پیش از تشکیل مجمع، مجلس گاهی مصوبه اش را پس از اصلاح به شورای نگهبان می فرستاد و گاهی نیز با پافشاری بر نظر خویش، هیچ اصلاحی را نمی پذیرفت و بن بستی در تصمیم گیری و وضع قوانین ایجاد می شد که عبور از آن مشکل بود. مجلس مدعی بود که مصوبه هایش بر اساس مصالح و منافع ملی و با توجه به نیازهای کشور وضع شده و شورای نگهبان نیز وظیفه خود را پاسداری از احکام اسلامی و قانون اساسی اعلام می کرد. این اختلاف در دو مصوبه مجلس نمود بیشتری پیدا کرد و این دو نهاد را در مقابل هم قرار داد و سبب شد اصطلاح ضرورت و مصلحت در سیستم



---

۱- ۱. اصل ۷۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهبی رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده بر عهده شورای نگهبان است».

۲- ۲. اصل ۹۱ قانون اساسی: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبه ها مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود: ۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است ۲. شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی از میان حقوق دان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند.

قانون گـذاری ایران وارد شود که پی آمـد مفهوم دوم، تشـکیل مجمع تشـخیص مصـلحت نظام بود. این دو مصوبه عبارتند از: قانون اراضی شهری مصوب مرداد ۱۳۶۰) و لایحه قانون کار که به طور کوتاه درباره هر یک سخن می گوییم.(۱)

### ۱. قانون اراضی شهری و عامل ضرورت

مجلس در تاریخ ۲۹/۵/۱۳۶۰ قانونی وضع کرد که بر اساس آن، صاحبان اراضی بایر حداکثر می توانند ۱۰۰۰ متر از آن زمین را در اختیار داشته باشند و آن را آباد کنند. هم چنین حق فروش آن را ندارند مگر به دولت و با قیمتی که دولت مشخص می کنـد. از سـوی دیگر، مالکـان زمین هـای بـایر و دایر شـهری، موظـف هسـتند زمین هـای مورد نیـاز دولت را بـا توجه به قیمت گذاری دولت به دولت بفروشند.

طرفداران این قانون، ضـرورت توجه به بخش مسـکن و حل این معضل را مبنای تصویب آن می دانسـتند، ولی شورای نگهبان در نظریه خود اعلام کرد که: قسـمت هـایی از ماده ۷، ۸ و تبصـره هـای آنها و ماده ۱۰ که بـا اراضـی بایر و دایر ارتباط دارد، مغایر با آیه «لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلاّ أَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ»



---

۱- ۱. حسین مهرپور، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، چ اول، صص ۴۵ _ ۸۰.

و حدیث شریف معروف «لایحل مال امرءٍ مسلم الا عن طیب نفسه» و قاعده مسلّمه «الناس مسلطون علی اموالهم» است. در نتیجه با اکثریت آرای فقها رد شد.(۱)

مجلس که با این نظر شورای نگهبان موافق نبود و ضرورت را در تصویب این قانون می دید، برای حل مشکل، به وسیله رئیس وقت مجلس، نامه ای به حضرت امام (ره) (تاریخ ۵/۷/۶۰) نوشت که:

قسمتی از قوانین که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می رسد به لحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت حفظ مصالح یا رفع مفاسدی که بر حسب احکام ثانویه به طور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری که طبق قانون اساسی همه قوای سه گانه را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می شود، علی هذا تقاضا دارد مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت و ارشاد فرمایید.(۲)

امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۶۰ پاسخی داد که با آن، مجلس می توانست با عنوان ضرورت، قوانینی وضع کند. امام (ره) نوشتند:

آن چه در حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران دخالت دارد که فعل یا ترک فعل آن موجب اخلال نظام می شود و آن چه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آن چه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو شود، در تصویب و اجرای آن مجازند.(۳)

ص:۷۷

---

۱- ۱. حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، کیهان، ۱۳۷۱ ه . ش، چ اول، ج اول، صص ۶۸ و ۶۹ .

۲- ۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

۳- ۳. همان.

این نـامه امـام می توانست مجوزی برای مجلس باشـد که مقرراتی را به عنوان ضـرورت به تصویب برساننـد و در این صورت، شورای نگهبـان بایـد بـا توجه به ضـرورت حفظ نظام، این مصوبه ها را تأییـد می کرد. البته امام برای رعایت احتیاط در تاریخ ۴/۱۱/۶۱ ، فرمود: «مجلس لااقل دو ثلث اش رأی بدهـد به این که این امر ضـروری است.»(۱) ایشان رأی ۳۲ نمایندگان را در تشخیص موضوع لازم دانست، ولی شورای نگهبان به دلایلی این مصوبه را مغایر شرع دانست و ابراز داشت:

با توجه به این که ضـرورت مسـکن در همه شـهرها و بخش ها در حدّی که مجوّز رفع ید از احکام اولیه باشد، علی السواء (به طور مسـاوی) نیست و... در تحدیـد اعمال مالکیت و رفع یـد از احکام اولیه، تعیین ضوابط یکسان و متحـد الشـکل، منطقی و شرعی به نظر نمی رسد... مفهوم این عدم تأیید... کافی نبودن تشـخیص و اعم بودن احکامی که در مصوبه بر ضرورت مترتّب شده از موضوع است... .(۲)

بـا این همه، مجلس این قـانون را در ۲۷/۱۲/۱۳۶۰ بـا عنوان ضـرورت تصویب کرد و شورای نگهبـان هم با توجه به تشـخیص مصـلحت از ناحیه مجلس آن را تأئید کرد،(۳) ولی دبیر شورای نگهبـان در نامه ای به حضـرت امام از اینکه «مجلس در زمانی بتواند مثل دوره گذشته قوانین خلاف شرع

ص:۷۸

---

۱- ۱. همان، ج ۱۷، ص ۱۶۵.

۲- ۲. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۱، ص ۷۹.

۳- ۳. همان، ص ۸۰ .

تصویب نماید و با عنوان ضرورت، هر حلالی، حرام و هر حرامی، حلال و قانونی اعلام شود»(۱) احساس خطر و نگرانی خود را ابراز کرد.

### ۲. قانون کار و عامل مصلحت

بر اساس احکام اولی اسلام، نمی توان بدون رضایت فرد در حقوق و اموال او تصرف یا مالکیت و اختیارات او را محدود کرد، ولی بسیاری از اعمال دولت سبب این محدودیت و تصرف می گردید. بنابراین، دولت برای مشروع ساختن این الزامات، آنها را در برابر خدمات دولتی (مثل برق، آب، تلفن و راه) قرار داد. چنانچه در قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که بیشتر از ۵ نفر کارگر دارند، آمده است:

از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلّیه کارگاه های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب، تلفن و راه) استفاده می نمایند، تا میزان پنج نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از پنج نفر به بالا نسبت به مازاد پنج نفر حق بیمه را خواهند پرداخت.

تبصره ۱: در صورتی که کارگاهی از خدمات دولتی استفاده نکند، اجباری به بیمه کردن کارگزاران خود نخواهد داشت.(۲)

شورای نگهبان در ۱۱/۱۱/۱۳۶۱ اعلام کرد که این طرح را تأیید نکرده است.(۳) در تنظیم ماده ۱ لایحه قانون کار نیز دولت می خواست از این راه حل استفاده کند. بنابراین، تصویب شد که:

کلیه کارفرمایان، کارگران، کارگاه ها، مؤسسه های تولیدی، صنعتی،



---

۱- ۱. همان، ص ۳۰۴.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. همان.

خدماتی، کشاورزی که به هر شکل از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مواد اولیه و اعتبارهای بانکی استفاده می کنند، مکلف به پیروی از این قانون هستند.(۱)

وزیر وقت کار چون احتمال می داد شورای نگهبان این راه حل را مغایر با موازین اسلامی اعلام کند، پیش از اعلام نظر شورای نگهبان، در نامه ای به حضرت امام (ره)نوشت:

آیا می توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی عمومی مانند آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه، بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحا استفاده می نمایند، اعم از این که این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد یا به تازگی به عمل آید، در ازای این استفاده، شروط الزامی را مقرر نمود؟(۲)

حضرت امام در تاریخ ۱۶/۹/۱۳۶۶ پاسخ داد: در هر دو صورت، چه گذشته و چه حال، دولت می تواند شروط الزامی را مقرر نماید.(۳)

با این وجود، شورای نگهبان، هفتاد اشکال بر لایحه کار گرفت و در آغاز اعلام نظر خود نوشت:

ایراداتی که از لحاظ موازین شرعی بر این قانون وارد شده است بر اساس استظهار از ماده آن است که به عنوان الزام قانونی، اشخاص مذکور را مکلف به تبعیت از این قانون نموده است. لذا بررسی و اظهار نظر در سایر مواد به طور مستقیم و بدون ارتباط با ماده مذکور انجام شده.(۴)



---

۱- ۱. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۵۵.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

۴- ۴. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۵۶.

پس از آن، دبیر شورای نگهبان در تاریخ ۲۶/۹/۱۳۶۶ نامه ای به امام خمینی (ره) نوشت و از این که با استفاده از این راه حل (مقرر کردن شروط الزامی از سوی دولت به ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی)، نظامهای اصیلی هم چون: مزارعه، اجاره، تجارت و... در خطر می افتد و خدمات دولتی وسیله ای برای اعمال سیاست های عام و کلی از طرف دولت می شود، ابراز نگرانی کرد. امام خمینی (ره) در پاسخ به این نامه نوشت:

دولت می تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنند، با شروط اسلامی و حتی بدون شروط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد. این جاری است در جمیع موارد که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه و زیر کار ذکر شده است، ندارد، بلکه در انفال که در زمان حکومت اسلامی، امرش با حکومت است، می تواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند.(۱)

این پاسخ باعث ایجاد فضای بحث و گفت وگو شد و برخی، از این سخن امام چنین استظهار کردند که منظور ایشان از اختیارهای حکومت اسلامی، اختیارهایی است که در چارچوب احکام اسلامی باشد، ولی امام در نامه ای تاریخی تأکید کرد که ولایت مطلقه و حکومت اسلامی محدود به چارچوب احکام فرعیه نیست، بلکه:

حکومت، به معنای ولایت مطلقه ای است که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله واگذار شده و اهمّ احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهیه تقدّم دارد ... . اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام صلی الله علیه و آله یک پدیده



---

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶۵.

بی معنی و محتوا باشد... حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول اللّه صلی الله علیه و آله است، یکی از احکام اوّلیه اسلام است و مقدّم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند.(۱)

این دید امام خمینی (ره) نسبت به حکومت را در بحث احکام حکومتی توضیح دادیم. پس ایشان حدود اختیارهای حکومت را منوط به ایجاد عنوان هایی هم چون ضرورت و اضطرار نمی دانست، بلکه معتقد بود هرگاه مصالح کشور و نظام و ملّت ایجاب کند حکومت می تواند به وضع قوانین و مقررات دست بزند. بنابراین، کافی بود که مجلس برای تصویب قانونی به مصلحت استناد کند و شورای نگهبان هم آن را می پذیرفت، ولی مشکل اصلی آن گاه ایجاد می شد که باید معلوم می شد در مقام اختلاف، نظر کدام یک از دو نهاد مجلس و شورای نگهبان در تشخیص مصلحت مقدّم است؟ این جا بود که باز همان مشکلات پیشین آغاز می شد. تا این که برخی از مسئولان نظام بر آن شدند تا امام با رهنمودهای ارزشمند خود این مشکل را حل کند.

ازاین رو رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور و حجت الاسلام سیداحمد خمینی، نامه ای به حضرت امام نوشتند و خواستند تا مرجعی برای این کار تعیین شود. قسمتی از نامه چنین است:

اطلاع یافته ایم که جناب عالی درصدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرعی یا قانون اساسی، با تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید. در



---

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

صورتی که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید، با توجه به این که هم اکنون موارد متعددی از مسائل مهم جامعه بلاتکلیف مانده، سرعت عمل، مطلوب است.(۱)

امام در پاسخی که در بردارنده فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، (۱۷/۱۱/۱۳۶۶) این گونه نوشت:

گرچه به نظر این جانب پس از طی مراحل، زیر نظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام: خامنه ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی ها و جناب آقای میر حسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد. در صورت لزوم از کارشناسان دیگر هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد... مصلحت نظام از امور مهمّه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد... امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می دانند.

مصلحت نظام از امور مهمّه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است که اسلام پا برهنگان را در زمان های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد...(۲)

ص:۸۳

---

۱- ۱. مجموعه قوانین و مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام، اداره کل قوانین و مقررات کشور، چ اول، ۱۳۶۲، ص ۳.

۲- ۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

### ب) مجمع پس از بازنگری قانون اساسی

#### اشاره

این نهاد در ابتدا با استفاده از پشتوانه ولایت فقیه و بدون ذکر در قانون اساسی ایجاد شد که وظیفه آن هم محدود به رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان بود. امام خمینی (ره) در تاریخ ۴/۲/۱۳۶۸ فرمانی مبنی بر بازنگری در قانون اساسی و تشکیل شورای آن را صادر کرد و از جمله مسائل مطرح در شورای بازنگری را «مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد»، اعلام فرمود. بدین ترتیب، یکی از مسائل مهم مطرح شده در شورای بازنگری به این مجمع اختصاص داده شد و پس از بحث ها و گفت وگوهای فراوان،(۱) اصل ۱۱۲ قانون اساسی جدید در مورد مجمع تصویب شد و بدین ترتیب، محدوده اختیارهای این مجمع افزایش یافت که بر اساس آن، «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضای ثابت و متغیّر این مجمع را مقام رهبری تعیین



---

۱- ۱. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، اداره کل امور فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، چ اول، ج ۲، صص ۸۳۴ _ ۸۵۴.

می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا، تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید».

## فصل دوم: ضرورت داشتن یا ضرورت نداشتن وجود مجمع

### اشاره

یکی از مباحث مهم که در شورای بازنگری قانون اساسی هم مطرح شد آن بود که اصلاً آیا وجود مجمع تشخیص مصلحت، ضرورتی دارد یا خیر؟ هر کدام از طرفداران و مخالفان، ادله ای برای نظر خود بیان کرده اند:

### ۱. ادله مخالفان

الف) برخی معتقدند با توجه به اصل ۹۱ قانون اساسی و اینکه فقهای شورای نگهبان، فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز هستند، دیگر احتیاجی به مجمع نیست؛ زیرا این فقها می توانند نظر شرعی خود را بر اساس مقتضیات و مصالح بیان کنند. اینان معتقدند: «در وصیت نامه امام هست که شورای نگهبان با توجه به ضرورت کشور در احکام ثانویه و احکام مربوط به ولایت فقیه نظر بدهد. بنابراین، این وظیفه ای که ما برای مجمع تشخیص مصلحت بیان کردیم... این وظیفه در وصیت نامه امام درست وظیفه شورای نگهبان است».(۱)

در تأیید همین نظریه، برخی از حقوق دان گفته اند: «اگر توجه کافی به دیدگاه امام از سوی فقهای شورای نگهبان شده بود و با آن دید (دید وسیع و فقه حکومتی) به قوانین می نگریستند و ارزیابی و بررسی می کردند، نیازی به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت پیدا نمی شد».(۲)



---

۱- ۱. همان، ج ۲، ص ۸۳۶.

۲- ۲. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۶۰.

ب) برخی از حقوق دان هم معتقدند، احتیاجی به این مجمع نیست؛ زیرا وجود قانون اساسی و دیگر قوانین عادی و قوای حاکم و مدیران وظیفه شناس، نظام را از این نهاد بی نیاز می سازد و حتی وجود این مجمع مخالف با نظام اسلامی است و باعث می شود نتوان اطمینانی به حفظ جان و مال و حیثیت مردم داشت؛ چون حکومت می تواند به بهانه هر مصلحتی، هر اقدامی کند.(۱)

### ۲. ادله موافقان

الف) هر چند تأمین کارکرد مجمع از طریق شورای نگهبان و این که فقهای این شورا می توانستند با دیدی وسیع تر و فراتر از ظواهر احکام اسلامی و با توجه به مصالح نظام دچار اختلاف با مجلس نشوند، در تصور، ممکن بود، ولی «دو مانع پیش آمد و به نظر رسید که این امر ممکن نیست: یک ـ برجسته ترین فقهای ما از نظر فکری (در شورای نگهبان) همین اندیشه ها (توجه به احکام اولی اسلام) را دارند. بنابراین، نتیجه مطلوب به دست نمی آمد. دو ـ اگر چنین اختیاری در تشخیص مصلحت به شورا داده می شد، شورای نگهبان، در مقابل مجلس قدرت بیشتری پیدا می کرد و تقریباً مجلس، یک مجلس مشورتی می شد».(۲)



---

۱- ۱. سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، همراه، ۱۳۷۰، چ اول، صص ۲۶۱ ـ ۲۶۵.

۲- ۲. مصاحبه علمی با آیت اللّه رفسنجانی، مجله راهبرد، ش ۲۶ زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۴.

به عبارت دیگر، عملکرد شورای نگهبان سبب شد عملاً بن بستی در قانون گذاری ایران ایجاد شود. از سویی، مجلس حاضر به اصلاح و تجدید نظر در مصوبه اش نمی شد و از سوی دیگر، شورای نگهبان نیز بدون ملاحظه مصالح نظام، به مصوبه های مجلس می نگریست و مطابقت یا مغایرت مصوبه های مجلس را با احکام اولی اسلام می سنجید. چنانچه در گفت وگوهای شورای بازنگری قانون اساسی آمده: «شورای نگهبان در مقام رسیدن به این مطلب که این قانون مخالف شرع یا مخالف قانون اساسی نیست، حق مصلحت اندیشی دارد؟ خیر چنین حقی ندارد، ... وظیفه شورای نگهبان دقیقاً مشخص است و حق مصلحت اندیشی ندارد».(۱)

به همین سبب، فقهای شورای نگهبان وقتی در جلسه آن شورا شرکت می کنند، به عنوان فقیه نظری می دهند، ولی وقتی در مجمع حضور می یابند، به عنوان فردی که مصالح کشور را در نظر می گیرد، رأی خواهند داد.

ب) نظر امام خمینی هم با توجه به مطرح کردن مسئله مجمع در مسائل شورای بازنگری قانون اساسی، مؤیدی بر ضرورت تشکیل آن است و با دقت در عنوان مطرح شده در فرمان بازنگری قانون اساسی درمی یابیم که امام این نهاد را به عنوان بازوی مشورتی رهبری در حل معضلات، در نظر گرفته بود و مصداقی از این سخن ایشان بود که فرمود: «در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید».(۲)



---

۱- ۱. مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی، ج ۲، ص ۸۳۷ .

۲- ۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.

ج) شبهه ای هم که در گفتار برخی مخالفان وجود مجمع آمده مبنی بر این که مجمع ممکن است با عنوان مصلحت، به مردم و آزادی های آنان صدمه بزنند یا برخلاف قانون اساسی حرکت کنند یا حد و مرزی برای تشخیص مصلحت وجود نداشته باشد، قابل پاسخ گویی است؛ زیرا: اول این که اعضای مجمع ترکیبی از مسئولان عالی رتبه و صاحب نظران و کارشناسان است و حتی برخی از نمایندگان مجلس و فقهای شورای نگهبان در آن عضویت دارند. بنابراین، ترکیبی نیست که به راحتی هر چیزی را به عنوان مصلحت نظام تشخیص دهند. دوم این که معیارها و ضوابطی برای تشخیص مصالح نظام وجود دارد و این گونه نیست که این مصالح، بدون معیار و ضوابط باشد و حتماً در مورد مصلحت بودن یا نبودن هر چیزی کارشناسی های زیادی انجام می گیرد که وجود کمیسیون های تخصصی ویژه در مجمع مؤید آن است. سوم این که فعالیت و اختیارهای مجمع نامحدود نیست، بلکه این موارد به شکل مشخص در قانون اساسی آمده است. بنابراین، مجمع نمی تواند اقداماتی بیرون از حوزه وظایف مشخص شده در قانون اساسی انجام دهد.

## فصل سوم: ساختار و اعضا

### ۱. ساختار

#### اشاره

شیوه کار و اداره جلسه ها و چگونگی تصمیم گیری در مجمع به وسیله آیین نامه ای پیش بینی شده که از سوی خود مجمع به تصویب می رسد و رهبری، آن را تأیید می کند. جدیدترین آیین نامه داخلی مجمع در تاریخ

۳/۸/۱۳۷۶ به تصویب مجمع و در تاریخ ۵/۹/۱۳۷۶ به تأیید رهبری رسیده است.(۱)

### الف) شورای مجمع

جلسه های شورا در محل نهاد ریاست جمهوری تشکیل می شود(۲) و جلسه های عادی آن نیز هر دو هفته یک بار شکل می گیرد (ماده ۲۱). جلسه های فوق العاده با تعیین وقت در جلسه عادی و تصویب آن با نظر رئیس مجمع یا با درخواست کتبی یک سوم اعضا همراه با تعیین موضوع امکان پذیر خواهد بود (ماده ۲۲). دستور جلسه های عادی دست کم سه روز پیش از تشکیل جلسه به دستور رئیس مجمع از طریق دبیرخانه به اطلاع اعضا می رسد و رئیس مجمع وقت جلسه فوق العاده را تعیین می کند. مسائل فوری نیز با نظر رئیس مجمع یا ۵ نفر از اعضا در جلسه قابل طرح است (ماده ۲۳).

جلسه های شورا هنگام بحث درباره مصوبه های مورد تعارض مجلس و شورای نگهبان، متشکل از همه اعضای یاد شده در حکم مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۸۰ مقام رهبری و در موارد مربوط به بررسی و حل مشکلات نظام، تعیین سیاست های کلی نظام و دیگر موارد مقرر، در قانون اساسی متشکل از همه اعضای حقیقی به اضافه اعضای ردیف الف، ج و د بند یک



---

۱ - ۱. قبلاً بر اساس ماده ۳ آیین نامه پیشین مجمع، ریاست مجمع با ریاست جمهور بود، ولی اکنون به حکم مقام رهبری، ریاست مجمع بر عهده آیت الله هاشمی رفسنجانی است.

۲ - ۲. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۹، چ چهارم، ج ۲، صص ۶۵۸ _ ۶۶۱.

حکم مذکور خواهد بود. این جلسات با حضور دوسوم اعضا رسمیّت می یابد و تصمیم ها با اکثریت مطلق اعضای حاضر، معتبر خواهند بود (مواد ۱۹ و ۲۰).

### ب) کمیسیون های مجمع

بر اساس ماده ۴ آیین نامه یاد شده، برای فراهم آوردن اطلاعات دقیق مربوط به مباحث و مسائل مطرح شده در مجمع و آماده سازی اعضا برای تصمیم گیری و بهره گیری از نظریه های کارشناسان، کمیسیون هایی تشکیل می شود که دو نوع است: کمیسیون های تخصصی دایم (علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، زیربنایی و تولیدی، اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری، حقوقی و قضایی) و کمیسیون های خاص. اعضای کمیسیون های تخصصی دایمی در نخستین جلسه های مجمع با اعلام داوطلبی و رأی مجمع تعیین می شوند (ماده ۶). جلسه کمیسیون ها دست کم ۲ هفته یک بار است (ماده ۸). شرکت اعضا کمیسیون ها در جلسه ها ضروری است و دیگر اعضای مجمع نیز بدون حق رأی حق حضور خواهند داشت (ماده ۱۰). کمیسیون ها می توانند در چارچوب وظایف خود از طریق دبیرخانه، از کارشناسان بخش دولتی و خصوصی استفاده کنند (ماده ۱۳).

### ج) دبیرخانه مجمع

بر اساس ماده ۳۱ آیین نامه، دبیرخانه مجمع برای تنظیم کار کمیسیون های دایمی و خاص، برقراری ارتباط با دستگاه های مسئول دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی، استفاده کامل از فرآورده های کارشناسان، نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی مورد تأیید رهبری و ابلاغ

مصوبه ها و تصمیم ها، تدوین صورت مشروح مذاکره ها، دیگر امور مالی و اجرایی و وظایف مطرح در این ماده تأسیس شده است.

دبیر مجمع، زیر نظر ریاست مجمع انجام وظیفه می کند و در موارد لازم، رابط مجمع با مقام رهبری است (ماده ۳۲.) ایجاد تشکیلات لازم برای اداره امور دبیرخانه و کمیسیون ها و... با دبیر مجمع است (ماده ۳۴).

### ۲. اعضا

در شورای بازنگری، با توجه به فرمان امام مبنی بر تشکیل مجمع (۱۷/۱۱/۱۳۶۶)، اعضای مجمع، ۱۲ نفر پیشنهاد شده که عبارت بودند از: رؤسای قوای سه گانه (۳ نفر)، فقهای شورای نگهبان (۶ نفر)، وزیر مربوطه و دو نفر صاحب نظر به انتخاب رهبر، ولی مدتی بعد، به دلیل اختلاف های پیش آمده، تعیین اعضای مجمع را رهبری بر عهده گرفت. اعضای جدید به وسیله مقام رهبری به مدت ۵ سال در فرمان مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۸۰ تعیین شده اند که عبارتند از:

۱. شخصیت های حقوقی که شامل رؤسای سه قوه، فقهای شورای نگهبان، وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث مربوط به آن دستگاه است و رئیس کمیسیون مناسب با موضوع مورد بحث از مجلس شورای اسلامی.

۲. شخصیت های حقیقی که رهبری آنان را به عنوان صاحب نظر در مسائل گوناگونی از جمله سیاسی، فقهی و اقتصادی برگزیده است.

اعضای مجمع به مدت ۵ سال انتخاب می شوند.

## فصل چهارم: وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام

### ۱. وظایف اصلی

#### الف) رفع اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان

یکی از مهم ترین وظایف مجمع که علت آغازین تشکیل آن هم به شمار می رود، رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان است. به عبارت دیگر، بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی، «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند، تشکیل می شود».

مجمع باید میان کنار نهادن موازین شرعی و قانون اساسی و رعایت مصلحت نظام و کشور، ارزیابی کند و بسنجد که کدام را باید مقدّم ساخت؟ در اینجا حاکمیت شریعت و قانون اساسی (که شورای نگهبان از آن پاسداری می کند) و حق حاکمیت ملّی در امر قانون گذاری (که مجلس، نهاد مجری آن است)، باهم قابل جمع نیستند و با هم تعارض و تزاحم پیدا می کنند. بنابراین، مجمع این مشکل را حل می کند و آنچه را به مصلحت نظام است، برمی گزیند. حال اگر مجمع نظر شورای نگهبان را بپذیرد، در این صورت، اجرای موازین اسلامی، عین مصلحت نظام خواهد بود، ولی اگر مجمع، نظر شورا را رد کند، در این صورت، احکام اولیه دفاع شده به وسیله شورای نگهبان به طور موقت اجرا نمی شود. البته این بدان معنی نیست که حکم اولیه مورد نظر تغییر می کند، بلکه در تزاحم میان این حکم اولیه و مصلحت نظام، مصلحت نظام مقدّم می شود.

رویه کنونی مجمع آن است که در موادی که در مصوبه اختلافی، اختلاف نظری میان مجلس و شورای نگهبان وجود ندارد، حذف و اضافاتی انجام می دهد و مواد آن را تنظیم می کند که در این باره در بحث جواز قانون گذاری بدوی مجمع، سخن به میان می آید.

### ب) همکاری با رهبر در حلّ معضلات نظام

بر اساس بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از اختیارهای رهبری، «حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» است. البته در شورای بازنگری قانون اساسی، یکی از مباحث مطرح شده آن بود که آیا رهبری خودش با مشورت، معضلات را حل کند یا آنها را به مجمع بازگرداند. برخی معتقد بودند که مجمع نمی تواند مستقیماً معضلات کشور را بیابد و راه حلی برای آن پیدا کند.(۱) بر اساس گفته ریاست مجمع، رویه کنونی این گونه است که:

تشخیص معضل با رهبری است و نه با مجمع تشخیص مصلحت نظام. معمولاً باید آن کسانی که معضل به آنها مربوط می شود یا دولت یا مجلس یا شورای نگهبان یا دستگاه های دیگری است که به رهبری نامه بنویسند و بگویند که این کار برای آنها راه حلی ندارد... ایشان (رهبری) هم بررسی می کنند که آیا راه حل قانونی هست یا نه.(۲)

برخی از حقوق دان، با انتقاد از کلی و مبهم بودن کلمه «معضلات نظام» و «از طریق عادی قابل حل نیست» در بند ۸ ماده ۱۱۰ و به سبب هراس از زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی مانند اصل ۵۷، معتقدند این کلی گویی و



---

۱- ۱. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۶۴۳.

۲- ۲. مصاحبه با آیت الله رفسنجانی، ص ۲۴.

ابهام «راه را برای هرگونه گریز از نظام مقرر در قانون اساسی باز می گذارد».(۱)

برای پاسخ به این شبهه باید به مباحث احکام حکومتی و جایگاه حکومت در اسلام توجه کرد. در آنجا دیدیم که «حکومت به معنای ولایت مطلقه فقیه، بر تمام احکام فرعی الهی مقدّم است و مصوبه های مجمع، جزو احکام ثانوی و احکام حکومتی و در نتیجه، حکم شرعی است و اصل ۵۷ قانون اساسی نیز بیان می دارد که قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امّت هستند. بنابراین، حل معضلات نظام از سوی رهبری از راه مشورت با مجمع، فراتر از شرع و قانون اساسی نیست، بلکه داخل در آنهاست. از سوی دیگر، مورد بند ۸ اصل ۱۱۰، استثنایی است و هنگام به بن بست رسیدن راه های قانونی به کار می آید. در این صورت، هر عقل سلیمی حکم می کند که باید معضل و مشکل پیش آمده برای نظام به گونه ای حل شود، نه آنکه بدون حل باقی بماند و مشکلات را دوچندان کند. همین نظر در مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی مورد تأیید قرار گرفته است.(۲) در برخی دیگر از کشورها نیز چنین سیستمی وجود دارد که در قسمت مربوط درباره آن ها بحث خواهیم کرد.



---

۱- ۱. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۶۶۸ .

۲- ۲. مشروح مذاکرات شورای بازنگری، ج ۳، ص ۱۳۸۲: «رهبر که نمی خواهد بی جهت در کار کشور دخالت کند، نظام را هم بزند، مجبور است یک معضلی پیش آمده برای نظام، در این صورت به این طریق عمل می کند».

برخی از موضوع هـایی که در اجرای بنـد ۸ اصل ۱۱۰ قـانون اساسـی به تصویب مجمع رسـید، چنین است: قانون نحوه وصول مطالبات بانک ها (مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۸)؛ تعزیرات حکومتی بخش دولتی، (مصوب ۲۷/۹/۱۳۶۸)؛ حق کسب و پیشه یا تجارت (مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۶۹)؛ قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات، (مصوب ۲۳/۸/۱۳۷۰)؛ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه های انتظامی کشور (مصوب ۶/۵/۱۳۷۳).

نکته آخر آنکه چون مجمع دربـاره حـل معضـلات به عنوان بازوی مشورتی رهبری عمل می کنـد و بنـد ۸ اصل ۱۱۰ در بیان وظایف رهبری است، مصوبه های مجمع در این موارد باید به تأیید رهبر برسد، همچنان که رویه نیز این بوده است.

### ج) مشاوره با رهبری

#### یک _ مشاوره با رهبری در تعیین سیاست های کلی نظام

بر اساس بنـد ۱ اصل ۱۱۰، یکی از وظـایف و اختیـارات رهبر، «تعیین سـیاست هـای کلی نظام جمهوری اسـلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشـخیص مصـلحت نظام» عنوان شده است. سیاست های کلی، معادل مفهوم خط مشی عمومی است که برای همـاهنگی و انسـجام هـدف هـای نظـام موجود در جامعه اعمال می شود و بازتاب ارزش هایی خواهـد بود که جامعه و دولت بـدان ها پای بند است. همچنین مشـخص کننده بایدها و نبایدها در جامعه و سازمان ها است و در نهایت، بیانگر فرهنگ، نظام اقتصادی و اولویت های مورد پذیرش است.(۱)



---

۱- ۱. امیراردشیر ارجمند، سیاست های کلی نظام، فصلنامه راهبرد، ش ۲۸ زمستان ۱۳۸۱، ص ۸۲.

این سیاست های کلی اعلام شده، چارچوبی برای تصمیم گیری ها و حرکت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... ، از سوی مسئولان نظام به وجود می آورد و برنامه های حکومت بر آن اساس پایه ریزی می شود. سیاست های کلی برای اولین بار در گزارش شور اول کمیسیون شماره یک شورای بازنگری قانون اساسی و به عنوان یکی از اختیارات رهبری پیشنهاد گردید که البته برخی در آن شورا معتقد بودند به جای کلمه سیاست های کلی، واژه «سمت گیری» جای گزین شود.(۱) بنابراین، در دوره اول مجمع به این سیاست ها پرداخته نشد.

این سیاست ها میان قانون اساسی و برنامه های اجرایی قرار می گیرند؛ یعنی قانون اساسی پایین تر است، ولی برنامه های دولت نباید فراتر از سیاست های اعلام شده باشد. «همه قبول دارند که مصوبه ها مجلس و آیین نامه های دولت نباید مخالف سیاست های (کلی) باشد.»(۲) «... سیاست های کلی با قانون عادی تفاوت هایی دارد و این گونه نیست که هر کسی بتواند آنها را برای اجرای مستقیم به دستگاه ارائه بدهد. باید تبلور آن را در قوانین و آیین نامه ها، تصویب نامه، مقررات اجرایی و در عمل دستگاه ها دید».(۳)



---

۱- ۱. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۳۲۱.

۲- ۲. مصاحبه با آیت الله رفسنجانی، ص ۳۱.

۳- ۳. همان، ص ۸۲ .

### دو _ مشاوره با رهبری درباره بازنگری در قانون اساسی

بر اساس قسمتی از اصل ۱۷۷ قانون اساسی، «مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس جمهور، موارد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می کند».

## ۲. وظایف فرعی

### ۱. اصل ۱۱۱ قانون اساسی

بر اساس قسمتی از اصل ۱۱۱ قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از فقهای شورای نگهبان را برای شرکت در شورای موقت رهبری (که در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر تشکیل می شود) انتخاب می کند.(۱)

بر اساس این اصل، شورای موقت رهبری درباره وظایف بندهای ۱، ۳، ۵ و ۱۰ و قسمت های و، ه ، و بند ۶ اصل ۱۱۰، پس از تصویب ۴۳ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند.

اصل ۱۱۱ قانون اساسی

در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نماید. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به



---

۱- ۱. آخرین فرمان مقام رهبری در مورد سیاست های کلی نظام ۳/۱۱/۱۳۷۹. مجموعه اساسیصص ۶۵ _ ۷۱.

طور موقّت به عهـده می گیرد و چنانچه در این مـدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع بـا حفظ اکثریت فقها در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا در خصوص وظایف بنـدهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسـمت های (د) و (ه ) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشـخیص مصلحت نظام اقدام می کند... .

### قسمت های مورد اشاره از اصل ۱۱۰ قانون اساسی

(وظایف و اختیارات رهبر):

۱. تعیین سیاست های کلی نظام.

۲. فرمان همه پرسی.

۳. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۴. نصب و عزل و قبول اسـتعفای رئیس ستاد مشترک (د)، فرمانده کل سپاه  پاسداران (ه ) و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی (ه ).

## فصل پنجم: حدود اختیارات مجمع و شبهه های مربوط به آن

### ۱. آیا مجمع حق قانون گذاری بدوی (ابتدایی) دارد؟

یکی از مبـاحث پر سـر و صـدا درباره مجمع این است که آیا مجمع می توانـد خودش به چنـد مسـتقل و در همان ابتـدا، قانون گذاری و تصویب قوانین بپردازد یا خیر؟

صاحب نظران حقوق دان پاسخ های گوناگونی به آن داده اند. ما برای جلوگیری از خلط مبحث ها، پرسـش را در دو قسـمت مطرح می کنیم.

بخش اول آیا مجمع می توانـد در مواد غیر اختلافی، در مصوّبه ای که برخی مواد آن مورد اختلاف مجلس شورای اسـلامی و شورای نگهبان واقع شده و

برای حل اختلاف به مجمع آمده است، دخل و تصرف کند و تغییرات و اصلاحاتی در آن انجام دهد؟

برخی به این پرسش پاسخ منفی داده اند و اظهار داشته اند که: «مجمع نمی تواند در موادّی که شورای نگهبان و مجلس اختلافی نداشتند، وارد رسیدگی شود و به عنوان تشخیص مصلحت، تغییراتی در آن ها ایجاد کند؛ زیرا صلاحیت مجمع به عنوان یک نهاد استثنایی منحصر به نص اصل ۱۱۲ قانون اساسی است.»(۱) به نظر این گروه، پس از رأی گیری در مجمع، مصوبه باید به مجلس برود تا مواد قانونی را بر اساس نظر مجمع، تنظیم اصلاح و برای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی برای رئیس جمهور بفرستند و دیگر حق ندارد موادی را که در مصوبه اختلافی میان مجلس و شورای نگهبان در آن ها نیست، مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر، مجمع «همانند شورای نگهبان تنها باید به اظهارنظر درباره مصوبه مورد اختلاف بپردازد».(۲)

اگر دقت کنیم، درمی یابیم که گاهی با تغییر یک ماده، لازم است که مواد قبلی یا بعدی نیز تنظیم یا اصلاح گردند. به همین سبب نیز ماده ۲۸ آیین نامه داخلی مجمع چنین بیان می کند:

در مورد تعارض میان نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی که منجر به اصلاح ماده یا موارد مورد اختلاف می شود، چنانچه اصلاح یاد



---

۱- ۱. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۷۶.

۲- ۲. محمد جعفری، «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، روزنامه سلام، سال سوم، ش ۵۸۶ ۱۲/۳/۷۲، ص ۵.

شده مستلزم انجام اصلاحاتی در ماده یا مواد دیگر باشد، مجمع این اصلاحات را در حد ضرورت اعمال خواهد کرد.

رئیس کنونی مجمع نیز در طرفداری از این نظر می گوید:

آیین نـامه مـا هم که به تصویب امام و هم رهبری رسـید، این (حق اصـلاح و تنظیم و تغییر مواد غیراختلافی مصوبه ارجاعی به مجمع) را مشـخص کرده است. یـک فرض آن است که همین ماده را که روی آن اختلاف شـده، اصـلاح کنیم هر جوری که خواستیم؛ این خودش قانون جدید می شود. مسئله دوم آن است که وقتی اصلاح کردیم، لازمه اش این است که ماده دیگری هم اصلاح بشود و به هم مربوط هستند، این را هم به طور طبیعی حق داریم اصلاح کنیم.(۱)

بخش دوم آیا مجمع می توانـد به اسـتناد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسـی و بـدون پیدایش هیچ اختلافی میان مجلس و شورای نگهبان، قانون گذاری کند؟

ایـن موضـوع نیز بحث هـای فراوانی را به وجـود آورده است، ولی بـا دقت در ادله طرفـداران و پاسخ هـایی که به دلیـل هـای مخالفان قانون گذاری مجمع داده شده است، می توان به این نتیجه رسـید که مجمع با اسـتناد به بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی می تواند برای حل معضلات نظام که از راه عادی قابل حل نیست، به تصویب قوانین لازم و مناسب دست زند. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به ادله طرفین در این باره می پردازیم.

ص:۱۰۰

---

۱- ۱. مصاحبه با آیت اللّه رفسنجانی، ص ۳۶.

ادله مخالفان قانون گذاری بدوی (ابتدایی) مجمع(۱)

۱. بر اساس اصول ۵۷، ۵۸ و ۵۹،(۲) قوای حاکم کشور به سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه، تقسیم شده است و اعمال قوه مقننه (قانون گذاری) از طریق همه پرسی صورت گیرد. پس قانون گذاری منحصر به مجلس و همه پرسی است و نامی از مجمع نیامده است.

۲. اگر مجمع حق قانون گذاری داشت، باید در اصل ۱۲۳(۳) نامی از آن برده می شد و مراحل ابلاغ و لازم الاجرا شدن مصوبه های آن نیز بیان می گردید.

۳. بر اساس اصل ۷۵،(۴) اگر مصوبه های مجمع باعث تقلیل درآمد یا افزایش هزینه عمومی گردد و دولت هم لایحه آن را نداده باشد، چه مقامی بر آن نظارت دارد؟

ص:۱۰۱

---

۱- ۱. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، صص ۶۷ _ ۶۹ ، همچنین: نک مقاله «مجمع تشخیص مصلحت نظام» روزنامه سلام، ص ۵، حسین مهرپور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰ (بهار _ تابستان ۷۱)، صص ۵۱ _ ۵۵ ؛ مقدمه علم حقوق، ص ۱۳۶.

۲- ۲. اصل ۵۷ اساسی پیشتر بیان شد. اصل ۵۸ قانون اساسی «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود.» اصل ۵۹ قانون اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای عمومی صورت گیرد. مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

۳- ۳. اصل ۱۲۳ قانون اساسی: «رئیس جمهور موظف است مصوبه ها مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجراء در اختیار مسئولان بگذارد».

۴- ۴. اصل ۷۵ قانون اساسی: «طرح های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی و یا افزایش هزینه عمومی انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد».

۴. مجمع بر اساس کدام یک از طرح ها یا لوایح بیان شده در اصل ۷۴ (۱) قانون گذاری می کند و عملش با آن مطابق است؟

۵. بر اساس اصل ۱۱۲، دلیل اساسی تأسیس و تشکیل مجمع، تشخیص مصلحت نظام در موارد اختلاف میان شورای نگهبان و مجلس است نه قانون گذاری.

۶ . امام خمینی نیز که خود بنیانگذار مجمع بوده و اختیار قانون گذاری به آن داد، برای آن که پس از زمان جنگ، مجلس تنها مرجع قانون گذاری در کشور باشد، در نامه مورخ ۷/۹/۱۳۶۷ چنین تصریح فرموده است:

ان شاء اللّه تصمیم دارم در تمام زمینه ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آن چه در این سال ها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است، مصلحت نظام و اسلام اقتضا می کرد تا گره های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد.

۷. بند ۸ اصل ۱۱۰ یک امر استثنایی و نادر است که امکان دارد در یک زمان بحرانی پیش آید و مشکل حل نشدنی نظام شود. بنابراین، بر اساس قانون اساسی، رهبر اختیار دارد که تصمیم لازم را از طریق مجمع بگیرد، ولی این امر، قانون گذاری نیست. هر چند ممکن است رهبر برای حل معضل فرمان هایی بدهد که حکم قانون را داشته باشد، ولی به این بهانه نمی توان مجمع تشخیص مصلحت را صاحب صلاحیت در امر قانون گذاری شناخت.



---

۱ – ۱. اصل ۷۴ قانون اساسی: «لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می شود و طرح های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است».

ادله طرفداران قانون گذاری بدوی (ابتدایی) مجمع برخی از استادان حقوق و صاحب نظران(۱) در تأئید این حق برای مجمع به ادله ای استناد کرده اند که به صورت خلاصه به آن می پردازیم.

۱. کلمه معضلات، در بند ۱ اصل ۱۱۰ مطلق و شامل تمام مشکلاتی می شود که از راه عادی به وسیله سه قوه قابل حل نیست. بنابراین، رهبری می تواند با مشورت مجمع، به وضع قانون مناسبی برای حل آن معضل اقدام کند.

۲. چنین اطلاقی در بند یاد شده متناسب با اصل ولایت مطلقه فقیه در اصل ۵۷ قانون اساسی است؛ زیرا این اطلاق، مراحل قانون گذاری و اجرا و قضاوت را شامل می شود و در محدوده امور عمومی و با شرط مراعات مصالح عمومی است و نه بدون حد و مرز.

۳. اصول ۵۷، ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی که قانون گذاری را به مجلس و همه پرسی واگذار کرده، در مقام بیان سیستم تفکیک قوا در اداره کشور است، نه انحصار اعمال اداره کشور.

۴. در اصول ۵۷، ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی صحبت از قوای مملکتی است، در حالی که به مجمع، قوه گفته نمی شود، بلکه نهادی است برای تشخیص مصلحت نظام.



---

۱ – ۱. تشخیص مصلحت نظام، صص ۶۸ و ۶۹ و صص ۷۳ _ ۸۰ ؛ مرتضی مرندی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پارسایان، چ اول، ۱۳۸۲ ، صص ۸۹ _ ۹۵؛ بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۵. بر اساس اصل ۵۷، قوای سه گانه زیر نظر مقام ولایت مطلقه فقیه هستند و مجمع نیز با پشتوانه اختیارات ولی فقیه عمل می کند. پس قانون گذاری مجمع با استفاده از بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و با تفویض رهبری فراتر از قانون اساسی نیست.

۶ . در مورد نیامدن نام مجمع در اصل ۱۲۳ که بر اساس این اصل، رئیس جمهور موظف است مصوبه های «مجلس» یا نتیجه همه پرسی را امضا و ابلاغ کند، می توان این گونه پاسخ داد که با توجه به حضور مسئولان عالی رتبه اجرایی مانند رئیس جمهور، پس از تصویب مصوبه ای در مجمع، نیازی به مراحل دیگری مانند امضای رئیس جمهوری نیست.

۷. بر خلاف استدلال مخالفان و استناد آنان به اصل ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی و منحصر کردن قانون گذاری به مجلس و همه پرسی، در خود قانون اساسی هم مواردی داریم که مانند مجلس خبرگان و فقهای نخستین دوره شورای نگهبان حق وضع قانون را دارند. برای نمونه، بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن ها و آیین نامه داخلی جلسه های آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقرارت مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.» نکته دیگر آن که در اصل ۱۲۳، نامی هم از مجلس خبرگان نیامده است و این بر خلاف استدلال مخالفان با اصل خواهد بود؛ زیرا آنان بیان نکردن نام مجمع در این اصل را به معنای نداشتن حق قانون گذاری دانسته اند.

ص:۱۰۴

۸. اگر مجمع مصلحت، چیزی را به تصویب برساند که سبب کاهش درآمد یا افزایش هزینه عمومی شود، باید گفت مجمع با توجه کامل و پس از بررسی های دقیق اصول قانون اساسی و مصلحت مورد نظر چاره ای جز تقدم مصلحت یاد شده بر برخی اصول قانون اساسی مانند اصل ۷۵ نداشته است.

۹. این که ناظری برای مجمع در قانون اساسی بیان نشده، از موارد سکوت یا نقص قانون است، هر چند در بحث نظارت بر مجمع چنین آمده که مجلس خبرگان می تواند وظیفه نظارت بر این نهاد را بر عهده داشته باشد. بنابراین، اشکال یاد شده به اصل ثبوت اختیار قانون گذاری مجمع، خللی ایجاد نمی کند.

۱۰. از این که در اصل ۱۱۲، وظیفه مجمع را تشخیص مصلحت در موارد اختلافی میان مجلس و شورای نگهبان ذکر کرده است، نمی توان نبودن حق قانون گذاری برای مجمع را به دست آورد؛ زیرا اصل ۱۱۲ در مقام بیان همه وظایف و اختیارهای مجمع نبوده است. دلیل بر این مطلب آن که برخی از وظایف و اختیارهای مجمع در اصول دیگر قانون اساسی (مثل بند ۱ و ۸ اصل ۱۱۰ و ۱۷۷ قانون اساسی) آمده است.

۱۱. نامه امام خمینی (ره) در پاسخ نامه جمعی از نمایندگان(۱) در ابراز نگرانی از کم شدن قدرت مجلس، مربوط به پیش از بازنگری در قانون



---

۱- ۱. امام در پاسخ نامه فرمود: «با سلام، مطلبی که نوشته اید کاملاً درست است. ان شاء اللّه تصمیم دارم در تمام زمینه ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آن چه در این سال ها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می کرد تا گره های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام باز گردد». صحیفه نور، ج ۲، ص ۵۷.

اساسی است و چنان که دیدیم، خود حضرت امام دستور تشکیل شورای بازنگری و حدود این تغییرات را داده است که از آن جمله مجمع تشخیص مصلحت بود و این قانون بازنگری شده هم به تأیید آرای عمومی و هم به تأئید مقام رهبری رسیده است. بنابراین، در حال حاضر فقط می توان به اصول مربوط به مجمع در قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجمع به عنوان تنها اسناد رسمی مربوط به مجمع توجه کرد.

۱۲. این که مورد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی استثنایی است، نمی تواند دلیلی به سود مخالفان باشد؛ زیرا خود بحث هم در موردی است که معضل پیش آمده برای نظام از راه قانون گذاری عادی (به وسیله مجلس یا همه پرسی) قابل حل نیست، چنان که بارها شاهد این امر بوده ایم.

۱۳. مؤید استدلال ما آن است که روش و رویه عملی مجمع هم با این که اعضایی از مجلس، شورای نگهبان و قوه مجریه هم در آن شرکت دارند، مبنی بر قانون گذاری ابتدایی، در برخی موارد بوده است، مانند: قانون نحوه وصول مطالبات بانک ها (مصوب ۵/۱۰/۱۳۶۸)، قانون حق کسب و پیشه و تجارت (مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۶۹) و قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات (مصوبه ۲۳/۸/۱۳۷۰).

۱۴. مؤید دیگر آن است که وجود چنین حقی فقط به کشور ما محدود نمی شود، بلکه کشورهایی مانند فرانسه و تونس نیز همین حق را قایل هستند که پیش تر از آن سخن گفتیم.

ص:۱۰۶

از مجموع مباحث گذشته به این نتیجه می رسیم که نباید در بحث قانون گذاری به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام، مباحث با یک دیگر خلط گردد، بلکه گاهی بحث این است که آیا مجمع می تواند در موادی که در مصوبه اختلافی و ارسالی به مجمع وجود دارد و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در آن مواد اختلافی ندارند، دخل و تصرف کند یا مواد جدیدی به آن بیفزاید؟

در این باره، به نظر می رسد هنگامی که مجمع را بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی به عنوان مرجع حل اختلاف دو نهاد مجلس و شورای نگهبان پذیرفتیم، باید این مطلب را هم بپذیریم که اگر بر فرض، مجمع، ماده مورد اختلاف را تغییر، اصلاح یا حذف کند و این امر مستلزم تغییرات، اصلاحات یا حذف مواد پیشین یا بعدی غیراختلافی باشد، باید به مجمع این حق داده شود؛ زیرا «اذن در شی ء، اذن در لوازم آن نیز است.» در غیر این صورت، ممکن است میان محتوای مواد اصلاح شده از سوی مجمع، با محتوای مواد غیراختلافی، تناقض پیدا شود.

گاهی هم بحث بر سر این است که آیا مجمع حق قانون گذاری بدوی دارد و آیا می تواند خودش قوانینی جدا از مصوبه اختلافی مجلس و شورای نگهبان وضع کند؟ در این جا هم چند صورت را از هم جدا می کنیم:

یک ـ گاهی مصوبه مورد نظر بر اساس بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و برای حل معضلات نظام به وسیله مجمع وضع می شود. در این صورت، بی شک، مجمع این حق را دارد.

دو ــ گاهی نیز رهبری وظیفه تعیین مقررات و قوانین بعضی از امور ــ مانند تعیین سیاست های کلی نظام ــ را بر عهده مجمع می گذارد. در این صورت نیز مجمع حق قانون گذاری دارد.

سه ــ گاهی مواردی است که خود قانون گذار آشکارا به مجمع حق تصویب و تدوین قوانین لازم ــ مثل آیین نامه داخلی ــ را داده است. در این جا نیز مشکلی به وجود نمی آید.

چهار ــ گاهی نیز هیچ کدام از موارد بالا در کار نیست و تصویب و تدوین قوانین، بدون هیچ مشکلی و بر اساس روال عادی و اصول قانون اساسی ممکن است که در این مورد با توجه به اصل ۵۸ قانون اساسی، قانون گذاری باید به وسیله مجلس شورای اسلامی و نمایندگان منتخب مردم صورت پذیرد و مجمع در این جا حق قانون گذاری بدوی را ندارد.

## ۲. آیا مصوبه های مجمع می تواند فراتر از اصول قانون اساسی باشد؟

### اشاره

برخی این پرسش را مطرح ساخته اند که آیا مجمع می تواند مقررات و قوانینی بر خلاف اصل یا اصولی از قانون اساسی تصویب کند یا خیر؟ این بحث را نیز در دو بخش پی می گیریم:

### الف) در مورد معضلات نظام

در ابتدا اگر به فلسفه وجودی و علت تشکیل مجمع دقت کنیم به این نتیجه می رسیم که اصلاً این پرسش، بی مورد و اشتباه است؛ زیرا از مباحث گذشته دانستیم که خود قانون اساسی (بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) به مجمع این اختیار را داده است تا برای حل معضلات نظام که از راه های عادی قابل حل نیست، چاره اندیشی کند. بنابراین، باید بپذیریم که اگر

ص:۱۰۸

مجمع به این نتیجه رسید که راهی برای حل این معضل وجود ندارد، مگر این که یک یا چند اصل از اصول قانون اساسی به گونه ای موقت کنار گذاشته شود، مجمع بر اساس خود قانون اساسی، حق کنار نهادن موقتی آن اصول را دارد. پس این گونه نیست که این مصوبه مجمع برخلاف و فراتر از قانون اساسی باشد، بلکه خود قانون اساسی که میثاق ملی است، این حق را به مجمع داده است. درباره مصوبه های مجمع در مورد حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان نیز چنان که می بینیم این حق به مجمع داده شده است.

شاید این اشکال به ذهن برسد که با گنجاندن بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و اختیار وضع قوانینی بر خلاف قانون اساسی به وسیله مجمع، دیگر ضمانتی برای اصول قانون اساسی باقی نمی ماند و وجود قانون اساسی لغو و بیهوده می شود. در پاسخ باید گفت از اعتبار افتادن اصول قانون اساسی به طور کامل ـ آن هم اصول قابل تغییر ـ فقط از طریق اجرای اصل ۱۷۷ قانون اساسی امکان پذیر است.(۱) بنابراین، تغییر همیشگی و کامل اصول قانون اساسی به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام غیرممکن است، ولی



---

۱ - ۱. اصل ۱۷۷ قانون اساسی: «بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور، موارد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می نماید. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت، ولایت امر و امامت امتّ نیز اداره امور کشور با اتکاء به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

در مورد تغییر موقتی باید گفت که اگر مشکل سختی برای نظام پیش آید که نتوان از شیوه ها و مکانیسم های عادی و مجاری طبیعی و قانونی برای رفع آن استفاده کرد، ناچار باید از ابزار مجمع تشخیص مصلحت نظام استفاده کرد تا آن معضل حلّ شود؛ زیرا هیچ عقل سلیمی حاضر نیست مشکلات نظام مقدس اسلامی به خاطر پای بندی به اصولی از قانون اساسی حل نشده باقی بماند و چه بسا حل نشدن این موارد، کیان و اساس جمهوری اسلامی را به خطر می اندازد.

این همان مطلبی است که نویسندگان قانون اساسی در بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به آن توجه دارند. بنابراین، استفاده از قدرت مجمع، نوعی تجدید نظر موقت در قانون اساسی است که به وسیله خود قانون اساسی در اختیار رهبری گذاشته شده است. در مشروح گفت وگوهای شورای بازنگری قانون اساسی نیز این بحث پیش آمده بود و گروهی بر این باور بودند که مصوبه های مجمع برای حل معضلات نظام می تواند بر اصولی از قانون اساسی به صورت موقت مقدّم شود. چنان که یکی از اعضای این شورا گفته است: «امام خواسته اند معضلات حکومت حل شود. بیشتر موارد هم به خاطر قانون اساسی ما اختلاف داریم».(۱)

امام راحل نیز در فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأکید بر این مطلب که حفظ نظام اسلامی و مصالح اسلامی بر هر چیزی برتری دارد و هیچ مشکلی نباید در پیکره نظام اسلامی خللی ایجاد کند، فرمود:

مصلحت نظام از امور مهمّه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست



---

۱- ۱. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۳۸۲.

اسلام عزیز می گردد... مصلحت نظام و مردم از امور مهمّه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است که اسلام پا برهنگان زمین را در زمان های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد.(۱)

در جای دیگر نیز فرموده است:

حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است، جلوگیری کند.(۲)

ایشان هم چنین تأکید می کرد که: «در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدّم بر هر چیز است».(۳)

### ب) در مورد حل اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان

در این مورد نیز اگر با دقت به اصل ۱۱۲ قانون اساسی نگریسته شود، درمی یابیم که وظیفه اصلی مجمع، تشخیص مصلحت در مواردی است که شورای نگهبان، مصوبه مجلس شورای اسلامی را مخالف موازین شرعی یا قانون اساسی اعلام می کند، ولی مجلس بر نظر خود اصرار می ورزد و حاضربه اصلاح و تجدید نظر در مصوبه خود نیست.

حال اگر فرض کنیم که شورای نگهبان به علت مسئولیت خود در پاسداری از قانون اساسی، مصوبه مجلس شورا را مغایر با اصل یا اصولی از قانون اساسی بداند، در این صورت، مجمع تشخیص مصلحت یا نظر شورای



---

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۶.
۲- ۲. همان، ص ۱۷۰.
۳- ۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۳۵.

نگهبان را تأئید می کند که به معنای تأئید اصول قانون اساسی است یا نظر مجلس را می پذیرد یا نظر سومی ارائه می دهد که در دو صورت اخیر، بی شک، مصوبه مجمع بر خلاف اصول قانون اساسی خواهد بود.

همین نظر، مورد تأیید خود شورای نگهبان قرار گرفته و در نظریه تفسیری (شماره ۴۵۷۵ مورخ ۳/۳/۱۳۷۲) اعلام کرده است که مصوبه های مجمع «در مقام تعارض نسبت به اصل قانون اساسی مورد نظر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (موضوع در اصل ۱۱۲)... حاکم است».(۱)

چند نکته مهم را در این جا باید یادآور شد: «اول آن که، ترکیب مجمع تشخیص مصحلت نظام باید به گونه ای باشد که اعضای آن بر اصول قانون اساسی اشراف کامل داشته، با مقتضیات زمان و مصالح نظام کاملاً آشنا باشند... . دوم این که با توجه به کلی بودن اصول قانون اساسی و در برداشتن مصالح بلند مدّت نظام، قاعدتاً امکان تعارض این اصول با مصلحت نظام اندک خواهد بود. لذا مجلس شورای اسلامی باید در استفاده از اصل ۱۱۲ احتیاط کامل را به عمل آورد و به مجرد اختلاف نظر با شورای نگهبان، مصوبه را به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع ندهد... . البته در هر حال مسئولیت سنگین تر متوجه مجمع تشخیص مصلحت است که تحت تأثیر جوّ موجود قرار نگرفته، با آزاد اندیشی و خبرویت کامل، مصلحت نظام را تشخیص دهد و تا آن جا که می تواند از زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی بپرهیزد».(۲)



---

۱- ۱. مجموعه اساسی، ص ۱۸۷.

۲- ۲. تشخیص مصلحت نظام، صص ۵۰ و ۵۱.

چنان که پیش تر هم بیان شد، این مسئله تنها به نظام جمهوری اسلامی ایران محدود نمی شود و برخی کشورهای دیگر نیز چنین حقی را در مواقع ویژه برای نهاد یا اشخاص ویژه ای در نظر گرفته اند. مانند اصل ۱۶ قانون اساسی فرانسه که رئیس جمهوری فرانسه در مواقع ضروری می تواند تدابیری هر چند مخالف با روال طبیعی اداره امور کشور و برخلاف قانون اساسی، در پیش بگیرد.

### ۳. آیا مصوبه های مجمع می تواند بر خلاف احکام شرعی باشد؟

#### اشاره

یکی از مباحث مطرح شده درباره مصوبه های مجمع، رابطه این مصوبه ها با احکام شرعی است. برای برخی این پرسش مطرح می شود که آیا مجمع می تواند قوانینی فراتر از احکام شرع وضع کند؟

اگر به مباحث پیشین درباره احکام حکومتی و تقّدم حفظ نظام اسلامی بر احکام اولیه و ثانویه بنگریم، نادرستی این پرسش مشخص می شود، ولی به هر حال برای آشکار شدن موضوع، این بحث را در دو قسمت ادامه می دهیم:

#### الف) مصوبه های مجمع در مقام حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان

اگر به اصول قانون اساسی در این زمینه مراجعه کنیم، شاهد تعارضی میان آن ها خواهیم بود؛ زیرا بر اساس اصل ۴ قانون اساسی، همه قوانین و مقررات در همه زمینه ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و آشکارا بیان شده است که: «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و

قوانین و مقررات دیگر حاکم است.» بنابراین، مصوبه های مجمع نیز بایـد در این اصل گنجانده شود و نباید مخالف با موازین اسلامی و شرعی باشد.

از سوی دیگر، بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی از جمله وظایف مجمع تشخیص مصلحت در مواردی است که شورای نگهبان، مصوبه مجلس را خلاف موازین شرع می دانـد و مشخص است که اگر مجمع نتوانـد بر خلاف نظر شورای نگهبان نظری بدهـد، اصل وجودی آن لغو می شود. بنابراین، با توجه به این اصل، مجمع می توانـد مقرراتی مخالف شرع وضع کنـد. حال برای رفع تعارض میان این دو اصل چه باید کرد؟

برای حل این تعارض که بخشی از پاسخ به این شبهه است، بایـد به مباحث گذشته بازگردیم. در آن جا مشخص شـد که احکام شرعی به سه دسته احکام اولی، احکام ثانوی و احکام حکومتی تقسیم می شوند. بنابراین، «موازین اسلامی» در اصل ۴ قانون اساسی، شامل همه اقسام می شود. پس اگر مصوبه ای با هیچ یک از این احکام شرعی مطابق نباشـد، بی شک، معتبر نخواهـد بود، ولی اگر بتوان آن مصوبه را در یکی از گونه هـای سه گانه احکام شرعی جای داد، آن مصوبه برخلاف موازین اسلامی نخواهد بود. شورای نگهبان معمولاً مصوبه ها و قوانین را با توجه به احکام اولی اسلامی بررسی می کنند. مجلس نیز احکام ثانوی و عنوان های آن از قبیل ضرورت را مـدّ نظر می گیرد، ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام، به احکام حکومتی توجه می کننـد و اصلاً وظیفه اصلی و علت پیدایش این مجمع نیز همین حکم حکومتی بوده است. چنان که نخستین وظیفه مجمع که در مذاکره های شورای بازنگری قانون اساسی به وسیله مخبر کمیسیون مجمع تشخیص مصلحت بیان شده، این بود: «تشخیص مصلحت نظام در موارد احکام

حکومتی در صورتی که پس از طی مراحل قانونی میان مجلس شورای اسلامی و  شورای نگهبان توافقی حاصل نشود.»(۱) در نـامه برخی مسـئولان برای درخواست تشـکیل مجمع به امام خمینی نیز چنـد بار کلمه حکم حکومتی بیان شـده و در پایان این نامه چنین آمـده است: «اطلاع یافتیم که جناب عالی درصـدد تعیین مرجعی هستید که در صورت حل نشدن اختلاف مجلس و شورای نگهبان از نظر شرع مقدس یا قانون اساسی، با تشخیص مصلحت نظام و جامعه، حکم حکومتی را بیان نماید».(۲)

بنـابراین، این مطلب مشـخص است که مجمـع، حکم حکومـتی را بیـان می کنـد و تـوجه به احکـام اولی از وظـایف آن مجمع نیست.

**ب) مصوبه های مجمع در مقام اجرای بند اصل ۱۱۰**

بر اسـاس نظریه ولاـیت مطلقه فقیه که در اصل ۵۷ قانون اساسـی به آن تصـریح شده، ولی فقیه می تواند حتی برخلاف احکام الزامی شـرعی ــ وجـوب و حرمت ــ حکمی را صـادر کنـد و حکم ولی فقیه در این موارد بر همه احکـام فرعی اسـلام مقـدّم است.(۳)

بنابراین، اگر معضـلی برای نظام پیش آیـد و مقام رهبری بخواهـد به وسـیله مجمع تشـخیص مصـلحت نظام آن را حل کند (بر اساس بند ۸ اصل



---

۱- ۱. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ج ۲، ص ۸۳۴ .

۲- ۲. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۶۲ .

۳- ۳. صـحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱: «حکومت که شـعبه ای از ولاـیت مطلقه رسول صـلی الله علیه و آله است یکی از احکـام اولیه اسـلام است و مقـدّم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. [ حکومت ] می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی، که جریان آن مخالف مصالح نظام است تا مادامی که چنین است جلوگیری کند».

۱۱۰ قانون اساسی)، مجمع اگر ملاحظه کند که این معضل تنها با وضع قوانینی برخلاف احکام اولی اسلام حل می شود، می تواند چنین تصمیمی گیرد؛ چون مصوبه مجمع جزو احکام حکومتی است که خود از اقسام احکام شرعی به شمار می رود.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت:

۱. حکم حکومتی از احکام اولی شرعی است.

۲. حکم حکومتی بر همه احکام فرعی اسلام ــ چه احکام اولی و چه احکام ثانوی ــ مقدّم است.

۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجاز به صدور حکم حکومتی است.

۴. حفظ نظام اسلامی از مهم ترین وظایف و تکالیف حکومت است.

۵. بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه، فقیه جامع الشرایط حق صدور احکام حکومتی را دارد.

۶ . احکام حکومتی موقتی هستند و تا مصلحت موجود است، اعتبار دارند.

با توجه به مطالب بیان شده، مجمع، هم در مقام حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و هم در مقام حل معضلات نظام می تواند چاره اندیشی کند؛ یعنی برخی از احکام اولی اسلام را به طور موقّت تعطیل و حکم حکومتی را بر آن ها مقدّم کند که این تقدیم احکام حکومتی بر احکام اولی هرگز تغییر و تبدیل حکم اولی نیست بلکه تقدیم اهمّ بر مهمّ به شمار می رود.(۱)



---

۱- ۱. نک: عبداللّه جوادی آملی، ولایت فقیه، اسراء، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.

### ۴. جایگاه مصوبه های مجمع تشخیص مصلحت نظام در میان قوانین عادی چیست؟

هدف از طرح این پرسش آن است که می خواهیم بدانیم مصوبه های مجمع چه جایگاه و رتبه ای در برابر قوانین عادی تصویب شده به وسیله مجلس شورای اسلامی دارد؟ آیا هم رتبه آن است یا مقام و جایگاهی برتر دارد؟

همان گونه که از اصل ۱۱۲ قانون اساسی برمی آید، فلسفه تشکیل مجمع، رفع اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است. به همین علت، چون مجمع حرف آخر را در این مورد می زند، مصوبه های مجمع بر مصوبه های مجلس و قوانین عادی برتری دارد وگرنه اصل وجودی مجمع بیهوده و لغو خواهد بود؛ زیرا مجمع هنگامی می تواند حلّ اختلاف کند که نظرش بر نظریه های مجلس و شورای نگهبان مقدّم و برتر باشد. مجلس نمی تواند قوانینی برخلاف مصوبه های مجمع وضع کند مگر تحت شرایطی که در بحث های آینده به آن خواهیم پرداخت و همین طور قوه مجریه و قضاییه نمی توانند بخش نامه، آیین نامه و یا تصویب نامه ای بر خلاف قوانین مجمع به تصویب برسانند.

در مواردی هم که مجمع به عنوان بازوی مشورتی رهبری به حل معضل نظام اقدام می کند، این مصوبه ها بر قوانین دیگر حاکم است؛ زیرا مبنای صدور این احکام، مصلحت نظام و برطرف شدن معضلات نظام است و پیداست که رعایت مصلحت نظام و حفظ حکومت اسلامی بر هر چیزی مقدّم است. به هر حال، مصوبه های مجمع جایگاهی بالاتر از قوانین و مقررات عادی، آیین نامه ها و... دارد، پس اگر میان مصوبه های مجمع و قوانین عادی دیگر تعارضی ایجاد شود، به ترتیب زیر عمل می شود:

ص:۱۱۷

۱. اگر مصوبه هـای مجمع بـا مصوبه های مجلس، تعارض کلی داشـته باشـد، مصوبه های مجمع، ناسـخ قانون مجلس و از بین برنده اعتبار آن است.(۱)

۲. اگر مصوبه مجمع، خـاص و قانون مجلس، عام باشـد و قانون مجلس را آشـکارا یا ضـمنی نسـخ نکرده باشـد، قانون مجلس تخصیص می خورد و در غیرموارد تخصیص، به اعتبار خود باقی می ماند.

۳. اگر قـانون مجمع، عـام و سـابق باشـد و قـانون مجلس، خاص یا عام و لاحق باشـد، در صورت بقای موضوع مصوبه مجمع، قانون مجلس اعتباری نـدارد و در صورت منتفی شـدن موضوع مصوبه مجمع، قانون مجلس، قانون مجمع را تخصـیص یا نسـخ می کند.

شورای نگهبان در نظریه تفسیری (شماره ۴۵۷۵ مورخ ۳/۳/۱۳۷۲) درباره این مسئله این گونه نظر داده است:

مطـابق اصـل چهارم قانون اساسـی، مصوبه ها مجمع تشـخیص مصـلحت نظام نمی توانـد خلاف موازین شـرع باشـد و در مقام تعـارض نسبت به اصـل قانون اساسـی مورد نظر مجلس شورای اسـلامی و شورای نگهبان (موضوع دو اصل ۱۱۲) و هم چنین نسبت به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، حاکم است.(۲)

افزون بر این، شـورای نگهبـان در نظریه دیگر (شـماره ۵۳۱۸ مورخ ۲۴/۷/۱۳۷۲) به طور ضـمنی، برتری مصوبه هـای مجمع بر دیگر قوانین عادی



---

۱- ۱. بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.
۲- ۲. اداره کل قوانین و مقرارت کشور، مجموعه اساسی، تهران، معاونت پژوهش، تابستان ۸۱، چ اول، ص ۱۸۷.

را نکته ای مهم برمی شمارد. در این نظریه آمده است: «هیچ یک از مراجع قانون گذاری حق رد و ابطال و نقض و نسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد».(۱)

### ۵. نظارت بر مجمع تشخیص مصلحت نظام

این که چه نهاد و مسئولی باید بر رفتار مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت داشته باشد، در قانون اساسی بیان نشده است، در حالی که وجود ناظری بر عملکرد این مجمع به سبب حساسیت و اهمیت کار آن ضروری است. اگر مجمع، مشکلات کوچکی را به عنوان معضل نظام مطرح کند و نسبت به آن قانون گذاری کند، آیا باعث نمی شود که سیر طبیعی تصویب قوانین (ارائه لایحه یا طرح به مجلس و نظارت شورای نگهبان پس از تصویب آن ها) خدشه دار شود؟ هم چنین اگر موردی را به عنوان مصلحت نظام تشخیص دهد، در صورتی که این مصلحت به آن درجه ای نباشد که به سبب آن بتوان از اصول قانون اساسی یا احکام شریعت گذشت، چه مقامی باید مانع این امر شود؟

برخی از حقوق دان در این زمینه این گونه ابراز نگرانی کرده اند: «گاهی این توهّم پیش می آید برخی مراجع اجرایی که می خواهند زودتر و راحت تر مقرراتی را در دست داشته باشند و در پیچ و خم راه طولانی بررسی و تصویب مجلس و اظهار نظر شورای نگهبان معطل نشوند، می کوشند آن را به عنوان معضل نظام توجیه کنند و به این ترتیب، مجمع تشخیص مصلحت



---

۱- ۱. همان.

را درگیر بررسی طرح پیشنهادی خود و قانون گذاری نمایند و این امری است که به تدریج، مسیر قانون گذاری را دچار اشکال می کند».(۱)

یکی از نهادهای نظارتی در کشور، شورای نگهبان است که پاسداری از احکام شریعت و قانون اساسی را در برابر قوانین و مقررات مجلس برعهده دارد. با این حال این شورا نمی تواند بر مجمع و مصوبه های آن نظارت کند؛ زیرا در بخش های پیشین دیدیم که مجمع می تواند بر خلاف نظر شورای نگهبان، قوانینی برخلاف اصول قانون اساسی یا احکام اولی اسلام وضع کند. به جز آن، فقهای شورای نگهبان، خود، از اعضای مجمع هستند.

بر اساس تحلیل اصول قانون اساسی، باید مجلس خبرگان را ناظر بر مجمع تشخیص نظام بدانیم؛ زیرا بر اساس اصل ۱۱۲ و بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مجمع، بازوی مشورتی و مرجع تشخیص مصلحت یا صدور حکم حکومتی است و در هر حال، «طریقی است برای اعمال ولایت فقیه.»(۲) بنابراین، می توان مجمع را زیرمجموعه نهاد رهبری دانست و از آن جا که بر اساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی،(۳) مجلس خبرگان بر اعمال رهبر نظارت دارد باید بر مجمع نیز نظارت داشته باشد.

افزون بر نظارت مجلس خبرگان، خود رهبری نیز در این میان نقش تعیین کننده ای دارد؛ زیرا بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی تعیین اعضا عزل و



---

۱- ۱. دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، ص ۷۹.

۲- ۲. تشخیص مصلحت نظام، ص ۸۱ .

۳- ۳. اصل ۱۱۱ قانون اساسی: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یک صد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۱۰۸ می باشد».

نصب آن ها و تأئید مقررات مربوط به مجمع، بر عهده رهبری است. ازاین رو، رهبری می تواند از این ابزار برای نظارت بر عملکرد مجمع استفاده کند.

## فصل ششم: ویژگی های مصوبه های مجمع تشخیص مصلحت نظام

### ۱. تجدید نظر و تفسیر مصوبه های مجمع

اگر مجمع، مصوبه ای را تصویب کرد، آیا خودش این حق را دارد که آن مصوبه را تفسیر یا در آن تجدید نظر کند؟ شورای نگهبان، به طور صریح به این پرسش پاسخ داده است. رئیس جمهوری وقت که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم بود، در نامه ای (مورخ ۱۸/۲/۱۳۷۲) از شورای نگهبان پرسیده است:

آیا مجمع می تواند پس از تصویب و ابلاغ مصوبه های خود درباره آن ها تجدید نظر کند؟ و اگر ابهامی در مفهوم مصوبه ها بود، رفع ابهام آن و تفسیر مصوبه با خود مجمع است یا مرجع تفسیر، مجلس شورای اسلامی، یا تفسیرها احتیاج به ارجاع مجدّد از سوی مقام رهبری است؟

شورای نگهبان در تاریخ ۳/۳/۱۳۷۲ در پاسخ پرسش اول این گونه اعلام نظر کرده است:

مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی تواند مستقلاً در مواد قانونی مصوبه خود تجدید نظر کند... تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مواد با مجمع است. امّا اگر مجمع در مقام توسعه و تضییق مصوبه خود باشد،

مستقلاً نمی تواند اقدام نماید.(۱)

### ۲. نسخ و از میان رفتن اعتبار مصوبه های مجمع

به اعتقـاد حقوق دانـان، نسـخ قـانون «تنهـا از طرف مرجعی که آن را وضع کرده و یـا در طبقه بنـدی قوانین، مرجع عـالی تر به شمـار می رود، ممکن است.»(۲) بنـابراین، هیـچ یـک از مراجع قـانون گـذاری، حق ردّ و ابطـال و نسـخ مصوبه های مجمع را ندارند؛ زیرا مجمع در رتبه بالاتری از آنان است و مجمع می تواند قوانین عادی دیگر را نسخ کند یا بر آن تخصیص بزند.

گفتیم که مصوبه های مجمع در مقام صدور احکام حکومتی، موقت و وابسـته به وجود مصلحت هستند. حال اگر آن مصلحت باقی باشد، هیچ مرجعی حق قانون گذاری بر خلاف آن را ندارد و اگر هم چنین اقدامی کند، باطل است.

همان گونه که شورای نگهبان اعلام کرده است:

در صـورتی که مصوبه مجمع مصـلحت مربوط به اختلاـف نظر شورای نگهبـان و مجلس شورای اسـلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتدٌ به (قابل توجه و اعتنا) که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد.(۳)

بایـد گفت این مطلب درباره مصوبه های مجمع در اجرای اصل ۱۱۲ و حـل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان است، ولی در مورد مصوبه های مجمع که در اجرای بند ۸ اصل ۱۱۰ و برای حل معضل نظام است، «در



---

۱- ۱. مجموعه اساسی، ص ۱۸۸.

۲- ۲. مقدمه علم حقوق، ص ۱۷۵.

۳- ۳. مجموعه اساسی، ص ۸۸ .

صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می باشد».(1)

با توجه به این مقدمه، بدون گذشت زمانی که احتمال تغییر مصلحت برود یا بدون استعلام از مقام رهبری، وضع قانون جدید یا تغییر و اصلاح قانون پیشین به وسیله مجلس، قانون مصوب مجمع را از اعتبار نمی اندازد.

### ۳. لازم الاجرا شدن مصوبه های مجمع

برای این که بدانیم مصوبه های مجمع چگونه و با گذراندن چه مراحلی لازم الاجرا می شوند، باید یک تقسیم بندی انجام دهیم:

۱. گاهی مصوبه های مجمع در مقام حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان است. در این صورت، آن مصوبه به مجلس می رود و رئیس مجلس، آن را برای رئیس جمهور می فرستد و رئیس جمهور هم بر اساس ماده یک قانون(2) مدنی، آن را همانند دیگر قوانین عادی، امضا و ابلاغ می کند.

۲. مصوبه های مجمع در مورد معضلات نیز «مثل قانون عادی است که واجب العمل شده، دستگاه قضایی به آن استناد و در روزنامه رسمی، منتشر و رئیس جمهور هم امضا می کند.»(3) بنابراین، تصمیم های مجمع در مقام حل معضلات نظام نیز پس از ابلاغ رئیس جمهور قطعی و لازم الاجراء است.



---

۱- ۱. همان.

۲- ۲. ماده یک قانون مدنی: «... رئیس جمهور باید ظرف ۵ روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انشاء آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدّت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید».

۳- ۳. مصاحبه با آیت اللّه رفسنجانی، ص ۳۵.

۳. در صورت اخیر، اگر رهبری به طور کلی یا به شکلی ویژه، قوانین مجمع را مشروط به امضای خود کرد، آن قانون باید به امضای ایشان برسد و پس از آن لازم الاجرا خواهد بود.

توضیح آخر این که برخلاف مصوبه های مجلس و قوانین عادی که حتماً باید به تأئید شورای نگهبان (به خاطر نداشتن مغایرت با احکام اسلامی و اصول قانون اساسی) برسد و گرنه بدون اعتبار خواهد بود، مصوبه های مجمع _ همان گونه که از مباحث پیشین فهمیده می شود _ نیاز به تأیید شورای  نگهبان ندارد.

### ۴. حدود و قلمرو مصوبه های مجمع

آیا مصوبه های مجمع محدود به موارد اضطرار و ضرورت است یا فراتر از آن هاست؟

البته «قدر متیقن مصلحت، مواردی است که ما به دلیل ضرورت و به دلیل مصحلت می خواهیم از مرزها بگذریم و می خواهیم از یک قانون شرعی یا قانون، اساساً بگذریم»،(۱) ولی به دلایل زیر:

الف) بر اساس اطلاق اصل ۱۱۲ قانون اساسی که رفع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان را متوقف بر ضرورت و اضطرار نکرده است؛

ب) مبنای صدور حکم حکومتی، مطلق مصلحت است، ولو به حد ضرورت نرسیده باشد؛



---

۱ – ۱. بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۵۴ به نقل از: آیت اللّه یزدی در شورای بازنگری قانون اساسی.

ج) لازمه اطلاق در ولایت مطلقه فقیه آن است که ولی فقیه بتواند امری غیر ضروری را نیز به مجمع ارجاع دهد؛

د) با توجه به این که «معضل نظام» ذکر شده در بند ۸ اصل ۱۱۰ همیشه همراه با ضرورت نیست، مثل قانون کار که به یک معضل تبدیل شده بود، ولی به حد اضطرار نرسیده بود؛(۱)

ه ) رویه عملی مجمع در تصویب قوانینی مثل: قانون تخلف ها، جرایم و مجازات های اسناد سجلی (مصوب ۱۰/۵/۱۳۷۰) یا تصویب حق کسب و پیشه و حق تجارت (مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۶۹)

می توان گفت که مجمع تنها در محدوده ضروریات و موارد اضطراری عمل نمی کند و می توان گفت که اختیارات خود را محدود به حد ضرورت نمی داند.

با این همه، بهتر است برای این که سیر قانون گذاری از مراحل عادی و طبیعی خویش خارج نشود:

الف) مجلس و شورای نگهبان تا حد امکان از ارجاع مصوبه اختلافی به مجمع خودداری کنند و خودشان، به تفاهم برسند؛

ب) آن چیزهایی به عنوان معضل نظام مطرح شود که واقعاً از راه عادی قابل حل نباشد.



---

۱- ۱. همان، ص ۱۷۵.

## ۵ . آیا تشکیلات مجمع و کارکرد آن نظایری در حقوق تطبیقی دارد؟

برخی گمان برده اند که تشکیل نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام، فقط در جمهوری اسلامی وجود دارد، در حالی که اگر به قانون اساسی کشورهای دیگر بنگریم، برخی نهادها یا شخصیت ها در برخی رژیم های سیاسی همین کارکردهای مجمع تشخیص را بر عهده دارند. برای نمونه، درباره نقش مجمع در حل معضلات نظام و این که گفتیم در اجرای بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مجمع می تواند مقرراتی حتی بر خلاف قانون اساسی وضع کند، اصل ۱۶ قانون اساسی فرانسه نیز همین نقش را به رئیس جمهوری خود داده است. بر اساس این اصل:

هرگاه نهادهای جمهوری، استقلال ملّی، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدهای بین المللی به طور جدی و فوری در معرض تهدید قرار گیرند و عملکرد منظم قوای عمومی مذکور در قانون اساسی مختل گردد، رئیس جمهور تدابیر لازم را برای اوضاع مذکور پس از مشورت رسمی با نخست وزیر و رؤسای مجالس و رئیس شورای قانون اساسی، اتخاذ می نماید.

این تدابیر باید به گونه ای اتخاذ گردند که قوای عمومی مذکور در قانون اساسی بتوانند در کوتاه ترین مدّت به انجام وظایف خود بپردازند.(۱)

ص:۱۲۶

---

۱- ۱. اداره کل توافقهای بین المللی، قانون اساسی فرانسه، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، ۱۳۷۶، چ اول، ص ۴۷.

و رئیس جمهور تا هنگامی که این خطرها مرتفع نشده، جای گزین نهادهای جمهوری از جمله قوه مقننه می شود.(۱) در امریکا نیز هرگاه رئیس جمهور لازم و ضروری تشخیص دهد می تواند پیشنهادهای خود را برای تصویب به کنگره بدهد.(۲)

همچنین در اصل ۱۱۱ قانون اساسی کشور سوریه، در مواردی که مصالح نظام اقتضا کند، امر قانون گذاری بر عهده رئیس جمهوری گذاشته شده است. این اصل می گوید:

چنانچه ضرورت فوق العاده در ارتباط با مصالح و امنیت ملی اقتضا کند، رئیس جمهور اختیار قانون گذاری را بر عهده خواهد گرفت.(۳)

در اصل ۱۱۳ قانون اساسی سوریه نیز آمده است:

در صورت بروز حوادث بسیار خطرناک که وحدت ملی، امنیت و تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید قرار داده و یا این که انجام وظایف دولتی را طبق قانون اساسی غیرممکن سازد، رئیس جمهور می تواند برای مقابله با این مخاطرات تدابیر سریع اتخاذ نماید.(۴)

در مورد نقش مشورتی مجمع در برنامه ریزی های کلی نیز در کشورهای دیگر نهادهایی وجود دارد که مشابه همین کارکرد مجمع را دارند. مثلاً بر



---

۱- ۱. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، چ چهارم، ص ۵۵۶.
۲- ۲. همان، ص ۵۷۷.
۳- ۳. اداره کل توافقهای بین المللی، قانون اساسی جمهوری عربی سوریه، اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۴، چ اول، ص ۶۹ .
۴- ۴. همان، ص ۷۰.

اساس قانون اساسی ایتالیا، شورای ملی اقتصاد و کار یا شورای دولتی به عنوان سازمانی  مشورتی در رژیم سیاسی ایتالیا نقش دارند.(۱) هم چنین در موارد اختلاف میان شورای منطقه و دولت جمهوری ایتالیا، دولت حق دارد مصوبه ها را برای حل اختلاف به دادگاه قانون اساسی بفرستد و این دادگاه به حل اختلاف میان آن دو می پردازد.(۲) بنابراین، نهادهای مشابه مجمع تشخیص مصلحت نظام با وظایف و اختیاراتش تنها در جمهوری اسلامی وجود ندارد، بلکه در رژیم های سیاسی گوناگون، نهادهایی هستند که همین کارکردها و وظایف را دارند.

مصلحت و مجمع تشخیص مصلحت در کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

امام خمینی (ره):

حکومت به معنای ولایت مطلقه ای است که از جانب خدا به نبی اکرم واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهیه تقدم دارد.

صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۰.

ص:۱۲۸

---

۱- ۱. اداره کل توافقهای بین المللی، قانون اساسی ایتالیا، اداره کل قوانین و مقرارت کشور، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۵۰.

۲- ۲. همان.

حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند.

همان.

مصلحت نظام از امور مهمه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد.

همان، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می دانند.

همان.

امیدواریم این مجلس... در تنگناها و موانع از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل مجمع تشخیص مصلحت که پشتوانه عظیم و با برکت و پرثمری برای کشور ماست، بهره مند شود.

همان، ج ۲۱، ص ۵۱.

حفظ مصلحت عمومی و اسلام مقدّم است بر حفظ مصلحت شخصی هر کس باشد.

همان، ج ۱۸، ص ۴۶۷.

در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدّم بر هر چیز است.

همان، ج ۲۱، ص ۳۳۵.

نهضت شما، نهضت برای حق تعالی باشد برای مصلحت مسلمین... مصلحت اسلام است که از همه چیز عزیزتر است.

همان، ج ۴، ص ۱۹۰.

هر یکی تان (از نمایندگان مجلس شورای اسلامی) باید مصالح همه مملکت را در نظر بگیرید.

همان، ج ۱۳، ص ۱۰۳.

آیت اللّه خامنه ای: مجمع تشخیص مصلحت نظام در شکل و ترکیب جدید طی پنج سال گذشته بحمداللّه در راه وظایف سه گانه مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گام های بلندی برداشت و خدمات مهم و ارزشمندی را به کشور و مردم تقدیم کرد.

از فرمان مقام معظم رهبری در مورد تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوب ۲۵/۱۲/۱۳۸۰.

ص:۱۳۰

### بخش سوم: همراه با برنامه سازان

#### پیشنهادهای کلی

در مسائل و مباحثی که ماهیتی سیاسی، فقهی یا حقوقی دارند _ مانند مباحث مصلحت و مجمع تشخیص مصلحت نظام _ اثرگذاری بر مخاطب دشوار است؛ زیرا در مرحله اول باید آگاهی های داده شده آن قدر با ظرافت تعیین شوند که بر مخاطب تأثیر درونی داشته باشند. در مرحله بعدی، مخاطب را با آن آگاهی ها، به سمت ارزش های والا کشانند و زمینه مشارکت و فعالیت او را فراهم سازد.

باید گفت ایجاد انگیزه برای مخاطب قرار گرفتن در مباحث خشک سیاسی، حقوقی و فقهی بسیار مهم است. بنابراین، برنامه سازان باید ابتدا در اندیشه ایجاد انگیزه درونی مخاطبان برای شنیدن حرف های خود باشند که در این زمینه می توان از راهکارهای گوناگونی استفاده کرد، مانند: حضور شخصیت های محبوب مذهبی، سیاسی یا از حالت رسمی به درآمدن برنامه با به کار نبردن واژه ها و اصطلاحات اختصاصی و علمی.

ص:۱۳۱

مخاطب بایـد این احساس را پیدا کند که برنامه در حال تحمیل نظریه های برنامه سازان خویش نیست، بلکه خود مخاطب باید این احساس رضایت را پیدا کند و بر آگاهی های خود بیفزاید.

در این میـان، یکی از مهم ترین کارهـا فراهم سـاختن زمینه حضور، مشـارکت و فعـالیت مخـاطب در مباحث سیاسـی، فقهی و حقوقی است. پرسـش ها و پاسـخ های مسـتقیم و رودررو، جذابیت و اطلاعات و اشـراف کامل مجریان یا کارشـناسان، تمایل نداشتن برنامه به گرایش خاص حزبی و گوناگون بودن برنامه می تواند دراین باره مؤثر باشند. برنامه سازان باید تا حد امکان، مباحث و مسائل روز و نیز پیشینه مباحث در زمان گذشته را ــ البته با زبانی امروزی ــ برای مخاطبان مطرح سازند.

برنـامه هـا بایـد نوع مخـاطب خود را در نظر بگیرنـد؛ یعنی نبایـد در برنامه هایی که برای عموم مردم تولیـد می شود، از زبانی علمی و تخصصی استفاده کرد. همچنین نباید در برنامه های تخصصی و علمی با زبانی عوامانه سخن گفت.

به هرحال به برنامه سازان سفارش می شود تا مباحث زیر را مورد بررسی، تحلیل و اطلاع رسانی قرار دهند:

۱. تلاش برای شـناساندن صـحیح و واقعی واژه مصـحلت و مسائل مربوط به آن که در سیاست های داخلی و خارجی کشورها نقش مهمی دارد.

۲. اطلاع رسانی به مردم در مورد این که مصالح ادعا شده از سوی غرب در اعمال خلاف حقوق بشر آنان، مصالحی دروغین است.

۳. توجه به مباحث مصالح مرسله در فقه اهل سنت و مصالح در فقه شیعه با رویکرد تقریب و نزدیک کردن این دو نظریه.

ص:۱۳۲

۴. توجه به الگوهای مصحلت و مصالح مهم تر و استفاده از این الگوها در تصمیم گیری ها و اعمال و کارکرد مسئولان در هر رده ای.

۵. تلاش برای کم کردن نگرانی مردم و جامعه از استفاده ابزاری مسئولان از مصلحت در توجیه عملکرد خود.

۶ . تلاش برای توجیه افکار عمومی درباره اختیارهای مجمع تشخیص مصلحت نظام به وسیله تبیین مبانی فقهی و حقوقی اختیارها و وظایف این مجمع.

۷. شناساندن و ارائه صحیح ادلّه ضرورت حفظ نظام اسلامی و تقدم این امر بر هر چیزی بر اساس ادلّه عقلی و شرعی.

۸ . بیان موفقیت نظام جمهوری اسلامی ایران به واسطه تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام که در بیرون رفتن از بن بست ها، به خوبی عمل کرده است. در ترویج این دیدگاه برای کشورهای مسلمان دیگر باید توجه کرد که مصالح مرسله مورد پذیرش اهل سنت می تواند عامل موجه کردن این نهاد برای کشورهای اسلامی دیگر گردد.

۹. تلاش برای تقویت مبانی نظریه ولایت مطلقه فقیه با شناساندن مبانی این نظریه هم چون احکام حکومتی.

۱۰. بیان نظریه های بزرگان شیعه و سنی درباره مصلحت و احکام حکومتی و تلاش برای نزدیک کردن این دیدگاه ها.

ص:۱۳۳

## پیشنهادهای برنامه ای

الف) ساخت برنامه ها و دعوت از کارشناسان حوزه و دانشگاه برای بحث، بررسی و تبیین موارد زیر:

۱. مصلحت در فقه اهل سنت و شیعه و چگونگی تعامل و نزدیک کردن این دو دیدگاه.

۲. بررسی برخی احکام حکومتی صادر شده از سوی معصومین علیهم السلام و فقهایی هم چون میرزای بزرگ شیرازی و تبیین مبانی فقهی آن.

۳. بررسی مصالح دروغین در جامعه سیاسی غرب که مبنای برخی از اعمال وحشیانه آن ها از جمله شروع جنگ ها و ترورها است.

۴. بحث درباره تأثیر مقتضیات زمانی و مکانی و عنصر مصلحت در احکام.

۵. بررسی دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره حکومت اسلامی و این که حفظ نظام اسلامی بر همه احکام شرعی الهی مقدّم است.

۶ . تفاوت های بنیادی مصلحت در آموزش های اسلامی و مصلحت در جامعه غرب.

۷. تفاوت نظریه ولایت مطلقه فقیه با استبداد و دیکتاتوری با توجه به عناصری هم چون: احکام حکومتی، مصلحت، ضرورت مشورت و... .

۸ . پیدا کردن راهکارهایی برای وسیله و ابزار قرارگرفتن مصلحت برای سیاست ها و اعمال نادرست مسئولان.

۹. رفع شبهه هایی درباره مرجع تشخیص مصلحت و معیارها و ضوابط مربوط به آن.

۱۰. رفع شبهه عرفی شدن و دنیایی شدن فقه شیعه، با ورود عنصر مصلحت به آن.

۱۱. رفع شبهه ورود بحث مصلحت به وسیله امام خمینی (ره) با توجه به مصداق های فراوانی از این بحث در سیره و گفتار معصومین علیهم السلام و فقهای گران قدر گذشته.

۱۲. توجه دادن جامعه و دولتمردان به مصالح واقعی جامعه و گروه های اجتماعی از قبیل جوانان، زنان و... برای بهبود وضعیت آنان.

۱۳. زمینه سازی برای تحقیق و علمی شدن همه جانبه نظریه ولایت مطلقه فقیه و ضرورت حفظ نظام که از سوی حضرت امام خمینی (ره) در جهان مطرح گشته است.

۱۴. زمینه سازی برای مطرح کردن دین اسلام به عنوان یک دین اجتماعی و دارای برنامه در امر حکومت با توجه به مباحثی هم چون: مصلحت، احکام حکومتی و... .

۱۵. رفع شبهه ها درباره ورود عنصر مصلحت به وسیله امام خمینی (ره) در فقه شیعه و عرفی شدن فقه به این واسطه با بیان نمونه هایی از نقش مصلحت و احکام حکومتی در سیره معصومین و فقهای قدیم.

۱۶. رفع شبهه هایی درباره قانون گذاری بدوی به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به مبانی فقهی و حقوقی.

ب) دعوت از حقوق دان و اعضایی از مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بررسی و تبیین موارد زیر:

۱. زمینه ها و بسترهای به وجود آورنده مجمع تشخیص مصحلت نظام و چگونگی شکل گیری و سیر تحولات آن.

۲. بررسی کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای درک موفقیت یا شکست این نهاد در وظایف خویش.

۳. رفع شبهه هایی مهم مثل قانون گذاری بدوی و ابتدایی به وسیله مجمع تشخیص مصحلت نظام.

۴. چگونگی تشخیص و ترجیح دادن مصالح واقعی و حقیقی نظام در مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۵. رفع نگرانی های مردم درباره اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام با تبیین مبانی فقهی این اختیارات.

۶. بررسی مبانی فقهی و حقوقی قانون گذاری مجمع، هنگامی که قوانینی فراتر از قانون اساسی یا احکام اولی شرعی وضع می کند.

۷. پیدا کردن راهکارهایی برای فعالیت بهتر مجمع از قبیل تدوین قوانینی برای قرار دادن نهادی ناظر بر این مجمع که اکنون در قانون مشخص نشده است.

۸. دیدگاه امام؛ درباره تشکیل و اختیارها وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام.

## پرسش های مردمی

۱. شما چه مقدار با تشکیلات مجمع تشخیص مصلحت نظام آشنا هستید؟

۲. آیا می دانید مجمع در چه سالی و با فرمان چه کسی آغاز به کار کرد؟

۳. آیا با وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام آشنایی دارید؟

۴. در موقع بن بست ها و مشکلات زیاد برای جامعه چه باید کرد؟

۵. مجمع تا چه اندازه توانسته است در مواقع ضروری، کارکردی مناسب داشته باشد؟

۶ . به نظر شما برای حفظ مصلحت نظام و کشور چه باید کرد؟

## پرسش های کارشناسی

۱. مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت چگونه تعریف شده است؟

۲. ماهیت مصلحت چیست؟ چه تفاوتی با منفعت و سود دارد؟

۳. چرا فقهای اهل سنت بیشتر در مورد مصلحت به بحث پرداخته اند؟

۴. چگونه می توان مصلحتی را تشخیص داد و قلمرو تأثیرگذاری مصلحت تا کجاست؟

۵ . مصلحت در تشریع، استنباط و امتثال احکام چه نقشی دارد؟

۶ . آیا بحث مصلحت به وسیله امام خمینی (ره) وارد فقه شیعه شده است؟ پیشینه بحث مصلحت در فقه امامیه را توضیح دهید؟

۷. ضابطه احکام حکومتی چیست؟ احکام حکومتی چه جایگاهی در میان احکام اسلامی دارد؟

۸ . چه فرآیندی سبب تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام شد؟

۹. وجود مجمع تشخیص مصلحت نظام چه ضرورتی دارد؟

۱۰. مصالح مرسله در فقه اهل سنت چه نقشی دارد؟

۱۱. فقهای شیعه چه نگرشی به مصالح مرسله داشتند و چرا؟

۱۲. اکنون فرآیند تصیم گیری در مجمع چگونه است؟

۱۳. مجمع چه وظایفی بر عهده دارد؟

۱۴. چگونه مجمع با رهبری در حل معضلات نظام همکاری و مشاوره می کند؟

۱۵. آیا مجمع می تواند در آغاز اقدام به قانون گذاری کند؟

۱۶. این پرسش مغالطه آمیز را که آیا مصوبه های مجمع می تواند برخلاف احکام شرع باشد، را چگونه ارزیابی می کنید؟

۱۷. مصوبه های مجمع از لحاظ اعتبار در میان قوانین عادی چه جایگاهی دارد؟

۱۸. چه نهادی باید بر مجمع نظارت کند؟

۱۹. حق تجدید نظر و تفسیر مصوبه های مجمع و نیز نسخ آن با چه مرجعی است؟

۲۰. مجمع در چه قلمرویی می تواند مقررات وضع کند؟

۲۱. مجمع از زمان تشکیل تاکنون، چه دستاوردهایی داشته است؟

۲۲. آیا مجمع می تواند اصولی از قانون اساسی را کنار بگذارد و از اجرای آن جلوگیری کند؟

۲۳. چرا برخی، توجه امام خمینی (ره) به عنصر مصلحت را زمینه ای برای عرفی و دولتی شدن فقه معرفی کرده اند و پاسخ به این شبهه چیست؟

۲۴. آیا در دیگر کشورها نیز نهادی مانند مجمع تشخیص وجود دارد؟ آن ها چه راه های دیگری برای حل بن بست ها دنبال می کنند؟ کدام راه بهتر است؟

ص:۱۳۹

**کتاب نامه**

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

الف) منابع فارسی


۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، تهران، چ اول، ۱۳۶۹.

۲. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه اساسی، تهران، معاونت پژوهش، چ اول، ۱۳۸۱.

۳. ارسطا، محمد جواد، تشخیص مصحلت نظام از دیدگاه فقهی ـ حقوقی، تهران، کانون اندیشه جوان، چ اول، ۱۳۸۱.

۴. الزلمی، مصطفی ابراهیم، خاستگاه های اختلاف در فقه مذاهب، ج ۱، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵.

۵. بود نهایمر، ادگار، درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی (از کتاب حق و مصلحت)، ترجمه محمّد راسخ، تهران، طرح نو، چ اول، ۱۳۸۱.

۶. بیات، عبدالرسول و دیگران، فرهنگ واژه ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چ اول، ۱۳۸۱.

۷. تقوی، محمد ناصر، حکومت و مصلحت، تهران، امیر کبیر، چ اول، ۱۳۷۸.

۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ هشتم، ۱۳۷۶.

۹. جناتی، ابراهیم، منابع اجتهاد، تهران، کیهان، ۱۳۶۱.

۱۰. جوادی، عبد اللّه، ولایت فقیه، قم، اسراء، چ سوم، ۱۳۷۸.

۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه،  ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۷.

۱۲. راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ج ۳، ترجمه نجف دریا بندری، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چ دوم، ۱۳۵۱.

۱۳. شریعتی، محمد صادق، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قم، بوستان کتاب، چ اول، ۱۳۸۰.

۱۴. صابری، حسین، عقل و استنباط فقهی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چ اول، ۱۳۸۱.

۱۵. صرامی، سیف اللّه، جایگاه قرآن در استنباط احکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،  چ اول، ۱۳۷۸.

۱۶. عوده، عبدالقادر، حقوق جنائی اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چ اول، ۱۳۷۳.

۱۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۲.

۱۸. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۱، تهران، چ دوم، ۱۳۸۰.

۱۹. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، بهمن برنا، چ بیستم، ۱۳۷۴.

۲۰. کلانتری، علی اکبر، حکم ثانوی در تشریع اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۸.

۲۱. کمالی، محمد هاشم، آزادی بیان در اسلام، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، قصیده سرا، چ اول، ۱۳۸۱.

۲۲. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی (مقاله ولایت و حکومت)، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۵.

۲۳. محمدی، ابوالحسن، مبانی استناط حقوق اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، چ نهم، ۱۳۷۵.

۲۴. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، همراه، چ اول، ۱۳۷۰.

۲۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی شهید، چ دوم، ۱۳۸۰.

۲۶. موسوی خمینی، سید روح اللّه، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹.

۲۷. مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، چ اول، ۱۳۷۲.

۲۸. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، کیهان، چ اول، ۱۳۷۱.

۲۹. واعظی، احمد، حکومت اسلامی، قم، نشر سمیر، چ اول، ۱۳۸۰.

۳۰. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۳۷۶.

۳۱. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، چ چهارم، ۱۳۷۹.

ب) منابع عربی

۱. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۲. الاعتصام، ج ۲، مصر، مکتبه تجاری کبری.

۳. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ج ۱، قم، اسماعیلیان، چ اول، ۱۳۸۱.

۴. بحرانی، ابی محمد حسن، تحف العقول، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۴ ه . ق.

۵. بوطی، محمد سعید رمضان، ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه، دارالمتحده _ مؤسسه رساله، چ پنجم، ۱۴۱۰ ه . ق.

۶. جوهری، الصحاح تاج اللغّه، به تحقیق احمد بن عبد الغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چ چهارم، ۱۴۰۷ ه . ق.

۷. حکیم، سید محمدتقی، اصول العامه للفقه المقارن، قم، مؤسسه آل البیت، چ دوم، ۱۳۹۰ ه . ق.

۸. خادمی، نورالدین، المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها، بیروت، دار ابن حزم، چ اول، ۱۴۲۱ ه . ق.

۹. خلاف، عبد الوهاب، مصادر التشریع الاسلامی فیما لانصّ فیه، کویت، دارالقلم، چ پنجم، ۱۴۰۲ ه . ق.

۱۰. رفیق العجم، موسوعه مصطلحات اصول الفقه، ج ۱، بیروت، لبنان ناشرون، چ اول، ۱۹۹۸ م.

۱۱. شاطبی، ابن اسحاق، الموافقات فی اصول الشریعه، الشرق الادنی، ج ۲.

۱۲. شرتونی، خوری، اقرب الموارد، ج ۱، قم، کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ه . ق.

۱۳. شهید اول، القواعد و الفواید، ج ۱، به تحقیق عبدالهادی حکیم، قم، مکتبه المفید، ۱۳۹۹ ه . ق.

ص:۱۴۳

۱۴. شیخ مفید، المقنعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ه . ق.

۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۲، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ه . ق.

۱۶. طباطبایی قمی، سیدتقی، مبانی منهاج الصالحین، بیروت، دارالسرور، چ اول، ۱۴۱۸ ه . ق.

۱۷. غزالی، محمد، المستصفی من علم الاصول، ج ۱، بغداد، مکتب مثّنی، چ اول، ۱۳۲۲ ق.

۱۸. فیّومی، احمد بن محمد مقرّی، المصباح المنیر، ج ۱، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ ه . ق.

۱۹. کرکی، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البیت، چ ۲، ۱۴۱۴ ه . ق.

۲۰. کنگره امام رضا علیه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام ، مشهد، ۱۴۰۶ ه . ق.

۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، الوفاءِ، ۱۴۰۴ ه . ق.

۲۲. مدکور، محمد سلام، مناهج الاجتهاد فی الاسلام فی الاحکام الفقهیه و العقلائیه، کویت، جامعه الکویت، چ اول، ۱۳۹۳ ه . ق .

۲۳. مروارید، علی اصغر، سلسله ینابیع الفقهیه، بیروت، دارالاسلامیه، مؤسسه فقه شیعه، چ اول، ۱۴۱۰ ه . ق.

۲۴. مصری، ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، قم، نشر ادب الخوره، چ اول، ۱۴۰۵ ه . ق.

۲۵. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، اسماعیلیان، چ ۳، ۱۴۰۸ ه . ق.

۲۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ سوم، ۱۴۱۰ ه . ق.

ص:۱۴۴

۲۷. موسوی خمینی، روح اللّه، البیع، ج ۳، تهران، مؤسسه نشر اسلامی، چ پنجم، ۱۴۱۵ ه . ق.

۲۸. موسوی خمینی، سید روح اللّه، بیع، ج ۲، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه . ق.

۲۹. ______________________، تحریر الوسیله، بیروت، دار التعارف مطبوعات، ۱۴۰۱ ه . ق.

۳۰. ______________________، مکاسب محرمه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه . ق.

۳۱. میرزای قمی، قوانین الاصول، تهران، چاپخانه حاج ابراهیم، ۱۳۰۳ ه . ق.

۳۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، اسلامیه، چ ۳، ۱۳۶۷.

ج) قوانین و مقرارت

۱. اداره کل توافق های بین المللی، قانون اساسی ایتالیا، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، چ اول، ۱۳۷۵.

۲. ______________________، قانون اساسی جمهوری عربی سوریه، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، چ اول، ۱۳۷۴.

۳. ______________________، قانون اساسی فرانسه، اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، چ اول، ۱۳۷۶.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

د) نشریه ها:

۶. افتخاری، اصغر، «مصلحت به مثابه روش»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ اول، ۱۳۷۸.

۷. امیر ارجمند، اردشیر، «سیاست های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت»، راهبرد، ش ۲۸ (زمستان ۸۱).

۸. جعفری، محمد، «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، سلام، سال سوم، ش ۵۸۶ (۱۲/۳/۷۲).

۹. جناتی، محمد ابراهیم، «جایگاه مصالح مرسله و استصلاح در منابع اجتهاد»، کیهان اندیشه، ش ۳۱ (مرداد و شهریور ۶۹).

۱۰. حسینی، سید علی، «سیر مصلحت در فقه شیعه»، طلوع، سال اول، ش ۱ (بهار ۸۱).

۱۱. ـــــــــــــــــــــــــــــــ ، «ضوابط احکام حکومتی»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثارامام، چ اول، ۱۳۷۸.

۱۲. رحیم پور ازغدی، حسن، عرف و مصلحت در ترازوی حکومت اسلامی، کتاب نقد، شماره اول، چ اول، ۱۳۷۵.

۱۳. صالح پور، جهانگیر، «فرآیند عرفی شدن فقه شیعی»، مجله کیان، سال پنجم، ش ۲۴ (فروردین و اردیبهشت ماه ۷۴).

۱۴. صالحی، سید عباس، «مکتب و مصلحت»، مجله حوزه، سال پنجم، شماره ۴ (مهر و آبان ۶۹).

۱۵. ـــــــــــــــــــــــــــــــ ، «مکتب و مصلحت»، مجله حوزه، سال پنجم، ش ۲۸ (مهر و آبان ۶۷).

۱۶. صرامی، سیف اللّه، «احکام حکومتی و مصلحت»، راهبرد، ش ۴ (پاییز ۷۳).

۱۷. «ضابطه اصلی احکام حکومتی»، طلوع، سال اول، ش ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۸۱).

۱۸. مرعشی، سید محمدحسن، «مصلحت و پایه های فقهی آن»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال دوم، ش ۶ ، (زمستان ۷۱).

۱۹. «مصاحبه علمی با آیت اللّه رفسنجانی»، راهبرد، ش ۲۶ (زمستان ۸۱).

۲۰. معرفت، محمد هادی، «ولایت فقیه»، کتاب نقد، سال دوم، ش ۷ (زمستان ۷۹).

۲۱. منصور نژاد، محمد، «طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ اول، ۱۳۷۸.

۲۲. مهرپور، حسین، «مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه قانونی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰.

ص:۱۴۷

۱۸. مرعشی، سید محمدحسن، «مصلحت و پایه های فقهی آن»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال دوم، ش ۶ ، (زمستان ۷۱).

۱۹. «مصاحبه علمی با آیت اللّه رفسنجانی»، راهبرد، ش ۲۶ (زمستان ۸۱).

۲۰. معرفت، محمد هادی، «ولایت فقیه»، کتاب نقد، سال دوم، ش ۷ (زمستان ۷۹).

۲۱. منصور نژاد، محمد، «طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ اول، ۱۳۷۸.

۲۲. مهرپور، حسین، «مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه قانونی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰.

۱۸. مرعشی، سید محمدحسن، «مصلحت و پایه های فقهی آن»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال دوم، ش ۶ ، (زمستان ۷۱).

۱۹. «مصاحبه علمی با آیت اللّه رفسنجانی»، راهبرد، ش ۲۶ (زمستان ۸۱).

۲۰. معرفت، محمد هادی، «ولایت فقیه»، کتاب نقد، سال دوم، ش ۷ (زمستان ۷۹).

۲۱. منصور نژاد، محمد، «طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی»، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ اول، ۱۳۷۸.

۲۲. مهرپور، حسین، «مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه قانونی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰.

ص:۱۴۹

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند يکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹